

با آثار و گفتاری از:
 دکتر کامران باقری لنکرانی
 استاد حیدر رحیم پور ازغدی
 دکتر ابراهیم فیاض
 علیرضا قزوه
 مهدی محمدی
 مجتبی زارعی
 پرویز امینی
 مجید بذرافکن
 فرزاد جهان بین
 و...



چرا جلیلی؟

+ ضمیمه

چکیده برنامه اقتصادی دکتر جلیلی



دیدار دکتر جلیلی و علامه مصباح یزدی



دیدار دکتر جلیلی و آیت ا... خزعلی



دیدار دکتر جلیلی و آیت ا... جوادی آملی



دیدار دکتر جلیلی و آیت ا... مکارم شیرازی



دیدار دکتر جلیلی و آیت ا... نوری همدانی

سرمقاله:

- دکتر مجتبی زارعی / خودآگاهی تاریخی ایرانیان و مدیریت انقلابی سعید ۴
 ببینید در میان نامزدها چه کسی است که دشمن از آمدنش خوشحال نمی شود... ۸
 سعید جلیلی کیست؟ ۱۲
 دکتر کامران باقری لنکرانی / پیمان ابوالفضلی با دکتر جلیلی می بندیم ۱۴
 میثم شاهی / چه کسی کابینه ای بهتر از دکتر جلیلی دارد ۱۵
 استاد حیدر رحیم پور ازغندی / به کسی رای می دهم که آغازین حرکتش دگرگونی ساختار اجرا باشد ۱۶
 جملات علما در مورد دکتر جلیلی ۱۸
 امیر حسین ثابتی / چرا جلیلی؟ ۲۰
 ما می توانیم ۲۲
 فرزاد جهانین / دوگانه تجدد یا تعالی، تسلیم یا مقاومت ۲۸
 مجید بذرافکن / تحلیلی بر قدرت تشخیص و سرمایه اجتماعی جلیلی برای مدیریت کشور ۳۰
 حجت الاسلام سید جلال غمامی / اداره دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به مثابه اداره چند وزارتخانه حاکمیتی ۳۱
 دکتر ابراهیم فیاض / تحول در دانشگاه ها با گفتمان دانش حکمت جلیلی ۳۲
 دوکوهه قطعه ای از بهشت / جلیلی در حسینیه دوکوهه به دانشجویان چه گفت؟ ۳۴
 مسعود زین العابدین / تمدن سازی فقط پیمانکاری نیست ۳۶
 مهدی تهرانی / جلیلی پیروزی اش را اصل نمی داند؛ گفتمان انقلاب را اصل می داند ۳۸
 نمی شود کاندیدا حرف های خوبی بزند، بعد که شد رئیس جمهور هر کسی را خواست انتخاب کند ۴۰
 پرویز امینی / تکنوکرات ها دغدغه ای جز ساخت پل و جاده ندارند / در تکنوکراسی دغدغه های فنی بر دغدغه های فرا فنی مثل عدالت غلبه دارد ۴۶
 مهدی محمدی / چرا روحانی از واقعیت فرار می کند؟ ۴۷
 خاطرات کوتاه و خواندنی از دکتر جلیلی ۴۸
 علیرضا قزوئه / ای کاش کسی نفهمد که یک پای سعید قطع است ۵۰
 حضور زن در جامعه باید مجاهدانه و انقلابی باشد ۵۱
 جملات پیامکی دکتر جلیلی ۵۲
 ضمیمه / چکیده ای از برنامه اقتصادی دکتر جلیلی ۵۳

نشریه اصولگرا جریده ای است که مجوز نشر آن در سال ۱۳۸۲ صادر شد و از آن تاریخ تا کنون بدلیل نابخورداری از حمایت های مستمر در قالب ویژه نامه و هفته نامه و ماهنامه منتشر شده است مع الوصف شماره ی پیش روی آخرین شماره با این عنوان است چه اینکه پس از این بدلیل اقتضات و نیازهای علمی کشور کوشش خواهد شد با کمک فضلاء دانشگاه و حوزه با عنوانی جدید به نام مدرسه علوم سیاسی به تبیین مراحل پنج گانه اندیشه ی سیاسی فقیه حکیم؛ امام خامنه ای دائر بر انقلاب اسلامی « نظام اسلامی » دولت اسلامی « کشور و جامعه اسلامی » و تمدن اسلامی در قالب فصل نامه علمی - تخصصی مبادرت خواهد کرد، انتشار آخرین شماره با عنوان سابق (اصولگرا) بیانگر آن خواهد بود در صورت پیروزی و عدم پیروزی کاندیدای معرفی شده، راه ما و آرمان ما و برنامه ی عمل ما جز اصولگرایی نخواهد بود و رجای واثق است که برغم کاستی های حاملان اندیشه ی اصولگرایی، گفتمان اصولگرایی در زیست بوم ایرانی از قابلیت اعتبار برخوردار است .



نشریه اصولگرا /
 ویژه نامه معرفی کاندیدای اصلاح در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
 دکتر مجتبی زارعی
 زیر نظر شورای سردبیری
 سردبیر ویژه نامه:
 امیر حسین ثابتی
 مدیر هنری:
 جواد عسگری
 سایر همکاران:
 مجید بذرافکن، مهدی خاتعلی زاده، رسول عبادی، عطاء ... بیگدلی، امیرعلی آزادی، ناصر آراسته، امین فرج اللهی، حسن روزی طلب، علی نادری، کمیل نقی پور، سید سجاد موسوی صفحه آرایی:
 جواد عسگری

سر مقاله

خود آگاهی تاریخی ایرانیان و مدیریت انقلابی سعید



دکتر مجتبی زارعی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

شورای عالی امنیت ملی و فشرده‌گی تاریخ معاصر ایران

پرونده‌ی اتمی، فشرده تاریخ معاصر ایران و تبلور قوه خودآگاهی ایرانی در کشاکش دهر است. در این صورت شورای عالی امنیت ملی در دو دهه اخیر فرماندهی قرارگاه اعتلاء و ارتجاع هویت ملی را نمایندگی کرده است. اگر رسانه ملی همت می‌کرد و فهم دقیقی نسبت به این پرونده تاریخی داشت؛ می‌شد اندیشه سیاسی و اصول مقاومت مذهبی - ملی را برای دیروزی‌ها، امروزیان و فردائیان تدوین کرد و در این دانشگاه عمومی به مثابه کارگاهی آموزشی به مخاطبان داخلی و خارجی تدریس نمود. پرونده‌ای که با هویت ملی، میزان دانش سیاسی، حقوق شهروندی، فن دیپلماسی و اقتصاد ملی ما عمیقاً گره خورده است. اما بی‌هنری و ناکارآمدی تلویزیون این بود که از قاب تصویرش فقط خنده‌های تمسخر آمیز و ضد ملی جک استرا و همتای وقتش و صرفاً غرور ایرانی سعید مقابل اشتون را مخابره کرد، غافل از اینکه این رشته سری دراز دارد و از حیث تشخیص ملی به جاهای دور و نزدیک قابل ارجاع است و با اعماق تاریخ و اکنون ما، در حوزه فرهنگ و سیاست و اجتماع و اقتصاد رابطه ای وثیق دارد.

فلسفه تاریخ و شجره شناسی اجداد سعید

کفایت و عدم کفایت شاه سلطان حسین، موضوعی دیروزی نیست بلکه مسأله امروز و فردای ما نیز هست، او که نه باهوش بود و نه قادر به درک هویت ملی نوپدید ایران عصر صفوی بود نتوانست از توهمات پطر کبیر و دیپلمات ارمنی او بنام اوری فهم درستی داشته باشد، یک جانبه به تجار روس

امتیاز داد اما به زودی و در حدود سال ۱۱۳۴ قمری جغرافیای ایران و مناطق قفقازیه آماج حمله روس‌ها قرار گرفت و سواحل دریای مازندران از در بند تا استرآباد به اشغال آنها درآمد، اشغالی که زمینه ساز معاهده ننگین سال ۱۱۳۵ گردید که رسماً در بند و باکو و سواحل جنوبی دریای مازندران تا منتهی‌الیه استرآباد را به روسیه واگذار کرد و این چنین شد که شاه سلطان حسین، مجد و عظمت دولت ملی - شیعی را به تاراج داد، در مجد و عظمت آن دولت شیعی - ملی همین بس که «دون گارسیا» نماینده شاه فیلیپ برای دیدار با شاه عباس فاصله دو ساله ۱۰۲۶ ق ۱۰۲۸ ق را در اصفهان به انتظار نشست تا اذن حضور یافت اما عمران و آبادی ایران صفوی در زمانی رخت بر بست که ارکان هویت ملی و مقاومت مذهبی - ملی با منش و شخصیت سازشکارانه و مرعوبانه شاه سلطان حسین از هم پاشید و فهم نادرست از مؤلفه‌های امنیت ملی، پایتخت تشیع را در سال ۱۱۳۵ به اشغال محمود افغان در آورد. ضعف نفس و شهرت طلبی و شهوت رانی، عیاشی و دوری از عزم و جزم در شاه سلطان حسین تاروپود و سرشت او را چنان بی‌خاصیت کرده بود که با وجود فراوانی جمعیت اصفهان و رونق و امکانات دفاعی رودخانه زاینده رود، دشمن، این شهر را به اشغال خود در آورد. از این رو شاه سلطان حسین یک شخص و یک شیء در گذشته نیست، چه اینکه تاریخ پشت سر ما قرار ندارد بلکه تاریخ پیش پای ما و تعیین کننده راه و رسم فردا است. شاه سلطان حسین و مذاکره کنندگانش در همواره تاریخ حضور دارند چه اینکه ملاک انحطاط و اعتلای تاریخ و تمدن بمثابة موجودی زنده در

تحولات تاریخ و فلسفه تاریخ زنده است. فتحعلی شاه که آمد، مقابل تزار روسیه کم آورد. قفقاز مورد هجوم واقع شد و سیسیانف فرمانده بلامناع نبرد با ایران گردید. غرور سیسیانف مثل جباریت صدام بود، مثل او حرف می زد و مثل او اولتیماتوم می داد که می خواهد تهران را اشغال کند. فرانسه و انگلیس در این بین اما در دوران جنگ‌های ایران و روس، مکرراً در معاهدات دیپلماتیک و در پناه سیاستمداران بزدل ما و در نقاب دوستی و دشمنی با روس‌ها شخصیت و هویت ایران و ایرانی را به بازی می‌گرفتند، طرف خارجی ۵+۱ آن روزهای روس‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها را اجداد سولانا، پوشکافیشتر و جک استرا؛ یعنی ژنرال گاردان، سرهافرورد جونز و ... نمایندگی می‌کردند. اگر جک استرا در سعداآباد قول پلمب شدن پژوهشگاه‌های هسته‌ای را از طرف ایرانی می‌گرفت اجداد جک استرا نیز هر وقت سیسیانف روسی در حمله نظامی زمینی موفق می‌شد و بلاد اسلامی را زیر چکمه‌های خود لکه دار می‌نمود و نجس می‌کرد اینها اما از پشت خنجر میزدند ضمن اینکه روس و انگلیس که می‌خواستند روح درندگی ناپلئون بناپارت را مهار کنند، با یکدیگر همدستان می‌شدند و برای امنیت خود جغرافیای ایران را به تاراج می‌کشاندند، یعنی همان کاری که با پا در میانی این دو قدرت زیر تابلوی ننگین عهدنامه گلستان در تاریخ ثبت نمودند و قراباغ، گنجه، خانات شکی، شیروان، قبه و در بند و باکو را رسماً به روسیه منضم نمودند.

مذاکره کنندگان، دیپلمات ها و تبار تاریخی

اما اجداد و پیشینیان فرهنگی دکتر جلیلی همان وقت

راه را در مقاومت می‌دیدند، مرحوم کاشف الغطاء و آیت... سید علی مجاهد را می‌گوییم که جد فرهنگی مقاومت ما و سعید مقابل روس و انگلیس و فرانسه بودند و فریاد برآوردند که «کجاست غیرت اسلام؟! کجاست حمیت شریعت سیدانام؟!، کجاست حرمت حرم و نساء که پرده نشینان عقب و ناموس‌اند»، «کجا به غیرت شما می‌گنجد که به تسلط کفار روس بر ارض، مال، دین و دولت شما، رایت کفر افراشته و شهادتین از میان مسلمانان بر داشته شود؟! اما همین که خط مقاومت به بسیج عمومی مردم منتهی شد بگونه‌ای که نزدیک به خیمه‌گاه و تیرک خیمه دشمن رسیدند، انگلیس از پشت خنجر زد و دیپلمات خائن ما؛ الهیار آصف‌الدوله زمینه پیمان ننگین گلستان را بر ایرانیان موجب شد که ضمن اعطای پنج میلیون غرامت در سال ۱۲۴۳ ق (۱۸۲۸م) به روس و پذیرش حق انحصاری کشتی رانی در خزر به روسیه، اراضی ایروان نخجوان و قسمتی از دشت مغان را هم تسلیم اشغالگر نمود، ننگین تر اینکه حق قضاوت کنسولی و قوانین زشت کاپیتولاسیون را هم بر هویت ایرانی تحمیل کردند و این تفاوت خط مقاومتی است که از یک سو مرحوم کاشف الغطاء، آیت... مجاهد و عباس میرزا و از سوی دیگر فتحعلی شاه و الهیار آصف‌الدوله در تاریخ نمایندگی کردند که هنوز در نهاد و سرشت تاریخ تحولات سیاسی ایران حکمفرماست. خط مقاومتی که آیت... میرزا مسیح مجتهد و مردمان را علیه گستاخی و تعدیات گریبایدوف؛ سفیر روس برمی‌آشوباند و کارش از سوی ملت یکسره می‌شود، کما اینکه خط‌سازش و مقاومت در زمانه محمد شاه نیز تداوم یافت آنگاه که قائم مقام بعنوان نماد مقاومت ترور می‌شود و کار به دست میرزا آغاسی و افرادی مثل ابوالحسن خان ایلچی افتاد اما در این بین باز هم بجز ایلچی بیک‌ها، اجداد فرهنگی مذاکره‌کننده اکنون ما هم حضور داشتند که درخشیدند و ایرانی را سر بلند کردند، آن هنگام که میرزا تقی خان امیر نظام (امیرکبیر) در کشاکش دعای ایران و عثمانی در معاهده ارزنه الروم درخشید و به رغم حضور نمایندگان روس و انگلیس غایله ای برای اعراب دیپلمات‌های ایرانی طرح ریزی شد؛ عده‌ای به این مذاکره‌کننده ارشد ایرانی پیشنهاد کردند برای در امان ماندن خویش و هیئت همراه، لباس عثمانی بپوشد و بگریزد، میرزا

تقی خان اما گفت: هرگز نام ایران را به ننگ آلوده نمی‌کنم و با جامه عثمانی به بهشت جاودانی نمی‌روم، (همان بیانی که شیخ مشرعه خواه، فضل... نوری در پاسخ به نماینده روسها که برای در امان ماندن شیخ، برافراشته شدن پرچم روسیه بر سردر منزل خود به وی پیشنهاد کرده بودند اما شیخ گفت روانیست محاسنی که هفتاد سال زیر بیرق اسلام سپید شد اکنون زیر بیرق کفر برود) و با این پایمردی‌ها بود که عثمانی در توهمات تصاحب خرمشهر ماند و طرفی نیست. خط‌سازش و تاراج ایران پس از مرگ محمد شاه هم در پناه ناصرالدین شاه هم تداوم یافت زیرا خط مقاومت با ترور میرزا تقی‌خان، به‌سازش گرایید و کار را بدست میرزا آقاخان نوری داد، افغانستان از ایران بزرگ جدا شد. پس از میرزا آقاخان، میرزا حسین خان سپه‌سالار هم مرعوب روس و انگلیس بود در زمانه او و به پیشکاری او شاه و اطرافیان مکرراً به اروپا رفتند و امتیاز دادند. لرد کرزن یعنی پوشکا فیشر، خاویر سولانا و جک استرای زمانه، از آن روزها و از آن همه در یوزگی دیپلمات‌ها و شاه ایرانی شگفت زده می‌شود چه اینکه دیپلمات‌های ما و شاه ایرانی عنقریب بود که با قرارداد رویتز در سال ۱۲۸۹ ق، ایران را یکجا در بازار فرنگی به فروش برسانند اما خط مقاومت زمانه بخصوص خروش آیت... ملا علی کئی و متدینین نگذاشت قرارداد ننگین رویتز اجرایی شود، البته تأسف بار اینکه لغو این معاهده ایران بر باده، سبب شد تا انگلیس‌ها در ازای آن و به عنوان غرامت!! امتیاز انحصاری تأسیس بانک شاهنشاهی را بگیرند و شرف ملی را هتک کنند. من معتقدم مذاکره‌کنندگان ارشد هسته‌ای ایران تیاری تاریخی دارند. درست است که آنها نسب خوبی با یکدیگر ندارند اما نسبت و سبب گفتگمانی آنها یکی است. سال ۱۲۸۸ ق (۱۸۷۱م) انگلیسی‌ها با تطمیع میرزا آقا خان نوری در مخابرات ایران و تلگراف خانه‌ها نفوذ کردند و حاکم افغانستان را نیز برای تجزیه سیستان، و سوسه نمودند، کاری که آخرالامر به تجزیه این سرزمین منتهی گردید، از سوی دیگر در پناه معاهده و پیمان آخال، روس‌ها به بخشی از مرزهای شمال شرقی دست یافتند. امین السلطان (اتابک) و ملوک خان از نمادهای نفوذ خارجی و تعمیق روح‌سازش در شاه ایرانی از این دوره بودند، دوره‌ای که خط مقاومت

بدلیل نفوذ بیگانگان در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی و اجتماعی به ناگزیر ناصرالدین شاه را از میان برداشت. چه اینکه عصر ناصری عصر امتیازات ایران بسر باد ده بود، عصری که آثار اقتصادی و اجتماعی آن پس از مرگ او نیز بر جای ماند. مگر می‌شد آثار امتیاز ۶۰ ساله شاه و دیپلمات‌های کار چاق کن او در حوزه سیاسی و اقتصادی در امتیاز نامه «ویلیام ناکس داریسی» به سال ۱۳۱۹ ق را نادیده انگاشت، قراردادهایی که مظفرالدین شاه را نیز به سقوط کشانید. آن قدر بی‌خبری سیاستمداران اوج گرفته بود که با ظهور رخوت شاه سلطان حسینی در دستگاه مظفری، روس‌ها و انگلیسی‌ها در قرارداد ۱۹۰۷ ایران را به مناطق سه‌گانه نفوذ شمال روسی، جنوب انگلیسی و مرکزیت بی‌طرف! تقسیم کردند. جریان مقاومت امّا آنجا قوی وارد میدان شد که مرحوم میرزای بزرگ شیرازی وارد صحنه شد و سه‌گانه دربار ناصری، اقتدار انگلیسی و شرکت سرمایه دار انگلیسی ماژورتابوت را منکوب کرد، خط خدمت به اسلام و ایرانی که هنوز تداوم دارد. این خط و این قطعه تاریخی هم جزو اجداد طاهرین مذاکره‌کننده ارشد اکنون ایران است.

خط سعید و ظرفیت های اندیشه تحریم در فقه

سیاسی

خطی که شهید زنده ما سعید تعقیب می‌کند اندیشه تحریم غرب است، نه اندیشه‌ای که در تحریم و محاصره غرب باشد. خطی است که منفعل نیست، انقلابی است. خطی است که خلاقیت و ابتکار دارد و دشمن را بدنبال خود می‌کشاند نه اینکه اسیر دست دشمن باشد.

«بسم... الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بائی نحو کان در حکم مجاریه با امام زمان عجل... تعالی است» این فتوای حکمی، اگر چه یک سطر بیش نبود و نیست امّا غرب را در نزدیک به ۱۵۰ سال پیش زمین گیر کرد. کاری که هرگز از دست دیپلمات‌های درباری و بروکرات‌های سیاست خارجی بر نمی‌آمد و نمی‌آید، زیرا مرحوم میرزا و حضرات آیات سید علی اکبر فال‌اسیری، میرزا حسن آشتیانی، میرزا جواد آقا مجتهدی تبریزی و محمد تقی اصفهانی و... بر اساس نصوص قرآنی مقاومت و استقامت تا آخر ایستادند. اندیشه تحریم معیار زنده

مقاومت فعال و پویای ایرانی است که در سرشت خود پیشرفت ایرانی را به دنبال داشته است.

مذاکره کننده هسته‌ای ما آنگاه که وادادگی پیشه کرد، تولیدات گسترده ملی مرتبط با دانش هسته‌ای و بسط انرژی‌های نوین ایرانی را در حوزه پزشکی، نانو، کشاورزی و صنعت به قهقراء کشانید در حالی که خط مقاومت، پایداری‌اش و حتی اندیشه تحریمی‌اش حمایت از تولید ملی است. زیرا فقه سیاسی و حکمت سیاسی در پناه ولایت فقه‌های حکیم همواره جانب اعتلای ملی و سر رشته‌دار کارآمدی امور عمومی ملت بوده است، نگاهی به بیانیه مذهبی-ملی و اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی حضرات آیات شیخ محمد تقی نجفی، حاج آقا نورا... نجفی، حسین بن جعفر الغسارکی، شیخ مرتضی ریزی، میرزا محمد تقی مدرس، حاج سید محمد باقر بروجردی، حاجی میرزا مهدی جویبارهای، جناب رکن الملک، سید ابوالقاسم دهکردی و در همان سال‌های پس از اندیشه تحریمی میرزای شیرازی قطعات درخشانی از اندیشه مقاومت اسلامی در تاریخ تحولات ایران است به بیانیه تاریخی زیر توجه کنید و فصول مشترک خط مقاومت اکنون و فقه‌های انقلابی دیروز را به رأی العین ببینیم: «این خدام شریعت مطهره ... متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که ... فعلاً از پنج شرط زیر تا جایی که ممکن است تخلف نکنیم:

اولاً: قبایح و احکام شرعیه از شنبه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم؛ ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه‌های دیگر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم بر آن مِت، ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوه بر آن مِت بخواهند ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید، که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم تا حد امکان، هر چه بدلی در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوخ نماییم و منسوخ غیرایرانی را نپوشیم و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیرایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم.

تابعان ماها نیز کذلک و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده و داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رایعاً: میهمانی‌ها بعد ذلک ولو اعیانی باشد، چه عامه، چه خاصه، باید مختصر باشد یک پلو و یک خورش و یک افشیره. اگر زاید بر این کسی تکلف دهد، ماها را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش مهمانی می‌نماییم. هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری اهل و افور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم زیرا که آیات باهره: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» «وَلَا تُشْرِكُوا أَنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُشْرِقِينَ» «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و حدیث «الاضرر و لاضرار» ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده. بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری، به نظر توہین و خفت می‌نگریم.»

چنانچه ملاحظه می‌شود، خط مقاومت در برابر دشمن خارجی، نه مقاومتی فتنزی و کور که خط شکوفایی قدرت و اقتصاد ملی است، این خط از چنان ظرفیتی برخوردار است که فرهنگ، اقتصاد، صنایع داخلی و خودکفایی را توانان در خود دارد.

تسلط در فن مذاکره و مؤلفه های مؤمنانه دیپلماتیک در آراء سعید

خط مقاومت و سازش در مشروطه نیز ملاکی برای خدمت و خیانت به وطن بود. روس‌ها و انگلیس‌ها مجدداً در مشروطه مشروعه نفوذ کردند خط نفوذ سفارتخانه‌ها در امور عمومی و سیاسی ایرانیان خطی است که بیش از یک قرن قدمت دارد. سفارتخانه‌هایی که عملاً به مراکز جاسوسی و فرماندهی براندازی دولت‌های ملی و اسلامی در ایران تبدیل شده است. نقش جاسوسخانه آمریکا در ایران در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و عملکرد سفارتخانه انگلیسی‌ها در فتنه متأخر تهران در صدر این اقدامات براندازانه است. امام خمینی رضوان الله تعالی علیه چهره‌ای است که با تجربه‌های ایران عصر صفوی و آموزه‌های میرزای بزرگ شیرازی و حوادث مشروطه و بررسی عینی زندگی شیخ فضل الله نوری و مدرس و کاشانی و نواب صفوی و نیز در کشاکش ظهور و سقوط پهلویسم، مقاومت

و پایداری را در هندسه یک مکتب معماری کرد، او از همان دهه بیست و سی به نوسازی هویت ملی پرداخت، شخصیتی که مذاکره کننده اکنون ما در شورای عالی امنیت ملی فنون دیپلماتیک و مذاکره اش را به او ارجاع می‌دهد، از این رو مرعوب نمی‌شود، خویش را نمی‌بازد و هویت ملی ایرانیان را در مواجهه و مذاکره پاس می‌دارد، اقدامات دکتر جلیلی باز اندیشی آراء و آرمان‌امامی است که در اوج بی‌کسی و غربت و جباریت پهلوی و مرعوبیت برخی روشنفکران ستایشگر غرب فریاد برآورد که: «اروپا به کجا رسیده که از او ستایش می‌کنید؟! اروپایی که میلیون‌ها همجنس خود را در زیر تانک‌ها و آتش توپخانه‌ها به دیار نیستی فرستاده و می‌فرستد باز او را از نوع بشر می‌دانید و برای او حسرت می‌برید؟! آنچه در اروپا است سرتاسر پیدادگری‌ها و آدم دریهاست که اسلام از آن بیزار است، آنچه در اروپا است، دیکتاتوری و خود سری‌هاست که قانون عدالت از آن بیزار است»

ولایت فقیه حکیم که آمد هویت ملی ایرانی تبلور یافت. ولایت فقیه در طول قریب به چهار دهه اخیر همواره بر حفظ اصول و فنون مذاکره با بیگانگان در تأمین حقوق ملی تأکید نمود. هر گاه دیپلمات‌های ارشد ما در مذاکره از شرف و عزت ملی دور شدند و به عقل جزوی اندیش خود تکیه کردند در آن پرونده‌ها شکست خوردند. در پرونده مک‌فارلین نزدیک بود که شرف ملی را به باد دهند که ولی فقیه حکیم ایستاد. نزدیک بود که پشت سر صدام یزید و در جبهه او با آمریکا وارد جنگ بشوند که از این جهاد ساده لوحانه و متحجرانه منع شدند، و اگر نبود ولی فقیه حکیم، غرور و تکبر اروپاییان در پرونده میکونوس ایران و ایرانی تحقیر می‌شد اما تنبیه سفرای اروپایی بخصوص سفیر آلمان از سوی امام خامنه‌ای کرامت ایرانی را بر اردوگاه دشمن مستولی کرد، عنقریب بود که برای تحصیل چند کالا و وعده‌های پوچ دشمن، مقاومت اسلامی و گروه‌های مقاومت را به مذبوح یوشکا فیشر و جک استرا بیزند که فقیه حکیم به خروش آمد و مذاکره کنندگان وطن خواه و شریعت‌محور خود را به میدان گفت و گو با خصم فرستاد چه اینکه دیپلمات‌های ارشد هسته‌ای به مدیریت مسوول بروکرات وقت و همکاران ضعیف‌النفس و متسواری‌اش در پناه حمایت پدر معنوی خود و تشبیه به اصول مذاکرات تکنوکراتیک

و فاقد روح انقلابی خیلی زود و تنها به دلیل ترس از اربابان غربیان در ارجاع ایران به شورای امنیت، منفعل و تسلیم شدند انفعال آنها اما موجب نشد تا دشمن از ادعاهای خویش دست بردارد بلکه چون او دریافته بود که برای مذاکره کنندگان غیرانقلابی ایران، شورای امنیت یعنی منتهی الیه این جهانی، لذا پا را از توافق فوریه ۲۰۰۴ بروکسل (آبان ۸۳) فراتر نهاده و علاوه بر تعلیق غنی سازی مورد توافق طرف ایرانی، کار را به توقف ساخت قطعات سانتریفیوژها و نیز کل چرخه سوخت و حتی مراحل فراوری معادن و بستن پژوهشگاه ها و زمینگیر کردن دانشجویان و دانشمندان ایرانی هم تسری دادند.

سعید و بطالن توهم پایان یافتگی تاریخ در شورای امنیت

اما دکتر جلیلی و همکاران اصولگرای او با استمداد از دلالت های ولایت فقیه حکیم و با نصب العین ساختن تجربه های تاریخ تعامل ایرانی با غرب سیاسی، میز مذاکره و شورای امنیت را منتهی الیه دنیا فرض نکردند بلکه بر آن شدند که دانش ایرانی، دستاوردها و توانایی های ملت از حیث حقوقی قابل مذاکره نیست، جلیلی به جک استرا و اشتون و قدرت بزرگ جهانی؛ که اینک امریکا هم بخاطر ترس از دور خوردن دیپلمات های اروپایی از سوی تیم ایرانی، ترجیح داد شخصاً در مذاکرات حضور داشته باشد، تفهیم کرد که غرب با آن سوابق زشت در مقام بازجو و فاعل گف و گوی انتقادی و ایرانی با این سوابق تمدنی در موضع متهم و مستمع مذاکرات منتقدانه نیست. سعید جای بازجو و متهم را عوض کرد و بر مبنای بصیرت تاریخی، گفتگوی با غرب را به ریل سرمایه اجتماعی تعامل علمای شیعی با فرنگیان بازگرداند، پایی که از او در شلمچه جا ماند نیز خود علامت قرار گرفتن وی در گفتمان مقاومت بوده و هست. او نیک می داند آنگاه که پشت میز مذاکره قرار می گیرد در نبردی متفاوتی نماینده اسلام با کفر است، همین امر خود نشان از کارآمدی و قرار گرفتن این شخصیت در پیچ تاریخ است، اینکه او بعنوان رئیس مذاکره کنندگان ایرانی، میز مذاکره را ترک کند و نمایندگان سیاسی قدرت های بزرگ و ظالم را برای اقامه نماز در انتظار بگذارد این خود علامتی دیگر است که شورای امنیت پایان جهان نیست و قدرت بزرگ ذات اذلی حق تعالی است و هم اوست که به سعید حکم می کند که حقوق

ملی مستتر در چرخه عظیم دانش هسته ای را به پای قلدری تروریسم دولتی و جنایتکاران هسته ای در هیروشیما و ناکازاکی قربانی نکند.

فروپاشی ساختار داروینستی مذاکرات و آزاد سازی قدرت ملی در آراء سعید

مدیریت خط مقاومت در پرونده اتمی ایران و غرب که فشرده تاریخ معاصر ایران است، عصاره خط مقاومت در دفاع مقدس نیز هست. کماینکه جهان آرا با همین مشی ۳۵ روز دروازه های خرمشهر را به روی اشغالگران بست و به نماد هویت ایرانی تبدیل شد. نمادی که نهضت آزادی و اهالی ناسیونالیسم رمانتیک و جریان لیبرالی در اداره جنگ و ادعاهای موهوم وطن خواهی آنها را افسساء کرد، نهضتی ها در جزوات تشکیلاتی خود مقابل جریان حزب ا...ی و تسوده مردم می گفتند در مقابل پلنگ باید آهوپی گریز پا بود و پا به فرار گذاشت و بر مبنای ساختار داروینسم اجتماعی به تجویز نسخه تسلیم مبادرت می کردند، همان تئوری بی که دولت توسعه گرای هاشمی و دیپلمات های او و کارگزارانش را به راهبرد مذاکره مستقیم با آمریکا تحریض می نمود و ضعف نفس خویش را به حساب ملت می گذاشتند، راهبردی که دیپلمات ها و کارگزاران ارشد دولت اصلاحات دموکراتیک خاتمی را به باج دادن به دشمن کشانید و با اینکه مکرر در توهم داروینستی خود زبان مجامله و گفتگوی باصطلاح تمدنی را به ظالمان دنیا مخابره می کردند اما کماکان با چوب و چماق «داماتو» و قرار گرفتن در محور شرارت دلبوی بوش مواجه شدند یعنی همین شعارهای تبلیغاتی برخی نامزدهای شبه اصولگرا و اصلاح طلب که برای عادی سازی روابط با قدرتهای ظالم و ادعای موهوم نسبت ساماندهی اقتصاد و تورم با تسلیم مقابل آنها داد سخن سر می دهند، غافل از اینکه، این از اصول فلسفه تاریخ است که هر که با دست امام (ع) و مقاومت عزت مندانه بیعت نکرد باید با پای معاویه و یزید بیعت کند، تیم فقهاتی مذاکره کننده با نمایندگان قدرت های ظالم که اما سعید مدیریت آن را بر عهده دارد به اصلاح ساختاری مذاکره مبادرت نمود. هم اثرزوی هسته ای را آزاد و ملی کرد تا در خدمت صنعت و کشاورزی و پزشکی قرار گیرد و هم هویت ملی - ایرانی و مذاکره کنندگان را از عقده های لسانی آزاد کرد. آزاد سازی بی که سعید می گوید، نهضتی است که مبدع آن ولایت فقیه حکیم است فقهای حکیمی که ظرفیت

های ملی را در چشم انداز انقلاب اسلامی آزاد می نمایند. بهمین خاطر سعید و تیمش، تیمی پرسشگرند نه صرفاً پاسخگو! تیمی خلاق اند نه منفعل! درست به همین خاطر است که ما می گوئیم این تفکر با این درجه از ظرفیت قادر است به اداره کارآمد کشور مبادرت کند، ایران را برای همه ایرانیان عزیز و عزتمند کند و به سوی حیات طیبه سوق دهد. با ایستادگی او بود که نیروگاهها و پژوهشگاههای هسته ای فک پلمب شد، زمینه ساز ظهور دانشمندان جوانی شد که بجای فک این بار در مقابل خانه و در برابر همسران و فرزندان خود جان دادند تا ملت جان گیرد و تعالی یابد.

حجت شرعی انتخاب ما و مشروطیت در پذیرش سعید

در این صورت ما را با محافظه کاران و تکنوکرات های مسلمان و شبه اصولگرایان کاری نیست، ما از تاریخ نه یکبار و نه دویسار بلکه صدها بار درس آموختیم که ایستادگی کنیم، بنابراین حمایت ما از سعید از روی هوس و کینه به این و آن و یا سودای غنائم و منصب نیست، سلبی نیست، ایجابی و حاوی حجتی شرعی است، حمایت از شخص نیست، حمایت از شخصیت و هویت ایرانی است، از این رو حمایت از او کاملاً مشروط به آن است که این شالوده و سرشت پس از پیروزی و در کشاکش اداره کشور نیز از سرشت او دور نگرند، بنابراین اتخاذ مشی محافظه کارانه برای دوری از آثار برد و باخت و غوغای انتخاباتی جمهوری یازدهم، بی مقدار ترین دانش واژه هایی است که می شود در برابر خط تاریخی گفتمان عدالت - پیشرفت و رهیافت مقاومت فعال بر زبان جاری ساخت، این پیام آخر فقیه حکیم امام خمینی (ره) در بیانیه استقامت و در آستانه رحلت او بود، یعنی همین پیامی که این روزها فقیه حجت حکیم ما مکرراً بدان ارجاع می نمایند.

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا... علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدلوا تبدیلاً.

ببینید در میان نامزدها چه کسی است که دشمن از آمدنش خوشحال نمی شود

معیارهای رئیس جمهور اصلاح در کلام رهبر فرزانه انقلاب اسلامی

انتخابات یازدهم ریاست جمهوری که در ۲۴ خرداد ۹۲ برگزار می شود، یکی از مهم ترین رویدادهای سیاسی جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۹۰ شمسی است که تأثیر مستقیمی بر تحولات یک دهه آتی کشور، منطقه و جهان خواهد داشت.

طی سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دولتهای مختلفی روی کار آمده اند که عملکرد ۸ ساله هر یک از آنها تأثیرات آشکار و نهانی بر عرصه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور داشته است.

دولت موقت مهدی بازرگان علیرغم عمر کمتر یک ساله خود، حواشی زیادی داشت تا آنجا که روحیه سازشکارانه و محافظه کارانه آن در برابر دشمنان انقلاب باعث شد، در نهایت خود استعفا دهد.

دولت ابوالحسن بنی صدر نیز سرنوشت چندان متفاوتی با دولت بازرگان نداشت و به علت تعارض ماهوی با ماهیت انقلاب اسلامی، نتوانست چندان دوام بیاورد و بعد از یک سال و اندی کشمکش با جناح خط امام و نیروهای انقلابی، با فرار از کشور کار خود را به اتمام رساند.

محمد علی رجایی انتخاب مردم بعد از ابوالحسن بنی صدر بود. مردی که کوتاه ترین دوره ریاست جمهوری ایران و در عین حال خوش خاطره ترین دوران به نام او ثبت شده است. وی با حضور کم خود در راس قوه مجریه، توانست گفتن خدمت و مردمی بودن یک رئیس جمهور را به بهترین نحو ممکن در میان مردم بسط دهد، اما منطق دشمنان نظام اسلامی ایجاب می کرد که وی بیش از یک ماه ریاست جمهوری ایران نباشد و خیلی زود با شهادت او، کشور از وجود خدمتگزاری مانند وی محروم ماند.

اما تثبیت نظام سیاسی ایران منجر شد تا رئیس جمهور بعدی اولین کسی باشد که تا انتهای دوران ۴ ساله اش در قدرت باقی بماند و از همین رو در دور دوم ریاست جمهوری نیز با اقبال معنادار مردم مواجه شود.

آیت الله سید علی خامنه ای نخستین فردی است که مردم دو دوره پیاپی و با رای بالا و تاریخی به عنوان رئیس جمهور به وی اعتماد کردند. هر چند ساختار حقوقی نظام جمهوری اسلامی در آن برهه به گونه ای بود که نخست وزیر عملاً اداره کشور را به دست داشت و در این میان سیاست های کلان اقتصادی-

اجتماعی بکار گرفته شده در این دوره نیز عمدتاً محل مناقشه رئیس جمهور و نخست وزیر بوده است.

اما دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی از سال ۶۸، فصل جدیدی از ارائه اراده منتخب ملت بر جامعه است چرا که از این برهه به بعد با تغییر بخش هایی از قانون اساسی، رئیس جمهور میزان اختیارات بیشتری نسبت به گذشته کسب می کند و از این رو سالیهای دوران سازندگی برای ملت، پر از خاطرات منفی و تلخی است که برخی از مبانی انحراف از خط اصیل انقلاب در آن برهه کلید خورد.

ترویج اشرافی گری به جای ساده زیستی مسئولین، کلید خوردن دیدگاه های فرهنگی لیبرال در کشور، پیاده سازی برنامه های اقتصادی شبه لیبرال و خفقان سیاسی کم سابقه در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بیشترین تصاویری است که از آن دوران در ذهن ملت باقی مانده است، هر چند در این میان حجم قابل توجه سازندگی های خرابی های بعد از جنگ را نباید از خاطر برد.

دوران محمد خاتمی نیز با یک سوء تفاهم بزرگ آغاز شد و ملتی که در ظاهر برای نشان دادن تقابل خود با هاشمی رفسنجانی، در روز دوم خرداد ۷۶ بر روی برکه های خود نام «محمد خاتمی» را نوشتند در عمل دیدند تفاوت ماهوی میان وی و دولت پیشین وجود ندارد و در همین راستا سوم تیر ۸۴ به بستر تاریخی متفاوتی شکل گرفت و محمود احمدی نژاد با گفتمانی متفاوت از ۱۶ سال گذشته موفق به کسب آرای ملت شد.

وی در طول دولت نهم توانست طراز موفقیتی از یک دولت انقلابی، عدالتخواه، پرکار، پرنشاط، فعال و کارآمد را از خود به جای بگذارد، شاهد مثال این ادعا حجم بالای تخریب های دشمنان خارجی و ورشکستگان سیاسی داخلی بود که در «نه به احمدی نژاد» اجماع کرده بودند اما آغاز دولت دهم حاکی از تغییر گفتمان احمدی نژاد در برخی عرصه ها بود که عملاً منجر به نگرانی بسیاری از دلسوزان انقلاب شد. حال که ۳۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد و بسیاری از تجارب مهم و ارزشمند این سالها در پیشگاه ملت است، انتخابات ریاست جمهوری یازدهم به عنوان یکی از مهم ترین عرصه های سیاسی کشور

محل مذاقه و تامل بسیاری از ناظران داخلی و خارجی است.

تجربه نشان داده هر آنجا که گفتمان عمومی دولت های بعد از انقلاب در راستای مبانی اصیل انقلاب اسلامی و بازگشت به روح انقلاب بوده است، خط خدمت و پیشرفت کشور تسریع شده و هر آنجا که اختلافات داخلی، حواشی زائد و انحرافات از گفتمان انقلاب اسلامی بیشتر بوده است، روند کارآمدی و خدمت رسانی دولتها نیز تحت تأثیر قرار گرفته و مردم هم نارضایتی خود را اعلام کرده اند.

با این تفاسیر، در گزارش پیش رو معیارهای رئیس جمهور اصلاح از منظر رهبر معظم انقلاب را می خوانید. معیارهایی که می تواند برای عموم مردم راهگشا و مفید باشد تا بار دیگر به دور از دعوای روزمره سیاسی و آزار دهنده، راه انتخاب رئیس جمهوری در طراز پیچ تاریخی پیش رو، توسط ملت راحت تر باشد.

مردم به دنبال رئیس جمهور توانا، شاداب و با احساس مسئولیت باشند

«مردم باید دنبال رئیس جمهوری باشند که توانایی، شادابی، احساس مسئولیت و آمادگی به کار داشته باشد.»

بیانات در دیدار مردم پاکدشت. ۱۰ بهمن ۸۳

رئیس جمهور باید با اخلاص، با نشاط، شاداب، شجاع، مردمی و انقلابی باشد

«مردم باید با چشم باز در این صحنه ی مهم حاضر شوند و ان شاء... خدای متعال کمک کند و دلتهای مردم را هدایت کند تا فرد با کفایت، شجاع، با اخلاص، دارای روح مردمی، شاداب و با نشاط، مؤمن به هدفها و ارزشهای انقلاب، مؤمن به مردم، مؤمن به نیروی مردم و معتقد به حق مردم را انتخاب کنند؛ این مهمترین بخش مشارکت عمومی مردم در امسال است.»

بیانات در حرم رضوی علیه السلام. ۱ فروردین ۸۴

به کسی گرایش پیدا کنید که به دین و دنیای مردم اهمیت می دهد

«شما از نامزد خودتان حمایت کنید، دیگران هم از نامزد خودشان حمایت کنند و به او رأی دهند. در پیدا کردن نامزد مورد نظر دقت کنید. به کسی گرایش پیدا کنید که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آینده ی مردم و به عزت مردم اهمیت می دهد.»



بجهدا... میدان برای آزمون و دیدن و شناختن باز است؛ ملت ما هم هشیار است.»

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴ خرداد ۸۴
رییس جمهور توانایی کار اجرایی داشته و دلبسته نظام و قانون اساسی باشد

«هر کسی که در خود صلاحیتی احساس میکند و کار اجرایی بلد است، می‌آید و خود را در معرض انتخاب مردم میگذارد. اداره‌ی مملکت و کار اجرایی، کار کوچکی نیست. کارهای بزرگ و بارهای سنگینی بر دوش مجریان سطوح بالاست. ممکن است کسانی که در سطوح دیگری کار میکنند، ابعاد این سنگینی را هم بعضاً تشخیص ندهند که چقدر این بار سنگین است. آن کسانی که وارد میدان میشوند، باید کسانی باشند که در خود توانایی کشیدن این بار را بیابند؛ صلاحیتهایی را هم که در قانون اساسی است و شورای محترم نگاهبان بر روی آنها تکیه خواهد کرد، در خودشان ملاحظه کنند و واقعاً وابسته و دلبسته‌ی به نظام و قانون اساسی باشند؛ بخواهند قانون اساسی را اجرا کنند؛ چون رئیس جمهور سوگند میخورد که قانون اساسی را اجرا کند؛ قسم دروغ که نمیشود خورد. کسانی که این را احساس میکنند، در آن میدان می‌آیند؛ کسانی هم که نه، قصد ندارند در این صحنه حاضر شوند، در صحنه‌ی انتخاب کردن و کمک به پرشور شدن انتخابات شرکت خواهند کرد.»

بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹ دی ۹۱

مستضعفین بیشتر باید مورد مسئولان باشند

وقتی می‌گوییم «مردم»، منظور همه طبقات مردمند؛ لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند؛ لذا امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه می‌کردند. این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می‌کند؛ اما در عمل، کار او برای طبقات مرفه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه این که نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد. لذا امام به طور دائم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه می‌کرد. عملاً هم در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختیهای نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرهنگه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند.

بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد ۸۰
اصلاح یعنی کسی که برای ریشه کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد

اصلاح یعنی چه کسی؟ یعنی کسی که همین هدف‌ها را دنبال کند؛ یعنی کسی که همین دردها را بداند و حس کند؛ یعنی کسی که برای ریشه کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد؛ یعنی کسی که به حال قشرهای محروم و مستضعف دل بسوزاند. اصلاح کسی است که هم به ترقی و پیشرفت کشور و توسعه‌ی اقتصادی و غیراقتصادی بیندیشد؛ هم زیر توهمات مربوط به توسعه، آن چنان محو و مات نشود که از یاد قشرهای مظلوم و ضعیف غافل بماند. اصلاح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم و دنیا و آخرت مردم باشد. اصلاح کسی است که بتواند این بار عظیم را بر دوش بگیرد؛ هر کسی نمی‌تواند این بار را بر دوش بگیرد؛ نشاط و حوصله و همت و قدرت لازم و هوشمندی لازم دارد. البته هر کس صلاحیتش در مراکز قانونی تأیید شود، صالح است؛ اما باید در بین صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پیدا و او را انتخاب کرد. این، هنر شما مردم است.

بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت ۱۷ اردیبهشت ۸۴
مردم از دعوای سیاسی و من خویم و تو بدی خسته‌اند/ به مستضعفین توجه شود

مردم از دعوای سیاسی و اختلافات سیاسی و من خویم و تو بدی خسته‌اند؛ مردم این چیزها را دوست نمی‌دارند. در کشور کارهای زیادی هست که باید انجام بگیرد؛ کارهای زیادی هم انجام گرفته است. مشکلات فراوانی وجود دارد که باید برطرف شود؛ گره‌هایی هست که باید باز شود. در کشور باید فساد ریشه کن شود؛ تبعیض نباشد؛ به طبقه‌ی مستضعف و محروم - بخصوص مستضعفین بی‌دست و پا - به‌طور ویژه توجه شود؛ اینها وظایف اسلامی ماست؛ وظایفی است که قانون اساسی بر دوش همهی مسئولان کشور گذاشته است؛ هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از این کارها برکنار بدارد. دعوای لفظی، شعارهای لفاظی‌گونه، اسم از مفاهیم مبهم و بی‌سروته آوردن، مشکل مردم را حل نمی‌کند؛ مردم احتیاج دارند به این که در میدان عمل و کار، بسا لجن‌هایی که نمی‌گذارد اینس دریاچه‌ی مصفا طراوت لازم را داشته باشد، مبارزه شود. کسی که سر کار می‌آید - هر کس باشد، هر شعاری داده باشد، هر حرفی در مقام ادعا به مردم زده باشد - اولین وظیفه‌اش این است که برای گره‌گشایی مشکلات مردم آستین همت بالا بزند؛ همکاران خودش را از کسانی که مؤمن به حق مردم و مؤمن به کارایی نظام جمهوری اسلامی هستند، انتخاب

کند؛ وارد میدان عمل شود و برای مردم کار کند.
بیانات در دیدار افشار مختلف مردم ۲۵ خرداد ۸۴
رییس جمهور دور از فساد، اسراف، اشرافی‌گری و تجمل باشد

من نسبت به شخص، هیچ‌گونه نظری ابراز نمی‌کنم؛ اما شاخصه‌هایی وجود دارد. بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافیگری و تجمل‌پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافیگری باشد، مردم را به سمت اشرافیگری و به سمت اسراف سوق خواهد داد... یکی از اساسی‌ترین کارها برای اینکه ما جلوی اسراف را بگیریم این است که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگان‌شان، اهل اسراف و اهل اشرافیگری نباشند. .. اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد.

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی
سندج، ۲۲ اردیبهشت ۸۸

مردم به کسی رای می‌دهند که در برابر افزون طلبی های غرب بایستد

«دیده شده است که دشمنان نسبت به کاندیداهای ریاست جمهوری اظهار نظر می‌کنند، حرف می‌زنند، تحلیل می‌کنند. می‌گویند این فرد به غرب نزدیکتر است، این فرد از اسلام بیشتر دفاع می‌کند، آن شخص کمتر دفاع می‌کند! یعنی دشمنان می‌خواهند در همه امور دخالت کنند. ملت ایران در همه این میدانها، بر اصول اسلامی پای خواهد فشرد. این را همه دنیا باید بدانند. از جمله این اصول، ایستادگی در مقابل استکبار و روحیه استکباری دولتهایی است که می‌خواهند در مسائل داخلی کشور ما جای پای باز کنند و دخالت نمایند؛ ولی ملت ما با دقت نگاه خواهد کرد و باید دقت کند.

اگر کسی از نامزدهای ریاست جمهوری، کمترین نشانه نرزشی در مقابل امریکا، در مقابل دخالت‌های دولتهای غربی، در مقابل تجاوزهای فرهنگی و سیاسی بیگانگان نشان دهد، همه دنیا باید بدانند که ملت ما به چنین کسی قطعاً رأی نخواهد داد.

مردم به کسی رای می‌دهند که بدانند در مقابل امریکا و

افزون طلبیهای دولتهای متجاوز و پرتو ف و خودکامه و کسانی که می خواهند اراده خود را بر ملت ایران تحمیل کنند، خواهد ایستاد و نیز در مقابل تهاجم فرهنگ بیگانه ایستادگی خواهد کرد. مردم به کسی که بیشتر این مواضع را از او ملاحظه کنند، بیشتر گرایش پیدا می کنند. البته ما متن مردم را می گوئیم. ممکن است در گوشه‌ای، چهار نفر آدم هم باشند که دارای سلاقی مخصوصی باشند و عکس متن مردم فکر کنند. ما به آنها کاری نداریم. متن ملت ایران، این است. مواضع ملت ایران، همان مواضعی است که به خاطر آن انقلاب کرده، هجده سال مقاومت کرده و هشت سال جنگ تحمیلی را اداره کرده است.»

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۷ اردیبهشت ۷۶
ببینید در میان نامزدها چه کسی است که دشمن از آمدنش خوشحال نمی شود؟

ببینید با معیارهای جمهوری اسلامی، در میان نامزدهای انتخاباتی چه کسی کفایت و نشاط و توانایی لازم را دارد و می تواند وارد این میدان شود و با چالش‌های گوناگون دست و پنجه نرم کند و تحت تأثیر دشمن نیست و دشمن از آمدن او خوشحال نمی شود... یکی از معیارها هم این است که هرچه دشمنان این ملت می خواهند، عکس آن باید عمل کرد. چیزی که آنها می خواهند، خیر ملت نیست. آنها منافع خودشان را دنبال می کنند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی، ۵ خرداد ۸۴
اینکه نامزدها حرفهای غربی را تکرار کنند، هیچ امتیازی محسوب نمیشود

جوانهای ما، اهل فکر ما، اهل فرهنگ ما تأمل کنند؛ مسئولین کشور به سمت سیاستهای اسلامی حرکت کنند. اینی که یا مسئولان ما، یا در دوره‌های انتخابات مثل وضع کنونی، نامزدهای انتخاباتی ما برای جلب توجه دیگران حرفهای غربی‌ها را تکرار کنند، این هیچ امتیازی محسوب نمیشود. امتیاز این نیست که ما آن چیزی را بگوئیم که غرب می پسندد. اینها کسانی اند که با فکر ایرانی، فکر اسلامی، هویت اسلامی و ایرانی مخالفتند.

بیانات در دیدار مردم مروان ۲۶ اردیبهشت ۸۸
کسانی سر کار نیایند که دشمنان به وسیله آنها مردم را از ارزشهای انقلاب دور کنند

کسانی با رأی ملت سر کار نیایند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را

ببرند. کسانی سر کار نیایند که بخواهند با تملق گوئی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیایند که دشمنان ملت ایران طمع بورزند که به وسیله آنها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دینشان، از اصولشان، از ارزشهای انقلابی‌شان دور کنند. ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه‌ی راه امام و ارزشها و اصول ترسیم شده‌ی به وسیله امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.

بیانات در دیدار مردم بیجار ۲۸ اردیبهشت ۸۸
مبادا نامزدهای انتخابات برای دلخوشی دشمنان حرفی بر زبان جاری کنند

نامزدهای انتخابات باید هوشیار باشند. مبادا نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در تبلیغات خود برای دلخوشی دشمنان حرفی بر زبان جاری کنند. رضایت خدا را باید در نظر گرفت، رضایت اولیاء را باید در نظر گرفت. آن چیزی را باید معیار قضاوت قرار داد که مایه‌ی ایستادگی ملت است، مایه‌ی استحکام ملت است، مایه‌ی استقامت مردم است و او پایبندی محکم به اسلام است.

بیانات در جمع تعدادی از خانواده‌های شهداء . ۳ خرداد ۸۸
همیشه نگران تبلیغات پر خرج کاندیداها هستم / پول زیاد برای تبلیغات، افراد را وامدار می کند

یکی از کارهایی که بنده - چه در تبلیغات انتخابات مجلس و چه در انتخابات ریاست جمهوری - همیشه نگران آن هستم، این است. نه خودشان تبلیغات پُرخرج کنند، نه به طرفدارانشان اجازه دهند. بعضی افراد ممکن است بگویند به ما ربطی ندارد؛ این کار پُرخرج را دیگران می کنند. شما بگوئید نکنند. خوشبختانه آن‌گونه که اطلاع پیدا کردم، ساعت‌های فراوانی برای نامزدها وقت گذاشته‌اند که از طریق تلویزیون و رادیو با مردم حرف بزنند. شاید سیزده، چهارده ساعت هر کدام از این حضرات وقت دارند که با مردم حرف بزنند. خیلی خوب؛ این بهترین تبلیغات است. رادیو و تلویزیون همه‌جا وجود دارد؛ چه

نیازی هست که برای تبلیغات گوناگون رنگینی که بعضی جاها می کنند، پول زیادی مصرف شود که احياناً بعضی افراد هم نتوانند خودشان آن خرج را کنند و مجبور باشند از کسانی بگیرند و خدای نکرده وامدار شوند؟

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. ۲۸ اردیبهشت ۸۰
در مردم سالاری دینی نباید تبلیغات پرخرج صورت بگیرد

«در مردم‌سالاری دینی کارهای رایج دنیا و اسرافها و تبلیغات پر خرج مطلقاً نباید انجام گیرد. ما در همین سیستان و بلوچستان هزاران جوان را با استعدادهای خوب و قابل رشد و قابل استفاده برای اداره‌ی کشور مشاهده می کنیم که اینها در یک‌جا معطل و منتظر یک وسیله‌ی جزئی مانده‌اند برای این‌که بتوانند کار خود را دنبال کنند؛ آن‌گاه عده‌ای بیایند میلیاردها صرف تبلیغات کنند برای این‌که نظر مردم را به سمت خود جلب نمایند؛ آن هم با روشهای بعضاً غلط و بعضاً خلاف‌شع، که شنیده شد در بعضی از مناطق، نامزدهای انتخابات با شعارهای ضداسلامی و ضدنظام خواسته‌اند نظر مردم را جلب کنند! البته مردم با بی‌اعتنایی خود، پاسخ اینها را دادند؛ لیکن معلوم شد دستگاه نظارت بر این امور، دستگاه دقیقی نبوده و به وظیفه‌ی خود عمل نکرده و درک و احساس مسؤلیت مردم از آن دستگاه، نظارت بیشتر بوده است و غالباً دست رد به سینه‌ی اینها زده‌اند.»

۱۳ اسفند ۸۱ در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری
اگر کسی برای خدا در تبلیغاتش اسراف نکند، خدا به او کمک خواهد کرد

«در این تبلیغات، خرج و اسراف هم نشود. بنده گمان می کنم اگر کسی برای خدا از اسراف در تبلیغات و کارهای نایاب اجتناب کرد، خدای متعال به او کمک خواهد کرد و او را در مقصودی که دارد، موفق خواهد گرداند.»

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۱۳۸۲/۱۱/۲۹

مخارج بیش از حد و اسراف گونه انجام نگیرد
«در تبلیغات انتخابات ... مراقبت شود که مخارج بیش از متعارف و زیادی و اسراف گونه انجام نگیرد. ... مسئولان در هرجا که هستند، باید کاری کنند که این ارتباط و علقه با مردم و این پیوند و این اعتماد، حفظ شود.»

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر - ۱۳۷۶/۰۲/۰۶

سعید جلیلی کیست؟

عہدہ گرفت. در سال ۸۰ نیز به دفتر مقام معظم رہبری رفت و در سمت مدیریت بررسی‌های جاری دفتر رہبر انقلاب به ادامه خدمت پرداخت.

جلیلی که پس از انتخابات سوم تیر ۸۴ به عنوان گزینه مطرح و مورد نظر رئیس‌جمهور برای تصدی وزارت امور خارجه مطرح بود، بنا به پاره‌ای مصالح عہدہ‌دار مهم‌ترین معاونت وزارت خارجه، معاونت اروپا و آمریکا شد. ضمن آن‌که در طول این دورہ، ارتباط علمی خود با نهاد دانشگاه را قطع نکرد و به تدریس در دانشگاه ادامه داد.

وی که در زندگی شخصی به پرکاری و سادہ‌زیستی شهرت دارد از نزدیک ترین چہرہ های مورد اعتماد رہبر انقلاب حوزہ سیاست خارجی و داخلی است.

جلیلی در مہرمہ ۸۶ پس از استعفای علی لاریجانی به سمت دبیر شورای عالی امنیت ملی منصوب شد. در آن برہہ بسیاری تصور می کردند وی به علت جوانی، مناسب این جایگاہ حساس نیست و به مخالفت جدی با وی پرداختند اما حضور جلیلی در راس شسورای عالی امنیت ملی کشور نشان داد وی یک مدیر موفق، برجستہ و توانمند است؛ بگونہ ای کہ آنچه امروز صحبت از این دیپلمات متعهد و انقلابی را بر سر زبان‌ها انداختہ است، ادارہ ہوشمندانہ، مقتدرانہ و متعهدانہ پروندہ ہستہ‌ای و نحوہ مذاکرہ او و تیم ہمراہش در مواجہہ با کشورہای ۵+۱ بودہ است.

جلیلی سرانجام در ۲۱ اردیہبہشت ۹۲ پس از مطالبات مکرر مردمی، در ساعات آخر ثبت نام بہ وزارت کشور رفت و با ثبت نام در انتخابات ریاست جمہوری، بسیاری از معادلات گروہ های سیاسی را برہم ریخت. بلافاصلہ بسیاری از رسانہ های ضدانقلاب نسبت بہ این مسالہ واکنش نشان دادند و خواستار رای آوردن «ہر کس جز جلیلی» شدند. حال باید منتظر بود و دید ملت ایران در انتخابات یازدہم ریاست جمہوری چہ کسی را بہ عنوان رئیس جمہور جدید بر می گزینند؟

سعید جلیلی، متولد سال ۱۳۴۴ در شہر مقدس مشہد (منطقہ طلاب) است. وی کہ تحصیلات خود را تا مقطع دکتری علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق علیہ‌السلام بہ پایان رساندہ، مسلط بہ زبان‌های عربی و انگلیسی است.

جلیلی در دورانی کہ برخی افراد تحصیل در دانشگاه را بر دفاع از اسلام و انقلاب مقدم می دانستند با جمع میان جہاد و تحصیل، بہ عنوان نیروی بسیجی بارہا در جہہہ‌های جنگ حضور یافت و در راہ دفاع از آرمان‌های انقلاب بہ درجہ جانبازی نایل آمد.

وی در دی ماہ سال ۱۳۶۵ دیدہ‌بان لشگر نصر خراسان بود کہ در عملیات کربلا ۵ از ناحیہ پا مجروح شد و در بیمارستان صحرایی منطقہ شلمچہ بہ دلیل فقدان امکانات و وضعیت اورژانسی پای راست خود را از دست داد. جلیلی پس از آن در واحد تدارکات لشکر بہ خدمت پرداخت.

جلیلی در بازگشت از جہہہ‌های حق علیہ باطل، رسالہ دکتری خود را با عنوان «اندیشہ سیاسی در قرآن» در خصوص سیاست خارجی اسلام بہ رشته تحریر درآورد؛ رسالہ‌ای کہ پروفیسور حمید مولانا، در مقدمہ‌ای کہ بر آن نوشت، بہ تجلیل از شخصیت این دانش‌آموختہ اقدام کرد. این رسالہ در کشور لبنان نیز بہ زبان عربی ترجمہ و منتشر شدہ است.

جلیلی، در سال ۶۸ بہ وزارت امور خارجه رفت و بعد از یک دورہ ۲ سالہ، ریاست ادارہ بازرسی وزارت خارجه را بر عہدہ گرفت. مناصب جلیلی در وزارت امور خارجه عبارتند از:

- ۱۳۶۸: وابستہ سیاسی
- ۱۳۷۰: رئیس ادارہ بازرسی
- ۱۳۷۱: دبیر سوم
- ۱۳۷۳: دبیر دوم
- ۱۳۷۴: دبیر اول
- ۱۳۷۶: رایزن سوم

پس از دوم خرداد ۷۶ و تغییر اتوبوسی مدیران، وی بہ ادارہ امریکای وزارت خارجه منتقل شد و معاونت این ادارہ را بر







دکتر کامران باقری لنگرانی

نامه دکتر لنگرانی در اعلام حمایت از
کاندیداتوری دکتر جلیلی

پیمان ابوالفضلی

با دکتر جلیلی می بندیم

بدنیال اعلام حمایت علامه مصباح یزدی از دکتر جلیلی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری و همچنین حمایت رسمی جبهه پایداری از وی به عنوان نماینده گفتمان انقلاب اسلامی در انتخابات پیش رو، دکتر باقری لنگرانی که پیش از این و در حمایت از دکتر جلیلی از کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری انصراف داده بود، با انتشار نامه ای زیبا و تاثیرگذار با دیگر حمایت خود از دکتر جلیلی را اعلام کرد.

آماده فدا شدن باشد. ما در بین کاندیداها یک جانباز بیشتر نداریم که در طی این سال ها، متعهد به مرام ابوالفضلی مانده. ما اگر او را معرفی می کنیم یا او پیمان ابوالفضلی می بندیم که ولی را هیچگاه تنها نگذاریم و در دفاع از او سستی روا نداریم. پیمان ما با او، پیمان بر خدمت ابوالفضلی است. پیمان بر سر ارزشها و باورها، پیمان بر سر بصیرت و با اقتدای با بصیرتمندان. پیمانی که امروز شاهدش زینب کبری سلام الله علیها است. زینب سلام الله علیها، عقیده است. عقیده، بانوی خردمندی را می گویند که با صبر و دور اندیشی مشکلات را حل می کند. عقیده، با کریمه هم قرابت معنایی دارد. در عقیده بودن این دختر علی و فاطمه علیهم السلام، همین بس که صحنه پیروزی دشمن را به مفتضحانه ترین شکست آنها مبدل کرد. امروز هم باید از آن بانوی بزرگوار همت بطلبیم.

و رو برتافتی و بر اساس روشن بینی و بصیرت در کارت اقدام فرمودی. بیست و چهارم خرداد در پیش است. این حماسه را باید ابوالفضلی بسازیم. حماسه سازان خرداد ۹۲، برای خود شانی جز ادای وظیفه قائل نیستند. نگران خود و جایگاهشان نیستند. معامله گر نیستند. حمایت خود را مبتنی بر تضمین پست نمی کنند. دنبال حجت شرعی و حرکت و بصیرتمندانه هستند. از نا ملایمات دلگیر نمی شوند. خود را در راه خدا، آسان معامله می کنند. گرانفروشی نمی کنند. سرزنش ملامت گران، آنها را از جا تکان نمی دهد. دنبال کاندیدایی می گردند که ابوالفضلی باشد. کسی که چیزی برای خودش و نزدیکانش نخواهد. همه همت خود را ادای تکلیف بر اساس بصیرت و تدبیر قرار داده باشد. راه را گم نکند. اگر سرپازی می کند، اگر سیاست ورزی می کند، اگر خدمت می کند همه را برای خدا انجام دهد. دلش به ولی باشد. برای خود شانی جدای از ولی قائل نباشد.

بسم الله الرحمن الرحيم
حماسه ای از جنس ابوالفضل علیه السلام هیچ چیز در این عالم بی حکمت نیست. تقارن وقایع در دل خود برای بیدار دلان هشدار و عبرت دارد. حتما حکمتی دارد که قرار است حماسه سیاسی سال ۹۲، مقارن میلاد ابوالفضل العباس پسر امیر المومنین علیهما السلام رخ دهد. این ها نشانه است، نشانه اینکه این حماسه را باید ابوالفضلی ساخت. بچه های هیات وقتی کاری را می خواهند درست انجام دهند می گویند، این کار را باید ابوالفضلی انجام داد. یعنی در آن هیچ غل و غشی را راه نداد. خالص و با صفا مثل حماسه ابوفاضل. در زیارت آن بنده صالح خدا که مثل او را در این جهان نمی توانیم سراغ بگیریم، او را به اطاعت پذیریش، به صداقتش، به وفا و خیرخواهیش می ستاییم و می گوئیم:
أَشْهَدُ أَنْكَ لَمْ تَهْنِ وَلَمْ تَنْسَلْ وَأَنْكَ مَضِيَّتْ عَلَيَّ بِصِيْرَه
مِنْ أَمْرِكَ *
گواهی می دهم که تو در حماسه حسینی، کوتاهی نکردی



میشم ساهدی

چه کسی کابینه ای بهتر از دکتر جلیلی دارد؟

آن کسی که در صحنه مذاکرات حاضر می‌شود باید یک شناخت جامع و کامل از قدرت اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و از همه مهم‌تر قدرت مردمی یا قدرت نرم کشور خود داشته باشد.

قانونی، وجود عناصر فاسد و غیرکارآمد و نبود برنامه مؤثر که سد راه حل مشکلات کشور می‌شوند. دوم اینکه دکتر جلیلی به تدریج موفق شناسایی جامع و دقیق از مدیران لایق و متعهد و مجاهدی که در گمنامی مشغول خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند شده است. بدیهی است پیشرفت سی ساله جمهوری اسلامی در عرصه های مختلف ناشی از تصادف و یا حرکت خود به خودی اجرائی کشور نبوده است، بلکه با هدایت و نظارت مقام معظم رهبری و مسئولین دلسوز در سطوح مختلف پیشرفت‌ها به تدریج ولی با سرعت های متفاوتی در نظام جمهوری اسلامی به وقوع پیوسته اند. یک لایه از مدیران کلان و ارشد نظام جمهوری اسلامی با رفت و آمد دولت های مختلف تغییر کرده و از صحنه اجرا خارج شده اند. اما یک لایه از مدیران اجرائی کشوری هستند که به صورت جهادی وقف مسئولیت های خاص خود در وزارت و سازمان مربوطه خویش بوده اند و حداکثر در دولت های مختلف با بی مهری و یا با تفقد مدیران ارشد دستگاه خود مواجه بوده اند.

یکی از راهبردهای اصلی دکتر جلیلی در مقوله اجرا آن است که اعتقادی به تغییرات کمی مدیران اجرائی کشور ندارند بلکه معتقدند باید با بالا کشیدن افراد متخصص و مجاهد و اولویت بندی مسائل اصلی برای دستگاه‌ها کارآمدی سازمان حکومت را افزایش داد. بر اساس آن چه در مقدمات بالا آمد، با توجه به سابقه ۶ ساله دکتر جلیلی در صدارت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، ایشان یکی از مسلط ترین مدیران ارشد نظام، در تراز ریاست جمهوری، در شناخت ضعف ها و قوت های نظام و ایضا دارای فراگیرترین نگاه در شناخت افراد متعهد و نخبه حاضر در دستگاه‌ها، هستند و حتی می توان ادعا کرد که چنین شناخت به روز و دقیقی که ناظر به حل مسئله نیز باشد، برای کمتر کسی از کاندیداهای موجود ریاست جمهوری متصور است.

در پایان باید گفت، با توجه به ساختار دبیرخانه شورای عالی امنیت و سازوکار عملکردی آن می توان گفت، چهار ویژگی یکتا و منحصر به فرد در دکتر جلیلی جمع شده است، یک شناخت مسائل اصلی و گره های اصلی کشور، دوم شناخت راه حل های پیشنهادی موجود در کشور، چه در دستگاه‌ها چه در دست کارشناسان مربوطه غیردولتی، سوم شناخت افرادی که می توانند این مسائل را گره گشایی کنند و چهارم شناخت منابع قدرت موجود در کشور برای حل مشکلات.

شورای عالی امنیت بدهد. بنا بر آن چه در مصاحبه ها منتشر شده است، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی اکنون دارای چند معاونت اصلی است. معاونت سیاست خارجی و بین المللی، معاونت اقتصادی، معاونت رسانه ای، معاونت سیاسی اجتماعی. برای اینکه خواننده بیشتر و بیشتر به نسبت صف و ستاد بودن دستگاه با دبیرخانه آشنا شود. باید گفت معاونت سیاست خارجی، مقوله های خود را نه فقط با وزارت خارجه، بلکه با بخش خارجی وزارت اطلاعات، و دوایر بین المللی وزارت خانه های اقتصاد، صنعت و معدن، تجارت، وزارت بازرگانی مطرح می کند. معاونت اقتصادی دبیرخانه، برای جمع بندی و تصمیم سازی باید بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت بازرگانی، وزارت کشاورزی، بخش اقتصادی وزارت اطلاعات را فراخوان می کند و با حضور آنها جلسات کارشناسی و ارزیابی در سطوح مختلف کارشناس تا معاون و وزیر ارائه گزارش و پیشنهاد را طلب خواهد کرد. معاونت سیاسی اجتماعی برای تعیین راهبردهای امنیت ملی و انتقال مجدد آنها به دستگاه‌ها باید، وزارت اطلاعات، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را فرا بخواند. همان طور که گفته شد، این جایگاه فرستادی به دلیل اهمیت مسائل امنیت ملی است که حیات و ممت کشور بدان‌ها وابسته است. در صورتی که امنیت ملی افزایش یابد، بالتبع تهدید کاهش می یابد و خدای ناکرده اگر تهدید افزایش یابد، باید نسبت به دفع آن سریعاً تصمیم گیری کرد.

البته ناگفته نماند، در کنار حضور کارشناسان دولتی و دستگاهی، حضور کارشناسان مختلف دانشگاهی و بیرون از دولت نیز در این جلسات به صورت رسمی و منظم رخ می دهد. در این رفت و برگشت جمع آوری توانمندی های کارشناسی و اجرائی دستگاه‌ها و پیگیری مصوبات شورای عالی امنیت، به تدریج کسی که دارای ذکاوت، تعهد و تمرکز کاری در حیطه مأموریت خود در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی باشد، دو دست‌آورد راهبردی کارشناسی و اجرائی از تمامیت نظام بدست خواهد داد. با توجه به شناختی که از تعهد و تخصص دبیر فعلی شورای عالی امنیت ملی وجود دارد می توان گفت که ایشان اکنون مسائل اصلی اجرائی کشور را کشف، درک و فهم کرده است. مسائلی اعم از ضعف ساختاری، گره

در ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران شورای عالی امنیتی ملی به عنوان فرستادی ترین نهاد اجرائی شناخته می شود. این نهاد موظف است تا مقولات، در تراز امنیت ملی را بررسی و برای تدبیر و تمثیت آنها اقدام عاجل و جامع انجام دهد. دبیرخانه شورای عالی امنیت میبایست تا براساس اختیاراتی که از سوی رئیس این شورا یعنی رئیس جمهور بدان موظف می شود، دستورات را تهیه - یعنی تصمیم سازی نموده- و آماده بررسی - یعنی تصمیم گیری- در صحن شورای عالی امنیت کند. توضیح لازم آن است که مقولات در تراز امنیت ملی، یعنی عناوینی که امنیت جمهوری اسلامی چه در کوتاه مدت و چه در میان مدت بدان وابسته باشد. البته این وابستگی می تواند از زاویه تهدیدکنندگی و یا از زاویه فرصتی یعنی بیشینه کردن امنیت جمهوری اسلامی باشد.

اما آن چه واضح و بدیهی است، تنظیم دستور جلسات به صورت استقلالی و با بدنه اجرائی مجزایی شکل نمی گیرد بلکه این «ستاد»های کلانی مانند وزارت خانه‌ها و مدیران ارشد نظام مانند وزرا و معاونین وزرا هستند که به مثابه «صف» محسوب شده و موظف می شوند تا برآورد کارشناسی خود را در مقولات ارجاعی به دبیر شورای عالی امنیت ارائه کنند. دبیر شورا عالی امنیت ملی بر اساس موضوع ارجاعی، نهادهای پایین دستی در سطح وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات و حتی نیروهای نظامی را موظف می کند تا بر اساس آن چه که لازم و ضرورت کار است، به ارائه برآورد و برنامه بپردازند. البته این نسبت یک نسبت حقوقی است و بستگی به اشخاص متصدی ندارد. اما آن چه مسلم است فردی که اعتقاد عمیق وی قدرتمندی بازوهای جمهوری اسلامی در مقابل مشکلات و غلبه بر موانع بزرگ و پیشروی به سمت قله های افتخار علمی، اقتصادی، نظامی و اقتصادی است، با کسی که هر لحظه منتظر است تا در برابر غرب کرنش کند، در نحوه تصمیم سازی برای مسئولان ارشد نظام کاملاً متفاوت عمل می کند.

دیگر وظیفه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی پیگیری اجرائی شدن و انجام شدن مصوبات شورا پس از توشیح مقام معظم رهبری هستند. به همین دلیل دکتر سعید جلیلی مجدداً می بایست با تسلط کامل نسبت به زوایا و ساختار اجرائی دستگاه‌ها، با تقسیم کار بین دستگاه‌ها، و نظارت بر کیفیت اجرای مصوبات کلان نظام، پروژه های ملی و بین المللی کلان را مدیریت کند و در نهایت گزارش پیشرفت کار را به مقام معظم رهبری و رئیس

نامه استاد حیدر رحیم پور ازغدی به رئیس جمهور آینده به کسی رأی می‌دهم که آغازین حرکتش دگرگونی ساختار اجراء باشد



استاد حیدر رحیم پور ازغدی

انگشت، چهارمین خلیفه منتصب پیامبر و منتخب مردم و امت را معزول و برای همیشه خلافت را تبدیل به سلطنت کردند و با به انگشت کشیدن انگشتی دیگر اعرابی را بر تخت سلطنت و به جای خلفای راشدین نشانادند. اعرابی را که قرآن آنان را «اشد کفراً و نفاقاً» می‌شناساند و شما کفر و نفاق فرزندانان را امروز با مسلمانان به آشکارا می‌بینید. دیروز هند بانوی ابوسفیان (نماینده صهیونیزم روز)، حمزه پاسدار اسلام را با به کارگیری تروریستی می‌کشد و قلب او را از سینه بیرون و به دندان می‌کشد و امروز فرزندان آنها با قلب سرباز مرزبان اسلام این کار را می‌کند و خاخام‌های وهابی آخوند نما، چنین جنایتی را عبادت و پاداش جانسی را بهشت می‌دانند! همه این مصائب را ساختار تمدن و مدیریت وارداتی پدید آورده است که سوغات مدیریت وهابیان و

فقیهان گویند اگر پاکیزه‌ترین و حلال‌ترین غذاها را در ظرف نجسی بریزند، غذا نجس و خوردنش حرام می‌گردد و پزشکان گویند اگر شفابخش‌ترین داروها را در ظرف مسمومی بریزند، داروی شفابخش آدم می‌کشد. و من بارها نوشته‌ام: اگر در این ساختار اجراء و با این ادارات حتی خامنه‌ای فقیه انقلابی مکتب شناس هم اجراء را به عهده بگیرند به تمدنی که غدیر می‌طلبید نمی‌رسند. تاریخ اسلام ادعای مرا گواهی می‌دهد که پس از تبدیل آیین ولایت به خلافت با آن همه پاکی شیخین در اجراء و آن همه فتوحات اسلامی هنوز بیش از سی سال از رحلت پیامبر نگذشته بود و ساختاری پا نگرفته بود که به آسانی بیرون کشیدن انگشتی از

باسمه تعالی

آقای رئیس جمهور

فقیهان گویند اگر پاکیزه‌ترین و حلال‌ترین غذاها را در ظرف نجسی بریزند، غذا نجس و خوردنش حرام می‌گردد و پزشکان گویند اگر شفابخش‌ترین داروها را در ظرف مسمومی بریزند، داروی شفابخش آدم می‌کشد. و من بارها نوشته‌ام: اگر در این ساختار اجراء و با این ادارات حتی خامنه‌ای فقیه انقلابی مکتب شناس هم اجراء را به عهده بگیرند به تمدنی که غدیر می‌طلبید نمی‌رسند.

ساختار تمدنی است که غرب برای آنها آفریده است. همه مسلمانان را تکفیر کنید و آنان را بکشید و به کفار «مؤلفه القلوب» بدهید تا دوستان شما باشند. از این سو شما دیدید که با اجراء یک حکم الهی یعنی «پذیرش از اعلم و اتقای امت» ملت ایران در لحظه چه تمدنی را در جهان آفرید.

به جان سخن پردازم تا کشورهای اسلامی به فرمان غدیر، اعلم و اتقای امت را به امیری برنگزینند هر چه بیشتر خون نثار کنند گرفتاری‌هایشان بیشتر گردد. نیروی اجرائی ایران هم هر چند دموکراتیک‌تر گردد، با ساختار اداری و اجرائی که داریم توان آفرینش «حماسه اقتصادی» را ندارد. آری این قبول که ملت ما با پذیرش فرمان غدیر در گزینش رهبر به جایی رسیده‌اند که حفظ مرزهای کشور و حماسه‌سازی‌های سیاست‌شان جاودان گردیده، لیکن با این ادارات که اروپایی‌ها در دوران قجرها و پهلوی اول برایمان ساخته‌اند و آمریکایی‌ها در دوران پهلوی دوم بدان پرداخته‌اند، تجربه‌های ۳۳ ساله نشان می‌دهند که ملت ما اگر هم جان را فدا کنند تا ساختار اجراء دگرگون نشود همیشه رنج از ما گنج از دشمنان ماست. زیرا که داروی شفابخشی که در ظرف مسموم ریخته شود آدم کش گردد. مگر خانه‌سازی دولت برای مردم کم خدمتی بود؟ پس چرا ساختن خانه‌ها که به اتمام رسید قیمت خانه‌های شهر دو برابر و اجاره بها سه برابر شد؟! زیرا که ادارات به گونه‌ای طرح را در مشهد ما اجراء کردند که فاصله خوابگاه تا محل کار فرسنگ‌ها باشد و مردم عطاء خانه‌سازها را به لقاء خانه‌ها بیخشند و به خانه‌های شهری برگردند!

آری عزیزان تا ساختار ادارات مان و اجراء احکام غدیری نگردد هر چند که بکوشیم و فداکاری کنیم زحمت کار با امت باشد و راحت و نعمت با گردانندگان وال استریت. و سوگند به خدا که با این ساختار اداری هر چند که بکوشیم به مدینه فاضله نرسیم زیرا مدینه فاضله را فلسفه بشری ساخته است و تمدن غدیری سخن دیگری گوید و راه دیگری را نشان دهد. از این رو من به کسی رأی می‌دهم که آغازین حرکتش دگرگونی ساختار اجراء و اصلاح ادارات باشد و از دو قوه دیگر تقاضا دارم که رئیس جمهور آینده را در انجام این مهم حیاتی یاری فرمایند.

و چنانچه پیشتر نوشته‌ام رئیس جمهور آینده برای مچ‌گیری کارشکنان در ادارات در رشته تولید، می‌تواند در نخستین روز مدیریت اداره‌ای را در جوار خود بیافریند که هر کس به رشته تولید همت گمارد چون کشورهای پیشرفته تقاضا و همه امکانات خود را به آن اداره گزارش دهد و آن اداره دلیل موافقت و مخالفت ادارات زیر مجموعه را بررسی کند تا ادارات نتوانند با تأسیس کارخانه‌ای به بهاء اندکی به مدت هشت سال مخالفت کنند و در این مدت ۵۶۰ میلیون دلار از آن تولید به ایران صادر شود و حکومت به مهندسان بیکار گشسته‌ی آن رشته، بیمه بیکاری مرحمت فرماید و آنگاه که مدیریت‌ها هم خواستار تولید آن کارخانه شوند، خارجیان به آنها بگویند بیهوده و بیش از این خودآزاری نکنید، زیرا ما در ادارات عواملی داریم و در مقامات دوستانی که به شما اجازه رقابت با ما را نمی‌دهند.

فقط رئیس جمهوری توان ایجاد تمدن غدیری را دارد که در لحظه انتخاب به تجدید ساختار ادارات و شیوه‌های اجراء بپردازد و ما به چنین رئیس جمهوری رأی خواهیم داد.
ولا حول و لا قوه الا با...

تجربه‌های ۳۳ ساله نشان می‌دهند که ملت ما اگر هم جان را فدا کنند تا ساختار اجراء دگرگون نشود همیشه رنج از ما گنج از دشمنان ماست. زیرا که داروی شفابخشی که در ظرف مسموم ریخته شود آدم کش گردد. مگر خانه‌سازی دولت برای مردم کم خدمتی بود؟ پس چرا ساختن خانه‌ها که به اتمام رسید قیمت خانه‌های شهر دو برابر و اجاره بها سه برابر شد؟! شد!

آیت ... خزعلی:

من همان روز اول اعلام صلاحیت ها توسط شورای نگهبان، گفتم که من آقای جلیلی را انتخاب کردم. به همه دوستان هم بگفتم... اعلام کردم که من منتخجم آقای جلیلی است، چون شما پشتیبان ولایت فقیه هستید. مجالسی هم خدمت شما رسیده بودم و شما را خیلی دوست داشتم.



حجه الاسلام میرباقری در جمع حامیان دکتر جلیلی: رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران باید در تراز جمهوری اسلامی باشد و مومن و با تقوا بودن گرچه شرط لازم است اما کافی نیست باید کسی باشد در تراز انقلاب اسلامی و شرایط جهانی و منطقه ای بشناسد و تخصص کافی را برای سکانداری اجرایی داشته باشد ولی تخصص به تنهایی کافی نیست چون اگر بخواهند یک رئیس جمهور برای ترکیه و مالزی هم انتخاب کنند باید این شرایط را داشته باشد و رئیس جمهور ایران که سکان انقلاب اسلامی در دست اوست و امید انقلابیون دنیاست، باید کسی باشد که در قد و قامت رئیس جمهور انقلاب اسلامی آشکار شود.



حجه الاسلام آقاهیرانی: آقای جلیلی تکلیف مدار و وظیفه گراست؛ او در جلسات مختلف با موضوعات گوناگون با جبهه پایداری به گفت و گو نشست و امیدواریم کار با موفقیت ادامه یابد و آیت ... مصباح یزدی هم گفتند که دکتر جلیلی اصلح است و ما هم تردیدی بر روی این مسئله نداریم زیرا معیارهای مورد نظر رهبری را در وی دیده ایم.



آیت ... رجبی: امروز کسی که می تواند حرکت رو به جلو کشور را ادامه دهد و نظام ما را در موضع قدرت نگه دارد و به کارآمدی دین و ولایت فقیه باور دارد، آقای جلیلی است.



آیت ... زابلی:

آقای جلیلی را با جان و مال در این انتخابات یاری اش کنید و من هم در حد توان ایشان را یاری می کنم. در فضای فعلی کاندیدایی بهتر از ایشان نمی شناسم.



حجه الاسلام پناهیان در جمع حامیان دکتر جلیلی: آیت ... مهدوی کنی یکبار از آقای جلیلی پرسیدند که شما که علاوه بر دروس دانشگاهی، فقه و اصول خواندید آیا برای شما مفید بود؟ آقای جلیلی در پاسخ گفت: «فایده بسیار فراوانی داشت، اما کمتر فایده آن این بود که این مطلب را به خوبی فهمیدم که حوزه علوم دینی یک حوزه کاملا تخصصی است و نظر دادن در این حوزه کار بسیار سختی است و به جز متخصصین در این حوزه دین کسی نمی تواند در این موضوع نظر دهد.» بنده از این نوع نگاه آقای جلیلی به مباحث دینی این نتیجه را می گیرم که ایشان برخلاف برخی از افراد که بدون داشتن هیچ گونه تخصصی در عمیق ترین مسائل دین ورود پیدا می کنند و تئوری پردازی در حوزه دین می پردازند، ایشان ضمن اینکه فهم خوبی از مسائل دینی و حوزوی دارند، ورود به این موضوعات را بر عهده متخصصین می دانند و این موضوع تواضع ایشان و نوع نگاه درست ایشان را نشان می دهد.



دوستان ما بعد از انصراف دکتر لنگرانی، به اتفاق، آقای دکتر سعید جلیلی را که از امتیازات بسیار خوب و والایی برخوردار هستند، اصلح دانستند و امید ما این است که توسط ایشان ارزش‌های الهی احیا شده و ایشان به عنوان بهترین یار مقام معظم رهبری در پیشبرد نظام اسلامی به سمت آرمان‌های انقلاب تلاش کنند و از خدا می‌خواهیم ما هم بتوانیم به اندازه وسعمان قدمی برای خدمت به نظام اسلامی برداریم. ما آمادگی خود را برای کمک به کسی که عشق و علاقه‌اش، آرمان‌های نظام اسلامی است، اعلام می‌کنیم.





امیر حسین ثابتی

هشت نکته در باب اصلح بودن دکتر سعید جلیلی

چرا جلیلی؟

بازرگانی دولت نهم، وزیر نفت دولت دهم و رییس کمیسیون انرژی مجلس نهم، دکتر محمد سلیمانی (وزیر ارتباطات دولت نهم و استاد مخابرات دانشگاه علم و صنعت)، مهندس محمد رضا اسکندری (وزیر کشاورزی دولت نهم و مدیرعامل سازمان اقتصادی کوثر)، دکتر رضا تقی پور (وزیر ارتباطات دولت دهم)، دکتر علی اصغر زارعی (معاون سابق وزیر نفت و نماینده مجلس هشتم و نهم)، مهندس سید مهدی هاشمی (رییس سازمان مهندسی کشور، سرپرست وزارت کشور در دولت نهم و نماینده مجلس نهم)، دکتر غلامحسین رضوانی (قائم مقام معاونت راهبردی رییس جمهور)، دکتر هادی زاهدی وفا (استاد اقتصاد و معاون وزیر اقتصاد در دولت نهم) و ... را می توان پشتوانه های مدیریتی و اجرایی دکتر سعید جلیلی دانست.

۴. از طرف دیگر برخلاف بسیاری از شایعات و اظهارات غیر مستند، جلیلی فردی است که برای اداره کلان کشور «برنامه» دارد و رویکردهای کلان برای مدیریت نظام را بهتر از خیلی افراد دیگر می داند و تیمی از نخبگان مختلف برنامه های مدونی برای دکتر جلیلی آماده کرده اند که در مقام محتوا غنی تر و واقع بینانه تر از برنامه های بسیاری دیگر از نامزدهاست زیرا حاصل سالها تجربه مدیران ارشد کشور در اجرا و پژوهش های علمی - دانشگاهی است؛ بویژه در عرصه اقتصاد که در حال حاضر الویت اصلی مدیریت کشور است.

۵. انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در حالی برگزار می شود که شرایط منطقه و جهان طی سه دهه گذشته بسیار متفاوت است؛ تحولات بوجود آمده در بسیاری از کشورهای عربی به همراه فراز و فرودهای پرونده هسته ای ایران طی سالهای اخیر در حالی صورت گرفته است که همزمان اتحادیه اروپا و امریکا سخت ترین شرایط اقتصادی و سیاسی خود را تجربه کرده اند؛ در چنین

ساله خود در این جایگاه، هم با چالش های سیاسی - امنیتی کشور آشنا باشد و هم با مسایل مربوط به اقتصاد و فرهنگ، و زمانی این تجربه ارزشمند تر می شود که توجه داشته باشیم ۶ سال گذشته، سالهایی بوده است که یکی از حساس ترین و مهم ترین دوران مدیریت کلان نظام جمهوری اسلامی سپری شده است.

۸۸. تحولات منطقه و جهان و هم چنین مذاکرات هسته ای ایران با اتحادیه اروپا، بخشی از تجارب ارزشمندی است که سعید جلیلی بواسطه حضور در راس شورای عالی امنیت ملی کشور بدست آورده و به همین خاطر به محرمانه ترین و جزئی ترین داده ها و تحلیل ها اشراف کامل دارد و بدون تردید این نقطه قوت می تواند به عنوان یک برگ برنده مدیریتی کلان برای جلیلی جهت اداره کشور در دولت آینده باشد.

۳. جلیلی نه تنها به سبب جایگاه خاص خود در سالهای اخیر، شخصا فردی با تجربه و آگاه نسبت به اداره کشور شناخته می شود بلکه نخبگان و مدیران کارآمد و متعهد پرشماری آماده یاری رسانی به او جهت مدیریت کشور و اقدامات اجرایی بزرگ هستند.

فارغ از پشتوانه های معنوی گرانقدری مانند علامه مصباح یزدی و آیات عظام زابلی، خزعلی و ... نخبگان شناخته شده ای مانند حجه الاسلام میرباقری، حجه الاسلام آقانهزانی، حجه الاسلام رجبی، حجه الاسلام پناهیان، دکتر اصغر طاهرزاده، حجه السلام نبویان و مدیران اجرایی و باتجربه ای چون دکتر پرویز داوودی (معاون اول رییس جمهور در دولت نهم و استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر کامران باقری لنکرانی (وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دولت نهم) دکتر علی باقری (معاون دکتر جلیلی در شورای عالی امنیت ملی کشور)، مهندس پرویز فتحاح (وزیر نیروی دولت نهم و مسئول بنیاد تعاون سپاه)، دکتر مسعود میرکاظمی (وزیر

۱. حضور ۶ ساله دکتر سعید جلیلی در راس شورای عالی امنیت ملی کشور نه تنها از وی یک دیپلمات با تجربه ساخته است، بلکه بواسطه حیطه وظایف وی و لزوم اشراف بر امنیت ملی کشور، او را به مدیری توانا و آگاه نسبت به شناخت نقاط قوت و ضعف و مدیریت کلان کشور تبدیل کرده است.

جلیلی فارغ از تجربه ی حضورش در وزارت امور خارجه، بیشتر بواسطه مذاکرات مهم هسته ای سالهای گذشته با سران اتحادیه اروپا، اشراف کم نظیری بر سیاست خارجی و شناخت غرب دارد. وی در عمل علوم سیاسی را تا مقطع دکترا آموخته و «غرب نظری» را در دوران تحصیلش از عمق جان درک کرده است؛ از طرف دیگر به سبب تجربه مذاکرات پی در پی با غربی ها در سالهای گذشته، «غرب عینی» را هم کامل و بدون چون و چرا می شناسند؛ از این رو همواره به جای «تنش زدایی» و دیگر رویکردهای «منفعانه» در برابر غرب، از «تهدید زدایی» و سیاست خارجی «پیشرونده» نسبت به اروپا و امریکا سخن می گوید؛ به دنبال سیاست خارجی فعال و پویا در برابر همسایگان و دیگر کشورهای جهان است و به خوبی معنا و ضرورت مقاومت و پایداری در برهه کنونی در برابر دشمنان ملت را درک می کند.

۲. جلیلی در راس جایگاهی قرار دارد که بواسطه وظایف تعریف شده و حقوقی خود، با مشکلات ریز و درشت کشور آشناست. وی در واقع دبیر جلساتی است که اعضای آن را مدیران ارشد کشور تشکیل می دهند؛ روسای سه قوه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، فرمانده ارتش، فرمانده سپاه پاسداران، وزیر کشور، وزیر اطلاعات، وزیر دفاع، وزیر امور خارجه و ... لذا بدیهی است که طرح اصلی ترین چالش ها و مهم ترین موضوعات مربوط به اداره کشور بخشی از تجربه روزانه سعید جلیلی باشد، طبیعی است که وی طی حضور ۶

شرایطی جمهوری اسلامی ایران که از ۳۵ سال قبل داعیه دار الگوسازی برای مستضعفین جهان و مقابله با امپریالیسم بین المللی بوده است، در شرایطی به سر می برد که بیش از هر زمان دیگر نیازمند ادامه رویکرد «مقاومت» در عرصه جهانی است. رویکردی که علیرغم همه دشواری های ۳۰ سال اخیر، دستاوردهای کم نظیری داشته است بگونه ای که امروز بخشی از هویت جمهوری اسلامی ایران در جهان را مقاومتش در برابر جریان استکبار تشکیل داده است.

در چنین شرایطی بدیهی است که انتخابات یازدهم ریاست جمهوری از حیث آنکه منجر به پیروزی کاندیدایی شود که در افکار عمومی «نماد مقاومت» در خارج از مرزهای کشور باشد اهمیت مضاعفی دارد؛ سعید جلیلی دقیقا همان فردی است که در شرایط کنونی در داخل و خارج از کشور به این ویژگی شناخته می شود و جملات برخی از سیاستمداران ارشد اروپایی درباره او، این ادعا را تأیید می کند.

در همین راستا خاویر سولانا رییس پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا در میزگردی که در فروردین سال ۹۲ در واشنگتن برگزار شد، گفته بود: «سعید جلیلی اهل نرزش در مذاکرات نیست.» چندی بعد نیز کاترین اشتون مسئول فعلی سیاست خارجی اتحادیه اروپا خواستار تعویض سعید جلیلی از مسئولیت مذاکرات هسته ای شده بود؛ چرا که وی را اهل امتیاز دادن به غرب نمی دانست؛ رویکردی که جلیلی در برابر غرب از خود نشان داده دقیقا خلاف آن روندی است که پیش از وی در دوران حسن روحانی تجربه شده بود و هم باعث نقدهای فراوان رهبر انقلاب و مردم گردیده بود و هم نتیجه مذاکرات آن سالها را تونی بلر نخست وزیر انگلیس بیان داشته بود: «میوه (اشغال) عراق را از دستتان روحانی گرفتیم.» لذا تعجبی ندارد اگر بدانیم اخیرا هم علیرضا نوری زاده ضد انقلاب معروف، در یادداشتی عنوان داشته است که «تک تک ما

(اپوزیسیون) وظیفه داریم نگذاریم جلیلی رییس جمهور شود.»

۶. جلیلی به لحاظ روحیات شخصی، فردی با تقوا و کم حاشیه است. تا جای ممکن درباره مسایلی که در حیطه اختیاراتش نیست سخن نمی گوید و بدون حاشیه خاصی به دنبال انجام وظیفه تعریف شده خویش است. این نقطه قوتی است که یکی از بزرگترین نقاط ضعف رییس جمهور فعلی بود و هست.

از طرف دیگر جلیلی در بسیاری از نقاط قوت احمدی نژاد با او شباهت دارد. جلیلی ساده زیست و پرکار است و همین تشابه در نقاط قوت وی با احمدی نژاد باعث شده تا امروز مخالفان جلیلی که حرف جدید و مهمی برای نقد او ندارند، به خاطر شباهت نقاط قوت جلیلی با احمدی نژاد، او را احمدی نژاد دوم بدانند؛ غافل از آنکه اگر قرار باشد با گفتن احمدی نژاد ۲؛ کسی نقد شود باید این نسبت به کسی داده شود که در نقاط ضعف با احمدی نژاد اشتراک دارد در حالی که جلیلی دقیقا خلاف این

روند بوده و هست و بسیاری از ضعف های احمدی نژاد را ندارد، کم حاشیه است، علاقه ای به تقابل بیهوده با افراد و جریان های دیگر ندارد، سابقه و مواضعش نشان می دهد قانون برای وی فصل الخطاب است و از همه مهمتر عملکردش در سالهای اخیر نشان داده یکی از نزدیک ترین مدیران ارشد کشور به رهبر انقلاب در قول و فعل است بگونه ای که سایت روزنامه صهیونیستی جروزالم پست نیز نتوانست در یکی از تحلیل های اخیرش از این مساله چشم پوشی کند و در تحلیلی آغشته به عصبانیت نسبت به حضور جلیلی در انتخابات نوشت: «جلیلی از لحاظ شخصیتی بسیار به رهبر ایران نزدیک می باشد.»

۷. بعد از پایان اولین همایش حامیان جلیلی در سوم خرداد ماه، در جمع تعدادی از دوستان درباره شخصیت و رفتار جلیلی صحبت می شد؛ آنچه تحلیل مشترک همه دوستان بود؛ نمود عینی تقوا و اخلاص جلیلی بود. همه متفق

القول بودند که اگر قرار باشد جلیلی پیروز این انتخابات باشد هیچ کدام از تلاش های ستادها و طرفداران و ... باعث این مساله نخواهد بود؛ بلکه اخلاص و عمل به تکلیف جلیلی شاه کلیدی است که می تواند منجر به هدایت دلهای مردم به سمت وی باشد چرا که وی نه مانند عده ای دیگر از سالها قبل ستاد انتخاباتی تشکیل داده است و نه به دنبال رفتارهای خاص و شعارهای دروغین برای کسب رای مردم است؛ به یاد دارم جلیلی در یکی از جلساته با نخبگان اقتصادی گفت: «به من می گویند برخی از حرفها را اگر بزنم آرایم کم می شود، اما واقعیت این است که اتفاقا باید خیلی از حقایق را به مردم گفت. اقتصاد ما و برخی دیگر از مشکلات ما نیازمند کارهای طولانی مدت و اصلاح ساختارهاست. حتی ممکن است من کاری بکنم که نتیجه اش ۱۰ سال بعد و در یک دولت دیگر خودش را نشان بدهد، من همان کار را خواهم کرد و نمی گویم می خواهم اقدامی کنم که در دولت من نتیجه کوتاه مدتش را مردم درک کنند اما در دراز مدت به ضرر مردم باشد.»

۸. همه مطالب مورد اشاره در این یادداشت به معنای اسطوره سازی، قدیس سازی و یا بدون عیب دانستن سعید جلیلی نیست. بدون تردید او هم مانند هر فرد دیگری کاستی هایی دارد؛ اما می توان ادعا کرد که جلیلی فردی است که با توجه به نکات مورد اشاره، بهترین فردی است که در شرایط کنونی می تواند اداره کشور را بدست بگیرد. او اصلح این میدان است و باید برای معرفی بیشترش به مردم تلاش کرد.

جلیلی به لحاظ روحیات شخصی، فردی با تقوا و کم حاشیه است. تا جای ممکن درباره مسایلی که در حیطه اختیاراتش نیست سخن نمی گوید و بدون حاشیه خاصی به دنبال انجام وظیفه تعریف شده خویش است. این نقطه قوتی است که یکی از بزرگترین نقاط ضعف رییس جمهور فعلی بود و هست.

بازخوانی دستاورد های گفتمان مقاومت در علوم و فنون نوین

ما می توانیم



طبق آمار منتشره رشد ایران در فناوری هسته‌ای ۸۰ برابر رشد متوسط جهانی بوده است. ایران در سالیان اخیر توانست در غنی‌سازی به موفقیت‌های خوبی دست پیدا کند و اورانیوم را تا ۴ درصد و ۲۰ درصد غنی‌سازی نماید. همچنین رادیو داروهای متعددی در این مدت توسط دانشمندان هسته‌ای ایران تولید شده است. ساخت تاسیسات هسته‌ای نیز از دیگر دست‌آوردهای ایران در حوزه هسته‌ای است که سهم مهمی در خودکفایی این حوزه دارد. در ادامه برخی از دست‌آوردهای جمهوری اسلامی ایران در فناوری هسته‌ای اشاره می‌شود.

نقش مهمی را داراست، ستاد فناوری نانو تلاش خود را برای تهیه نمونه داخلی آغاز کرد. در این میان جوانانی از کاشان ادعا کردند که می‌توانند آن را بسازند و اینگونه شد که ایران در ساخت دستگاه نانوسکپ خودکفا شد.

مثال دیگر دستگاه کمک جراح که تنها دو یا سه کشور سازنده آن هستند دو سال گذشته توسط رئیس جمهور افتتاح شد. به دلیل تجهیزات اپتیک به کار گرفته در آن، فروش این قطعه به ایران ممنوع شد. اما باز دانشمندان داخلی بودند که همت کرده و آن ساختند و ایران نیز جز کشورهای تولید کننده آن قرار گرفت.

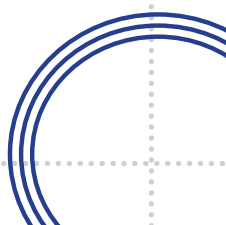
اینها و چندین مثال دیگر که در زیر آمده است نمونه‌های واقعی برای اثبات این ادعاست که مقاومت به پیشرفت می‌رسد. تحلیلش نیز آسان است. تحریم سبب شد که مسئولان ما در رده‌های مختلف امیدشان از خارج قطع شود و این شد که رو به داخل بیاورند و به دنبال توانمندان داخلی باشند. همین قطع امید از غیر سبب شد که ظرفیت فراوان دانشمندان داخلی، شاهد شکوفایی استعدادها باشیم

شاید برای برخی‌ها این گزاره که مقاومت به پیشرفت منجر می‌شود، گزاره‌ای شعارگونه و غیرواقعی تلقی شود و آن را یک حرفی برای دلخوش کردن مردم بدانند. اما حقیقت چیز دیگری است. برای آنهایی که در فضای علم و فناوری نفس می‌کشند این مساله رنگ دیگری داشته و به راحتی این گزاره را می‌پذیرند. چراکه مصادیق فراوانی برای آن می‌توانند در ذهن متصور شوند.

برای مثال ایران یکی از معدود کشورهای است که تولید کننده دستگاه نانوسکپ می‌باشد و آقای احمدی نژاد نیز در حدود هفت دستگاه را به سران کشورهای دیگر هدیه داده است.

اما چرا نانوسکپ در ایران تولید شد؟

در حدود ۸۶ سال بود که تحریم‌های علمی و فناوری علیه ایران شدت گرفت. در نتیجه این تحریم‌ها تجهیزات آزمایشگاهی به سختی به ایران منتقل و در برخی مواقع انتقالش به طور کلی قطع شد. یکی از این تجهیزات دستگاه «اس تی ام» یا همان نانوسکپ بود. از آنجا که در امر تحقیقات در حوزه فناوری نانو این دستگاه



و ثمرات آن را در نقاط مختلف تماشا کنیم. ایران اسلامی هنوز تا شکوفایی تمامی ظرفیت‌هایش راه بسیار دارد و ما مرد این راه هستیم و دکتر جلیلی را نماینده شایسته این راه مقاومت می‌دانیم.

فناوری نانو

یکی از عرصه‌هایی که جمهوری اسلامی ایران به خوبی توانست دست‌آوردهای موفقی داشته باشد، فناوری نانو است. متولی فناوری نانو در کشور ستاد نانو است که توانسته مدیریت موفقی در حوزه نانو به اجرا گذارد به طوری که در سال گذشته ایران مقام چهاردهم در حوزه مقالات فناوری نانو را در سطح جهان به دست آورد. جمهوری اسلامی ایران در سطح علم نانو و همچنین تولید محصولات نانو موفق بوده است. در حوزه علمی، علاوه بر اینکه ایران در سال گذشته اولین کشور از نظر رشد علمی در جهان بوده و توانسته است چهارمین استاندارد نانو را در سطح جهان پس از آمریکا، ژاپن و آلمان منتشر نماید. همچنین در منطقه ایران اولین کشور در حوزه نانو است که این سرآمدی در جهان اسلام نیز وجود دارد. بر اساس نظر کارشناسان، فناوری نانو یکی از سه فناوری است که جمهوری اسلامی ایران در آن پیشرفت‌های فراوانی نموده است.

در ادامه برخی از دست‌آوردهای حوزه فناوری نانو را به کمی جزییات بیان می‌نماییم.

نانوسکوپ

طرح تحقیقاتی نانوسکوپ ایرانی از اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ آغاز شد. این دستگاه برای تصویربرداری از سطوح در ابعاد نانو متری استفاده می‌شود و تناه پنج کشور در جهان فناوری ساخت این دستگاه را به صورت بومی در اختیار دارند که ایران جزو این پنج کشور است. کاربرد این دستگاه در کلیه علوم مربوط به فناوری نانو مانند نانوشیمی، نانوسنسورها و نانوالکترونیک است. این دستگاه تاکنون چندین بار از سوی رئیس جمهور به روسای جمهور سایر کشورها (برزیل، ونزوئلا، آذربایجان و...) به عنوان یکی از دستاوردهای فناوری ایران هدیه شده است.

نانو فیلتراسیون آب

فناوری پیشرفته تصفیه آب با ظرفیت ۱۰ متر مکعب در شبانه روز قادر است همه ذرات معلق و بخش زیادی از ذرات محلول در آب را تا ۹۹/۹ درصد حذف کند. پروژه بکارگیری فناوری نانو به منظور تصفیه آب با فاز مطالعاتی شروع شد و پس از کسب نتایج مناسب در فاز آزمایشگاهی با همکاری دانشگاه شهید عباسپور

وارد فاز تعریف پروژه نیمه صنعتی شد. با توجه به نتایج آنالیز آب رودخانه کارون واحد پایلوت آن در این منطقه راه اندازی شد. این دستگاه با استفاده از روش اسموز معکوس قادر است آبهای شور و آلوده را به کیفیت آب شرب تبدیل کند.

نانو کامپوزیت

تولید نانو کامپوزیت با زمینه آلومیناید آهن از دستاوردهای محققان کشور است، از این مواد می‌توان در صنایعی که در دمای بالا کار می‌کند بهره جست. این موفقیت گام موثری برای تولید کامپوزیت‌های مورد نیاز برای صنایع هوافضا و خودروسازی به شمار می‌رود.

فناوری هسته‌ای

از سال ۱۳۸۲ که پرونده هسته‌ای ایران، در مجامع بین‌المللی به جریان افتاد، بعد علمی این مساله در حاشیه بود، اما به مرور زمان با روشنگری‌هایی که مقامات ایران به خصوص رهبر انقلاب داشتند، بعد علمی فناوری هسته‌ای از حاشیه به متن آورده شد. آنچه اهمیت داشت از منظر علمی این بود که کشور ایران بدون تکیه بر قدرت‌های هسته‌ای توانسته بود به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای دست پیدا کند و این پیشرفت برای بسیاری از کشورها آرزویی دست نیافتنی بود. چرا که تا قبل هر کشوری که در نظر داشت به فناوری هسته‌ای دست پیدا کند به ناچار باید دست به سوی یکی از قدرت‌های هسته‌ای دراز کند. تشکیل «ان پی تی» نیز بر همین نظریه استوار بود و قدرت‌های هسته‌ای احتمال بسیار کمی می‌دادند که کشوری خود مستقلاً بتواند به فناوری هسته‌ای دست پیدا کند لذا به ناچار باید در چارچوب قوانین آنها عمل نماید. علت بسیاری از مخالفت‌ها همین مطلب مهم بوده است. درست است که هزینه‌های زیادی در این قضیه به ایران تحمیل شد، اما ناخواسته سبب تبلیغ انقلاب اسلامی گردید و با مرور زمان بعد ایجابی این مساله که توانایی کسب فناوری هسته‌ای بود، خود را نمایان نمود. طبق آمار منتشره رشد ایران در فناوری هسته‌ای ۸۰ برابر رشد متوسط جهانی بوده است. ایران در سالیان اخیر توانست در غنی‌سازی به موفقیت‌های خوبی دست پیدا کند و اورانیوم را تا ۴ درصد و ۲۰ درصد غنی‌سازی نماید. همچنین رادیو داروهای متعددی در این مدت توسط دانشمندان هسته‌ای ایران تولید شده است. ساخت تاسیسات هسته‌ای نیز از دیگر دست‌آوردهای ایران در حوزه هسته‌ای است که سهم مهمی در خودکفایی این حوزه دارد. در ادامه برخی از دست‌آوردهای

جمهوری اسلامی ایران در فناوری هسته‌ای اشاره می‌شود. **تولید ۶ رادیو دارو برای درمان بیماری‌های صعب‌العلاج**

رادیو داروها یا از طریق شکاف اورانیوم و یا از طریق واکنش‌های هسته‌ای تولید می‌شوند. در این راستا پژوهشگران کشور موفق به تولید دو رادیو دارو «ساماریوم ۱۵۳» و «رینیوم ۱۸۶» شدند. رینیوم با استفاده از راکتور و شتاب‌دهنده‌ها و ساماریوم از طریق واکنش هسته‌ای عرضه شدند.

این دو دارو به منظور کاهش درد در بیماران سرطانی تولید شدند. این رادیو داروها مراحل پایانی تایید برای بهره‌برداری را می‌گذرانند که پس از اخذ مجوزهای لازم از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تولید انبوه می‌رسند و احتیاجات بیماران داخلی را مرتفع خواهند کرد.

تولید رادیو داروی «مولیبدن تکنسیم» از دیگر دستاوردهای محققان هسته‌ای در بخش داروسازی است. این رادیو دارو در تشخیص بسیاری از بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد که مهمترین آنها بیماری‌های قلبی و تنگی عروق قلب است. همچنین این ماده دارویی در تشخیص بسیاری از بیماری‌ها از جمله بیماری‌هایی که نیاز به اسکن از ماهیچه‌های قلبی، مغز استخوان، غدد بزاقی، تیروئید، پاراتیروئید، شش‌ها، کبد و کلیه دارند کاربرد دارند.

رادیو داروهای «ید ۱۳۱»، «تالیوم» و «گالیوم» از محصولات مهم پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای است که در درمان بیماری‌ها موثر هستند. این داروها نیز به تایید وزارت بهداشت رسیده‌اند.

استفاده از فناوری هسته‌ای در بخش کشاورزی

تولید نارنگی بدون هسته (دانه)، افزایش زمان نگهداری خرما با پرتو دهی، افزایش زمان نگهداری پیاز و سیب زمینی و کوتاه کردن ساقه‌های گندم و برنج تنها بخشی از کاربردهای انرژی هسته‌ای در بخش کشاورزی است که محققان کشور موفق به دستیابی به آن شده‌اند.

علاوه بر این از این فناوری می‌توان در حوزه‌هایی چون اصلاح نباتات، مدیریت خاک، آب و تغذیه گیاهی، نگهداری مواد غذایی و کنترل آفات، مهندسی ژنتیک، فرآورده‌های دامی، مدیریت منابع طبیعی برای برآورد فرسایش خاک و تولید ارقام مقاوم به بیماری استفاده کرد.

«جو» اصلاح شده متحمل به سرما برای کشت در مناطق سرد، «پنبه» اصلاح شده دارای مقاومت نسبی به بیماری قارچی و «رتیسیلیوز» و بهبود خواص کیفی و ایجاد تیپ‌های مختلف

زودرس و بسی دانه نارنگی از جمله نتایج تحقیقات هسته‌ای محققان کشور است.

زیست فناوری

از فناوری‌های دیگری که جمهوری اسلامی ایران در آن سرآمدی دارد، زیست فناوری یا همان بیوتکنولوژی است. زیست فناوری به چهار شاخه تقسیم می‌شود. پزشکی، کشاورزی، صنعتی و محیط زیست. جمهوری اسلامی ایران غیر از چند حوزه خاص صنعتی در سایر حوزه‌های زیست فناوری خودکفا بوده و با سایر کشورها توانمند در این حوزه رقابت می‌کند.

زیست فناوری در میان سایر فناوری‌های نوین از لحاظ بازار اقتصادی مقام اول را دارد و جزو ۷ فناوری راهبردی جهان به شمار می‌رود. چرا که داروهای حاصل از زیست فناوری را می‌توان به نحوی طراحی نمود که تنها بر روی نژاد خاصی تاثیر گذار باشند. همچنین جذابیت موجود در این حوزه بسیار است و شاید کشوری یافت نشود که بی‌نیاز از محصولات بیولوژیک باشد.

در حوزه بر اساس اطلاعات موجود ایران در رده ۲۳ یا ۲۴ کشورهای جهان است. در منطقه ایران بعد از ترکیه در ردیف دوم قرار دارد، بعد از جمهوری اسلامی ایران رژیم صهیونیستی قرار دارد. بر اساس نظر کارشناسان زیست فناوری در حوزه تولید محصول بیولوژیک تنها رقیب ایران رژیم صهیونیستی است.

عمده پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، مربوط به حوزه دارویی می‌باشد. مانند داروی ضد دیابتی، داروی ضد ایدز (آیمود) و ... و همچنین در حوزه کشاورزی و محصولات غذایی نیز دست آوردهای خوبی داشته است. کودهای بیولوژیک و محصولات غذایی که بازار مصرف بسیار خوبی در میان کشورها دارند. به خصوص در زمینه کشاورزی کشورهای منطقه خلیج فارس بازار مهم و قابل دسترسی می‌باشند. همچنین از نظر محصولات غذایی منطقه آفریقا فرصت بسیار خوبی است که این فرصت در حوزه دارویی و بهداشت نیز در آنجا وجود دارد.

جمهوری اسلامی ایران به جزو در چند حوزه صنعتی، با دیگر قدرت‌های بیو رقابت می‌کند به خصوص در زمینه سلولهای بنیادی و داروهای یکی از قطب‌های مطرح می‌باشد. برای نمونه می‌توان به داروی سینوکس ایرانی که رقیب اوونکس آمریکایی است و توانسته ۲۵ درصد بازار جهانی را از خود کند.

در ادامه به برخی از مصادیق دست‌آوردها در این حوزه اشاره

رادیو داروها یا از طریق شکاف اورانیوم و یا از طریق واکنش‌های هسته‌ای تولید می‌شوند. در این راستا پژوهشگران کشور موفق به تولید دو رادیو دارو «ساماریوم ۱۵۳» و «رینیوم ۱۸۶» شدند. رینیوم با استفاده از راکتور و شتاب‌دهنده‌ها و ساماریوم از طریق واکنش هسته‌ای عرضه شدند.



تولید رادیو دارو توسط متخصصان کشور

می‌نماییم.

داروهای نو ترکیب

مختلف در بدن انسان استفاده کرد. ایران پس از آلمان، امریکا، ژاپن و چین به این فناوری مهم دست یافته است.

۱.۱.۱.۲. شبیه سازی موجودات زنده

تا به حال چند گوسفند، گوساله و بز از طریق این توانمندی به دنیا آمده‌اند که تعدادی از آنها در حال حاضر نیز زنده هستند. تولد رویانا اولین گوسفند شبیه‌سازی شده در ایران نخستین گام موفقیت آمیز کشور در راه شبیه‌سازی بود و بعد از آن تولد اولین بزغاله شبیه‌سازی شده با نام «حنه» که در تولید آن فناوری‌های نوین به کار رفته که در مورد رویانا، تکنیک‌ها بهینه شده بود. «رویانا» دومین گام موفقیت آمیز پژوهشگران ایرانی در عرصه شبیه سازی است.

در تکمیل این حلقه علمی، با تولد «بنیانا» اولین گوساله شبیه‌سازی شده در خاورمیانه، آخرین و مهم‌ترین حلقه توانمندی‌های دانش جنین شناسی در جهت نیل به اهداف بزرگ بیوتکنولوژی دارویی و زیستی در کشور کامل شد.

میزان کارآمدی حاصل از تولید جنین‌های شبیه‌سازی شده در پژوهشکده رویان در بالاترین میزان جهان قرار دارد که مشابه آمار کشورهای صاحب تکنولوژی شبیه سازی از جمله نیوزیلند، دانمارک و آمریکا است. همچنین اولین حیوانات تراریخته خاورمیانه که دو بزغاله با نام های شنگول و منگول از دیگر موفقیت‌های موسسه رویان می باشد.

ترمیم ضایعات نخاعی

ترمیم ضایعات نخاعی و دستاورد دانشمندان پزشکی در این زمینه یکی دیگر از دست‌آوردهای نظام سلامت کشور در چند سال اخیر است. ضایعات نخاعی در حال حاضر در دنیا بیش از ۵ میلیون نفر را گرفتار کرده و هر سال ۱۳۰ هزار نفر به آن اضافه می‌شوند. تا این زمان این بیماری به عنوان یک بیماری لاعلاج شناخته می‌شد و پیش از این ۳ کشور توان درمان این بیماری را داشتند که درصد موفقیت آنها نیز زیر ۲۰ درصد بوده است. این در حالی است که روشی که دانشمندان ایرانی ابداع کرده‌اند در نوع خود روش جدیدی است و این امکان را دارد که میزان موفقیت را به حدود ۴۰ درصد برساند.

۱.۱.۱.۳. موفقیت در کنترل بیماری ایدز

ساخت دارویی برای تقویت سیستم ایمنی و درمان علائم بیماری ایدز، دستاورد دیگر دانشمندان کشور است. این دستاورد حاصل تلاش ۱۵ مرکز تحقیقاتی در داخل کشور و برخی محققان خارج

۴ داروی جدید شامل فاکتور ۷ نو ترکیب، فاکتور ۸ نو ترکیب داروی ضد سرطان تریپتورلین و داروی درمان آسم سالمترن هستند که هر یک از این داروها در مراحل مختلف تولید و ورود به بازار می‌باشند، فاکتور ۷ نو ترکیب از همه جلوتر است و مراحل کارآزمایی بالینی را برای تأیید وزارت بهداشت و گرفتن مجوز ورود به بازار طی می‌کند و احتمالاً حدود ۳ ماه آینده می‌تواند مجوز تولید را بگیرد.

داروی فاکتور ۸ نو ترکیب نیز به تازگی وارد مرحله کارآزمایی بالینی یا کلینیکال تریال شده است تا بتواند مجوز تولید را از وزارت بهداشت بگیرد. ایران یکی از معهود کشورهای تولید داروهای بیوتکنولوژیک است و چهارمین کشور آسیا و اولین کشور منطقه مدیترانه شرقی است که در زمینه تولید داروهای بیوتکنولوژی فعالیت می‌کند، فاکتور ۷ نو ترکیب نیز تاکنون فقط در یک کشور غیر از ایران تولید شده و فاکتور ۸ نو ترکیب نیز تاکنون فقط در ۳ کشور دنیا به مرحله تولید رسیده است. همچنین خودکفایی کشور در تولید آنتی بیوتیک اریترومايسين و مواد اولیه آنتی بیوتیکها نیز از دیگر دستاوردهای دارویی می باشد که برای اولین بار در تولید یک نوع آنتی بیوتیک به مرحله خودکفایی رسیده ایم و دیگر هیچ نیازی به ورود اریترومايسين به کشور نداریم.

امریکا، ایتالیا، اتریش و چین جزو کشورهای صادر کننده این محصول دارویی هستند و ما با تولید اریترومايسين جزو معهود کشورهای تولید کننده قرار خواهیم گرفت.

۱.۱.۱.۱. دستیابی به فناوری تولید سلول های بنیادی «بسیار پرتوان» (i.S.P)

تولید سلول های بنیادی، یکی از پیشرفته‌ترین عرصه های علوم پزشکی و آزمایشگاهی است. این فناوری، انقلاب بزرگی را در دهه اخیر در عرصه پیشرفت‌های پزشکی و ترمیم بافت‌های از بین رفته اعضای بدن و همچنین در پیوند اعضا ایجاد کرده است. سلول‌های بنیادی جنینی (STEM CELL) سلول‌های اولیه‌ای هستند که توانایی تبدیل به انواع مختلف سلول‌ها را دارند. تحقیقات بالینی نشان داده است که این سلول‌ها می‌توانند به درون بافت‌های آسیب دیده، پیوند زده شوند و با تبدیل شدن به سلول‌های خاص آن بافت، از آنها می‌توان در تولید سلول‌ها و نهایتاً بافت‌های



موجودات زنده شبیه سازی شده در پژوهشگاه رویان

از کشور بوده که حدود ۷ سال کار تحقیقاتی آن طول کشید و دارو بر اساس ترکیب گیاهی شکل گرفته است بدون عارضه بودن و اثر بخشی این دارو که آیمود نام دارد از ویژگی‌های بارز آن است. بر این اساس، استفاده از آیمود برای پیشگیری از ورود افراد مبتلا به ویروس اچ. آی. وی به مرحله ایدز، در مقایسه با داروهای موجود که شیمیایی هستند، مقرون به صرفه تر است، چرا که استفاده از داروهای شیمیایی همواره با عارضه همراه هستند.

۱.۱.۱.۴. داروی زخم پای دیابتی- آنژی پارس

این دارو با داشتن مصارف تزریقی، موضعی و خوراکی طی ۷ سال تلاش محققان ایرانی بدون هیچ عارضه ای مطابق با درمان‌های استاندارد در جهان بوده و برای تمام انواع دیابت در جهت بهبود زخم، کاهش قطع عضو، میزان بستری و هزینه های آن استفاده می‌شود. داروی گیاهی «آنژی پارس» بدون داشتن عوارض آلرژیک و سمومیت، اختلالات سلولی ایجاد نکرده و اثرات همتولوژی و میکروسکوپی منفی ندارد. این در حالی است که داروی جدید درمان زخم پای دیابتی می تواند ۲۵ درصد زخم پای افراد مبتلا به دیابت را بهبود بخشیده و همچنین شستشوی زخم و کنترل عفونت را در این افراد ممکن می‌سازد.

۱.۱.۱.۵. فناوری ساخت ریه مصنوعی

این فناوری ایران را به عنوان پنجمین کشور جهان به دانش فنی طراحی و ساخت ریه مصنوعی بر پایه غشاءهای فیبری توخالی مطرح نموده است. دستگاه ابداعی به لحاظ برخورداری از شکل متقارن و توزیع همگن خون در جهان بی نظیر بوده و طی این پروژه، روش کاملاً جدیدی نیز برای تست و ارزیابی عملکرد ریه مصنوعی در دنیا ارائه کردند.

۱.۱.۱.۶. تولید بیوایمپلنت‌ها

بیوایمپلنت‌ها تجهیزات پزشکی کاشتنی هستند که برای رفع نقایص سیستم‌ها مختلف بدن استفاده می‌شوند ولی منشاء بیولوژیک و یا زنده دارند یعنی از موجود زنده گرفته می‌شوند و این موجود زنده می‌تواند حیوان باشد و یا موجودات پستی مانند مرجان و میگو باشد و یا حتی نسوج اهدایی باشد که انسان اهدا کرده باشد تا به حال تولید صنعتی این کار در انحصار چند کمپانی خاص آمریکایی بود.

۱.۱.۱.۷. تولید داروی بیماری ام اس

فناوری تولید دارو تا کنون در اختیار دو کشور آمریکا و سوئیس بوده است و تجاری سازی و ورود داروی ام اس «اینترفرون بتا ۱

بی» (با نام تجاری زیفرون)، ۳۰ میلیارد تومان صرفه‌جویی ارزی برای کشور به همراه دارد.

۱.۱.۲. فناوری هوا و فضا

حوزه هوا و فضا همانند حوزه هسته‌ای، دارای حساسیت سیاسی بالایی است. یکی از نمادهای قدرت مند شدن کشورها و توسعه یافتگی آنها، حضور در حوزه‌های این چنین است. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که توانسته با اتکا به دانش و توانمندی داخلی به باشگاه فضایی راه پیدا نماید. دستیابی به فناوری ساخت و ارسال ماهواره نشان‌دهنده توانمندی کشور در مدیریت فناوری در حوزه‌های مختلف است. همچنین سطح بالای فناوری‌های مرتبط را نشان می‌دهد.

پس از پرتاب ماهواره امید یکی از تحلیل‌گران مرکز مطالعات استراتژیک آمریکا (CSIS) با تحلیل این اتفاق، تاثیر این دست‌آورد را بر تثبیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با اهمیت شمرد. چرا که ارسال ماهواره به فضا نمادی است که سبب افزایش غرور ملی خواهد شد. برخی از دست‌آورد‌های این حوزه در ادامه بیان می‌شود.

۱.۱.۲.۱. ارسال محموله زیستی به فضا

در روز ۱۴ بهمن ماه ۸۸ روز ملی فناوری فضایی با پرتاب کاوشگر ۳، نخستین محموله زیستی موجود زنده از کشورمان به فضا پرتاب شد. کاوشگر ۳ از زیرسامانه‌های سازه، محفظه زیستی، تامین توان، ارسال داده، تصویربرداری و ارسال، رایانه پرواز، سنجش محیطی و بازیابی تشکیل شده است این محموله شامل موجوداتی چون لاک پشت، کرم و موش و همچنین پنج ذره سلول بود که به منظور بررسی مشکلات زیستی آنها و بررسی و تحقیق در زمینه نحوه تکثیر سلول‌ها در فضا به فضا پرتاب شدند محققان حوزه فضایی در سال ۸۹ دومین محموله زیستی خود را با حیوانات بزرگتر به فضا فرستادند و در گام آخر میمون فضانورد به نام «پیشگام» را به فضا فرستادند.

۱.۱.۲.۲. ماهواره امید

ماهواره امید با توجه به تاکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر بومی‌سازی فناوری‌های راهبردی و در جهت تحقق جنبش نرم افزاری، به عنوان نخستین گام عملی کشور در عرصه بومی سازی فناوری فضایی حاصل کار جمعی و با بسیج امکانات داخلی کشور شامل وزارتخانه‌های مختلف، شرکت‌های خصوصی و امکانات دانشگاه‌ها است. پیش از ایران هشت کشور؛ شوروی



■ ارسال موجود زنده به فضا



■ جنگنده قاهر ۳۱۳

(۱۹۵۷)، ایالات متحده آمریکا (۱۹۵۸)، فرانسه (۱۹۶۵)، ژاپن (۱۹۷۰)، چین (۱۹۷۰)، بریتانیا (۱۹۷۱)، هند (۱۹۸۰) و رژیم صهیونیستی (۱۹۸۸) مستقلاً موفق به پرتاب ماهواره شده بودند.

۱.۱.۲.۳ ماهواره مصباح

ماهواره مصباح یک ماهواره مخابراتی است که قادر است از بعضی نقاط دنیا اطلاعات را جمع‌آوری و به زمین ارسال کند این ماهواره از نوع ماهواره های ذخیره و ارسال مجدد می باشد و در ساخت این ماهواره از فناوری‌های پیشرفته استفاده شده است و با توجه به اینکه جزء اولین ماهواره‌هایی است که در داخل کشور طراحی و با مشارکت خارجی ساخته شده است، گام مهمی در دستیابی به فناوری‌های فضایی در کشور قلمداد می‌شود.

۱.۱.۲.۴ ماهواره پر سفیر ۲

در این ماهواره بر که ماهواره امید را در مدار زمین قرار داده است بیش از ۱۰ هزار تنوع قطعه به کار رفته است. سهم قطعات پیچیده صنعتی در آن قابل توجه است و تمام قطعات تولیدی آن در صنایع داخلی ساخته می‌شود.

۱.۱.۲.۵ تولید انبوه هواپیمای فجر ۳ (هواپیمای تمام کامپوزیت) و تولید هواپیمای تک سرنشین فائز، رعد و نذیر هواپیمای فجر ۳، تنها هواپیمای ۴ نفره کشور است که همه مراحل طراحی و ساخت آن مطابق با آیین‌نامه‌های استاندارد بین‌المللی JAR در داخل کشور انجام شده است. این هواپیما دارای سازه تمام کامپوزیت و سرعتی معادل ۳۲۰ کیلومتر در ساعت است. آموزش خلبانی، گشت زنی مرزی، ترابری سبک، حمل مسافر ویژه، پست هوایی، عکسبرداری، فیلمبرداری و انجام پروازهای تفریحی از کاربردهای هواپیمای فجر ۳ است. از سال ۸۵ مجوز تولید انبوه این هواپیما در ایران صادر شده است.

هواپیمای تک سرنشین فائز با قابلیت آب نشینی و دو زیست بودن، حمل محموله‌های شناسایی، درمانی، پشتیبانی و ارتقاء برای تبدیل شدن به هواپیمای دو نفره قادر است مأموریت‌های گشت زنی، مراقبتی، تفریحی و ورزشی آکروباتیک را انجام دهد. این هواپیمای دو موتوره با سازه تمام کامپوزیت و ۱۷۵ کیلوگرم وزن با سرعت ۲۲۰ کیلومتر در ساعت، از انعطاف و چالاکی خاصی برخوردار است. هواپیماهای رعد و نذیر نیز قادرند مأموریت‌های شناسایی، مراقبت و تهاجمی را با برد و دقت بسیار بالا انجام دهند. هواپیمای بدون سرنشین رعد، محصولی هوشمند و تهاجمی است که با دقت نقطه زنی بالا، اهداف مورد نظر را منهدم می‌کند.



■ ماهواره بر سفیر ۲



■ تولید داروی درمان ایدز



فرزاد جهان بین

دو گانه تجدد یا تعالی، تسلیم یا مقاومت

نگاهی به تجربه تاریخ معاصر به وضوح نشان می‌دهد که عمده قاتلین به گفتمان تجدد از درگیری با ابرقدرت‌ها و نظام‌های استبدادی و اهمه داشته‌اند. از همین رو به تعبیر داستان «آبا کلاه آبی کلاه» بالای ایوانی به کلی کنار ایستاده‌اند تا مبادا گردی بر قبای شاهانه‌شان بنشیند....

۱- باور به ظرفیت‌های خودی و یا احساس ناتوانی و حقارت: دو نقطه باور به توانمندی ظرفیت‌های داخلی اعم از نرم افزاری و سخت افزاری و در نتیجه اتخاذ رویکرد فعال در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب؛ عدم باور به این ظرفیت‌ها و احساس تحقیر در مقابل فرهنگ و تمدن غربی دو نقطه کانونی در شکل‌گیری گفتمان‌های تعالی و تجدد اند. علاوه بر سخنانی که به کرات از سوی روشنفکران غربزده مطرح شده است، سخنان سرلشگر رزم آرا که در جریان ملی شدن صنعت نفت در مجلس شانزدهم مطرح شد به وضوح دلالت بر این موضوع دارد. وی در این باره می‌گوید:

«ما لیاقت «لوله‌نگ سازی» هم نداریم. ۵۰ سال است که آن را می‌سازیم ولی ترقی نکرده‌ایم ما چطور می‌توانیم خودمان صنعت نفتمان را اداره کنیم؟ اگر این کارهای عوام فریبانه ادامه پیدا کند من ناچار می‌شوم که مسجد شاه را توی سر کاشانی و مجلس را توی سر اقلیت خراب کنم.»

سید حسن تقی‌زاده تجویز می‌کرد که ایرانی باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شود و علی‌اکبر داور در یادداشت‌های روزانه خود با طرح این سوال خوار کننده که «راه آدم کردن ایرانی چیست؟» بیان می‌دارد که این سوال «یک جواب دارد و بس: زور». تیمورتاش نیز بر «کوبیدن کله‌های مخالفین نیات مقدس قائد ملی [رضاخان]» با «مشت‌های متحد تجدد خواه» تأکید می‌کند.

لذا برخی از صاحب‌نظران که برای توصیف حکومت رضاشاه از اصطلاح «تجدد آمرانه» استفاده کرده‌اند، پیش فرض اساسی این الگو را این نکته می‌دانند که توده مردم به واسطه جهل و نادانی، مصالح و منافع خود را و شیوه‌های رسیدن به آن را نمی‌دانند، لذا ضروری است که نخبگان ترقی خواه، آنان را در مسیر تجدد و پیشرفت هدایت کنند. و در این فرآیند هر جا که اهداف و برنامه‌های ترقی خواهانه دولت و نخبگان سیاسی با خواست و اراده مردم مغایرت داشته باشند، کاربرد زور و اجبار برای پیشبرد این اهداف و برنامه‌ها مشروعیت پیدا می‌کند.

در نقطه مقابل، نگاه به این بیان امام راحل (ره) به خوبی تفاوت دو گفتمان را نشان می‌دهد:

«ما از اروپائیان چنان وحشت کردیم که یکسره خود را باخته و علوم می‌دانستیم که خود در او تخصص داریم و اروپائیان تا هزار سال دیگر نیز به او نرسند به سستی تلقی می‌کنیم. کسی که منطق الشفاء و حکمه الاشراف و حکمت متعالیه صدرای شیرازی دارد، به منطق و

جنگ‌های ایران و روس و شکست ایران از روسیه، سرآغاز جدی در طرح سؤالی عمیق و پایا در ذهن ایرانی گردید. آن سؤال این بود: «چرا ما عقب مانده ایم و آنها ترقی کرده‌اند؟» این شکست‌ها نقطه عزیمتی برای تغییرات جدی در ایران معاصر گردید. در پاسخ به این سوال و ارائه نسخه شفابخش، دیدگاه‌های متعددی مطرح شد. در یک دسته بندی همه این دیدگاه‌ها را در دو دسته گفتمان «تجدد و تسلیم» و «تعالی و مقاومت» جای داد. دسته بندی ای که هر دو گروه از انتساب آن به خود راضی هستند.

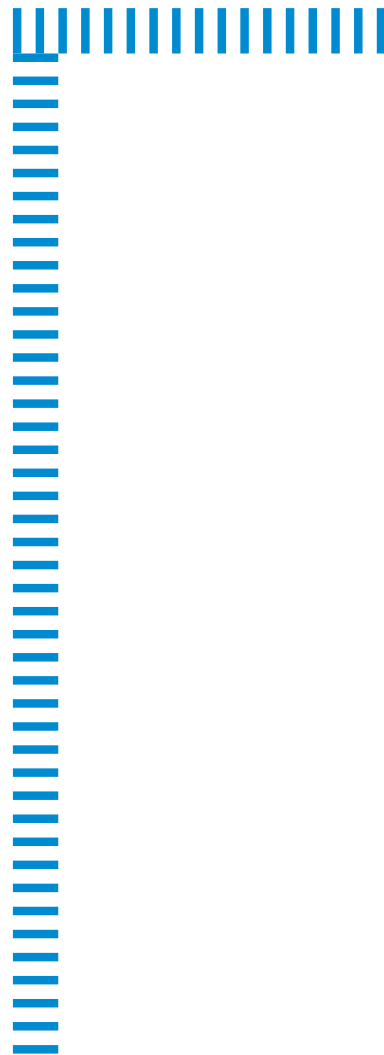
در دیدگاه تجدد و تسلیم، با یک نگاه خطی تنها راه توسعه منحصر در غربی شدن است و برای توسعه، چاره‌ای جز تشبه به غرب از فرق سر تا نوک پا وجود ندارد. افرادی نظیر آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، ملک‌خان، تقی‌زاده، علی‌اکبر داور از اولین مدعیان این دسته اند.

به عنوان نمونه، میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله (۱۳۲۶-۱۲۴۹) «گرسنگی نوکر»، «تعدی حکام»، «ذلت رعیت»، «هرج و مرج دستگاه دیوان» که همه آنها از «آفتاب آشکارتر» است، راه علاج را مراجعه به علم غربی می‌داند. ملک‌خان معتقد است که ایران برای ترقی و پیشرفت خود باید الگوی تمدن غرب را سرمشق خود قرار دهد و هیچ گونه دخل و تصرفی نیز در آن به وجود نیآورد.

در نقطه مقابل گفتمان تعالی و مقاومت قرار داشت که معتقد بود نسخه پیشرفت می‌باید درون‌زا و برگرفته از قرآن و سنت و متناسب با شرایط می‌باشد و در این راه می‌باید ایستاد. در این زمینه می‌توان از علمایی چون مرحوم نائینی، شیخ فضل‌الله نوری، سیدعبدالحسین لاری، مدرس، امام خمینی (ره) نام برد. به عنوان نمونه شیخ فضل‌الله در یکی از نامه‌های خود به علماء بلاد در این خصوص می‌نویسد:

«... دین اسلام، دنیا را به عدل و شوری گرفت آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما را از پاریس برسد و نسخه شورای ما را از انگلیس بیاید...»

سوال اصلی این است که نقطه عزیمت و شکل‌گیری دو گفتمان مذکور چیست؟ به عبارت دیگر چه دلایل محوری موجب می‌گردد تا جمعی ذیل گفتمان تجدد و جمع دیگر ذیل گفتمان تعالی قرار گیرند؟ مرور تجربه تاریخ معاصر به وضوح نشان می‌دهد که دو پاسخ عمده در بیان چرایی این وقوع این دسته بنده ارائه نمود، البته دلایل فرعی دیگری از همین محورهای اصلی بدست می‌آید:



عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می توانیم. اول هر چیزی این باور است که ما می توانیم این کار را انجام بدهیم. وقتی این باور آمد، اراده می کنیم. وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد، همه به کار و می ایستند، دنبال کار می روند. ... یک ملت وقتی یک چیزی را بخواهد، این خواهد شد.

حکمت اروپا چه احتیاج دارد؟

ایشان در جای دیگری می فرمایند:

«عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می توانیم. اول هر چیزی این باور است که ما می توانیم این کار را انجام بدهیم. وقتی این باور آمد، اراده می کنیم. وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد، همه به کار و می ایستند، دنبال کار می روند. ... یک ملت وقتی یک چیزی را بخواهد، این خواهد شد. ... آن ممالکی که توانستند مثل ژاپن، ژاپن خوب اول چیزی نبود، کوشش کردند تا اینکه حالا با آمریکا مقابله می کند بسیار از چیزهای او در آمریکا به فروش می رسد. خوب یک امر نشدنی را شدنی کردند. یا هندوستان که الان پیش رفته است، برای این است که این فکر را در خودش پیش آورده است که ما نباید وابسته باشیم»

بر این اساس، گفتمان تجدد و تعالی از این نقطه محوری، حرکت خود را آغاز می کنند. به عبارت دیگر اصل خودباوری و اعتماد به نفس و یا احساس حقارت خود را در طراحی مدل پیشنهادی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... نشان می دهد.

از منظر قرآن کریم نیز، سیر اطاعت مردم از طاغوتی چون فرعون در همین احساس حقارتی است که در آنها وجود داشت. خداوند متعال در قرآن کریم آنجا که داستان فرعون و تبعیت مردم از وی را بیان می دارد به همین حقیقت کلیدی اشاره داشته و در سوره

زخرف آیه ۵۴ می فرماید:

«فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»

پس او قوم خود را سبک مغز گردانید در نتیجه اطاعتش کردند، مسلماً آنها مردمی نافرمان بودند.

حضرت رسول صلوات ... علیه و آله درباره بنی اسرائیل، به مذمت تقلید ناشی از احساس کم بینی و حقارت در مقابل بت پرستان می پردازد و نهیب می زند که:

«حَتَّى لَوْ دَخَلُوا جَحْرَ حَبْ لَدَخَلْتُمُوهُ»

اگر آنها وارد سوراخ سوسماری شده باشند، شما نیز وارد خواهید شد!

۲- آزادی و یا بندگی

دوگانه دومی که بیشترین تأثیر را در شکل دهی و پیگیری دو گفتمان تجدد و یا تعالی دارد، دوگانه آزادی و یا بندگی است. نگاهی به تجربه تاریخ معاصر به وضوح نشان می دهد که عمده قائلین به گفتمان تجدد از درگیری با ابرقدرت ها و نظام های استبدادی و همه داشته اند. از همین رو به تعبیر داستان «آ بسا کلاه آ بسی کلاه» بالای ایوانی به کلی کنار ایستاده اند تا مبادا گردی بر قباى شاهانه شان بنشیند. در مقابل، تاریخ معاصر مشحون از ایستادگی و جانفشانی طرفداران گفتمان تعالی و مقاومت، در مقابل استبداد و استکبار است. بی شک از جمله علل این امر جز باور به حقانیت آنچه در نزد خود داشتند، می توان به روحیه آزادی و شجاعت آنها در مقابل ترس و وادادگی طرف مقابل اشاره کرد.

خداوند متعال در سوره مبارکه احزاب دو صف

بندی را به همین دو دلیل طرح می نماید. عده ای در مقابل کفار و مشرکین از ترس قالب تهی می کنند و عده ای دیگر همین هجمه ها و صحنه ها را آزمایش الهی می دانند.

«إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا» احزاب ۱۰

(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید.

«وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيسِقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» احزاب ۱۳

(و نیز) به خاطر آورد زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه های خود بازگردید!» و گروهی از انسان از پیامبر اجازه بازگشت می خواستند و می گفتند: «خانه های ما بی حفاظ است»، در حالی که بی حفاظ نبود؛ آنها فقط می خواستند (از جنگ) فرار کنند.

«وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» احزاب ۲۲

(اما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

خداوند متعال در آیات بعدی آینده و سربلندی را از آن مؤمنان می داند که علی رغم سختی ها، در راه حق صبوری می کنند. آنجا که

در سوره مبارکه اعراف آیه ۹۶ می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» اعراف ۹۶

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم

و نیز در سوره مبارکه جن آیه ۱۶ می فرماید:

«وَأَلُو اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»

و این که اگر به آن روش پایدار بودند هر آینه از آب فراوان ایشان را سیراب می کردیم آری بندگی دنیا و دلبستگی به زخارف آن باعث می گردد که انسان از ترس از دست دادن آنها و یا به طمع به دست آوردن آنها، پا روی حق بگذارد و در مقابل جبهه باطل سر تعظیم فرود آورد.

بر اساس آنچه به اجمال گفته شد ترکیب باور به حقانیت و توانمندی داخلی و شجاعت و ایستادگی، گفتمان تعالی و مقاومت را موجب می گردد و احساس حقارت و طلب کردن آنچه خود داریم از بیگانه و ترس از هیمنه پوشالی دشمنان، به گفتمان تجدد و سازش منجر می گردد.





مجید بذرافکن

تحلیلی بر قدرت تشخیص و سرمایه اجتماعی جلیلی برای مدیریت کشور

یکی از نکاتی که کارشناسان تأکید می‌کنند، تحریم‌های اعلامی و عملیات روانی‌ای در نسبت به حجم و میزان اثرگذاری تحریم‌های اعلامی غیرواقعی و اغراق‌آمیز است. لذا کسی که می‌خواهد در مقابل زیاده‌خواهی طرف مقابل غربی بایستد نباید در منشأ مشکلات فعلی دچار اشتباه شود.

دیپلماتیک خود را صورت‌بندی کند. اما در نهایت ایمان به قدرت سپاه اسلام و ضعف حقیقی لشکر کفر و شیطان از جایگاه مهم‌تری برخوردار است.

۴. همان‌طور که دکتر جلیلی در سخنانش اشاره کرده است، قدرت واقعی جمهوری اسلامی ایران، ناشی از قدرت ملت ایران است. این قدرت ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است. البته این قدرت با یک ایمان محکم به حکومت جمهوری اسلامی الصاق شده و با به تعبیر بهتر جمهوری اسلامی برخاسته از این اعتماد است. دشمن در طول این ۳۵ سال استراتژی‌های متعددی را برای ساقط کردن جمهوری اسلامی به کار گرفته است، که همگی به شکست انجامیده‌اند. البته هیچ‌گاه ناامید نشده است ولی امروز بیشترین تمرکز خود را بر همین علاقه و تعصب ملت ایران در دفاع از نظام و حکومت خویش قرار داده و می‌خواهد بین ملت و دولت ایران جدایی ایجاد کند. پس کسی که می‌خواهد نمایندگی ملت شجاع و مقاوم ایرانی را در آوردگاه سخت و پیچیده مذاکره با شش قدرت برتر جهانی داشته باشد، باید از عمق این اتحاد و یکپارچگی باخبر بوده و او نیز ایمانی متصلب و قاطعی نسبت به قدرت ملت ایران داشته باشد. چرا که ملت ایران علاوه بر آن‌که می‌خواهد از حق خود دفاع کند می‌خواهد با ضربه به استکبار جهانی تقاص جنایاتی و ظلم‌هایی که در به ناحق بر او وارد شده را نیز بگیرد.

توانمندی هسته‌ای صلح‌آمیز ایران از زمانی که دکتر جلیلی هدایت پرونده مذاکرات هسته‌ای را به عهده داشته‌اند گرفته، روز به روز پیشرفت بیشتری در داخل داشته است. هزاران سانتیفریوژ ایرانی سال‌هاست در حال غنی‌سازی هستند، نسل‌های جدید و پیشرفته‌تر این دستگاه‌ها نیز وارد زنجیره شده‌اند. معادن جدیدی از ذخایر اورانیوم نیز در داخل کشورمان مسیر بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

در خسار نیز هیچ‌گونه امتیازدهی غیرضابطه‌مند و بدون مابه‌ازایی صورت نگرفت ولی از سوی دیگر، کل توان و تجربه دیپلماتیک غرب در به بن بست کشیدن مذاکرات در برابر طراحی‌های عالمانه و حکیمانه تیم مذاکره‌کننده ایرانی به شکست انجامیده است. به عنوان مثال در آخرین دور مذاکرات هسته‌ای آلمانی ۲، بعد از چهار دور مذاکره فشرده، مسئول هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا، می‌بایست بعد از بررسی و جمع‌بندی مجدد مذاکرات، جواب مقتضی را به صورت تلفنی به طرف ایرانی ارائه کند. هر چند رسانه‌ها و اظهارات غیرکارشناسی‌شان، توپ را در زمین ایران، برشمرده باشند.

نسبت به حجم و میزان اثرگذاری تحریم‌های اعلامی غیرواقعی و اغراق‌آمیز است. لذا کسی که می‌خواهد در مقابل زیاده‌خواهی طرف مقابل غربی بایستد نباید در منشأ مشکلات فعلی دچار اشتباه شود. این سطح شناخت، جز با درک دقیق سازوکار تحریم‌های دشمن و چارچوب‌های اقتصادی کشور بدست نمی‌آید. مضافاً اینکه باید شناخت کافی نسبت به ظرفیت‌های اقتصادی و زیرساخت‌های سیاسی-اقتصادی-حقوقی موجود جهان داشته باشد تا از احتمال و امکان حملات بیشتر یا کمتر بعدی دشمنان درک درستی داشته باشد.

۲. قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه موجب شده، آمریکا و متحدان غربی و عربی‌اش در هر نقطه‌ای که به دنبال منافع خود طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلندمدتی انجام داده‌اند با دست قدرتمند ایران انقلابی مواجه شده‌اند که نه توان انکار آن را دارند و نه توان مهار آن را در خود می‌بینند. تبعاً مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران نیز می‌بایست نسبت به جزئیات این قدرت و روش‌های بهره‌برداری از آن متفطن باشد و از سوی دیگر اطلاع دقیقی از نقاطی که دشمن از آن ضربه خورده، داشته باشد. البته این شناخت دو پایه، منشأ گرفته از اعتقاد به آرمان‌های انقلاب اسلامی است، والا کسانی که به دنبال ارزش‌های لیبرالیستی و دموکراتیک غربی هستند، عمق قدرت استراتژیک جمهوری اسلامی را در قلب ملت‌ها نمی‌دانند. بلکه آن را در اعداد و ارقام تولید ناخالص ملی و تعداد توپ و موشک می‌شمارند.

۳. اتهام تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای موجب شده، تا آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در انتظار بین‌المللی خود را در داشتن حق حمله نظامی پیش‌دستانه به جمهوری اسلامی ایران محق بدانند. هر از چندی نیز بر طبل جنگ کوبیده و با کمک امپراتوری رسانه‌ای خود احتمال آن را جدی و قریب الوقوع بشمارند. این سخنان در سطح یک جنگ روانی و عملیات رسانه‌ای یک ارزیابی دارد ولی در سطح مسئولین و مدیران مسئول این حوزه بنا به حکم عقل نیز یک حکم دارند. مدیران امنیتی و نظامی کشور قطعاً باید در باب امکان حمله نظامی به ایران و سناریوهایی محتمل مورد بررسی و طراحی متقابل قرار گیرند. آقای دکتر جلیلی هم به عنوان دبیرشورای عالی امنیت ملی هم به عنوان کسی که باید با میزان قدرت نظامی دو ضلع از اضلاع ۱۵ یعنی آمریکا و انگلیس و آخرین وضعیت استقرار آنها آشنا باشد تا با کمک شناختی که از توانمندی نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از سپاه و ارتش دارد در این زمینه برنامه‌ریزی

صحنه مذاکرات دیپلماتیک کشورها به دلایل مختلف معمولاً به صورت محرمانه باقی مانده و عموم مردم از جزئیات آن اطلاعی نخواهند داشت. البته سخنگویان و یا خود مذاکره‌کنندگان در نشست خبری نتایج و مختصری از آن چه لازم می‌بینند را بازگو می‌کنند. اما مهم‌تر از آن‌که چه سخنانی در جلسه رد و بدل می‌شود و چه اتفاقی در اثنای مذاکرات رخ می‌دهد، توجه به نکته مهم بنیای مذاکره دو جانبه است. قدرت، هر طرف میز گفتگو مبتنی بر توان و قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، جمعیتی و ...، بسته به موضوع، خواستار برآمدن مطالباتشان از طرف مقابل هستند. عقد یک قرارداد تجاری، تعیین یک خط مرزی تا مشخص شدن چارچوب تعاملی کلان در مسائل سیاسی و اقتصادی بین دو کشور و یا چند کشور همگی بر اساس میزان توانایی کشورها رقم می‌خورند. لذا کسانی که به نمایندگی از ملت‌ها وارد صحنه گفتگوهای دیپلماتیک می‌شوند باید بیشترین شناخت را از میزان قدرت و مؤونه خود داشته باشند. تا از سوی در رقابت بیشینه کردن منافع دولت و ملت خود کوتاهی نکنند و از سوی دیگر نباید در بلندپروازی‌های غیرمنطقی موجبات در دسر کشور خود را فراهم کنند.

مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. آن کسی که در صحنه مذاکرات حاضر می‌شود باید یک شناخت جامع و کامل از قدرت اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و از همه مهم‌تر قدرت مردمی یا قدرت نرم کشور خود داشته باشد. بدون آن که نیاز باشد تا از اسرار و اطلاعات پشت پرده استفاده شود، می‌توان در برخی گزاره‌ها را در مورد دکتر سعید جلیلی پیش‌فرض انگاشت.

۱. با توجه به آن‌که آمریکا و اذنا بیش مهم‌ترین اهرم فشار ملموس و محسوس را در حیطه مسائل اقتصادی حیاتی متمرکز کرده‌اند، دکتر سعید جلیلی اولاً باید نسبت به نقاطی که توسط حمله اقتصادی دشمن هدف قرار گرفته‌اند کاملاً آگاه و مسلط باشد، از خسارات وارد اطلاع داشته باشد، ثانیاً از سقف قدرت باقی‌مانده دشمن نیز اطلاع کافی داشته باشد و ثالثاً توان تحمل و استقامت وضعیت اقتصادی کشور را به خوبی بشناسد. آمریکایی‌ها با داشتن تسلط بر ابعاد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، گلوگاه‌ها و نقاط ضعفی را شناسایی کرده‌اند و با تمرکز مدیریتی و رسانه‌ای و اطلاعاتی بر آنها سعی دارند، تا اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را فلج کنند. البته در این مسیر توفیقاتی را نیز داشته‌اند. یکی از نکاتی که کارشناسان تأکید می‌کنند، تحریم‌های اعلامی و عملیات روانی‌ای در



حجت الاسلام
سید جلال غمامی

چرا اداره دبیرخانه، مدیریتی اجرایی و سنگین محسوب می شود؟

اداره دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به مثابه اداره چند وزارتخانه‌ی حاکمیتی

ج - مشخص نمودن سیاست‌های عام امنیت داخلی کشور در چهارچوب قوانین مصوبه.

د - تبیین حدود وظایف و اختیارات هر یک از ارگانها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور در چهارچوب وظایف قانونی آنها.

ه- پیگیری و ارزیابی نتایج حاصله از اجراء تصمیمات متخذ در شورا.

و - هم‌آهنگ نمودن موارد مشترک با شورای عالی دفاع. [۳] - مصادیق معین مقامات سیاسی را مساده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری معین کرده است. با این وجود این مقامات اصولاً مقاماتی هستند که در قوه مجریه عمل می‌کنند. [۴] - ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری «امور حاکمیتی» را چنین تعریف می‌کند: «امور حاکمیتی: آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.

الف - سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.

ب - برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد. ج - ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم.

د - فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری.

ه - قانونگذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضائی.

و - حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و دفاع ملی.

ز - ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی، اسلامی.

ح - اداره امور داخلی، مالیه عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی.

ط - حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.

ی - تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی و مدیریت فضای فرکانس کشور.

ک - ارتقاء بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماریها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحرانهای عمومی.

ل - بخشی از امور مندرج در مواد (۹)، (۱۰) و (۱۱) این قانون نظیر موارد مذکور در اصول بیست و نهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی که انجام آن توسط بخش خصوصی و تعاونی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی با تأیید هیأت‌وزیران امکانپذیر نمی‌باشد.

م - سایر مواردی که با رعایت سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری به‌موجب قانون اساسی در قوانین عادی جزء این امور قرار می‌گیرد.»

ساماندهی، هماهنگی و اجرا بر عهده‌ی نهادی است که تحت اداره‌ی نماینده‌ی مقام رهبری که عضو شورا نیز می‌باشد در قالب نهاد «دبیرخانه» سازماندهی می‌گردد. دبیرخانه شورا از این جهت که در ارتباط دائمی با تمامی نهادهای حاکمیتی [۴] کشور است و آنها را در جهت اخذ و اجرای تصمیمات لازم‌الرعایه‌ی شورا برنامه‌ریزی می‌کند از هر دستگاه اجرایی دیگر متمایز است. گرچه جایگاه واقعی این نهاد با توجه به آنکه هدایت سیاست‌های کلان خارجی و بطور خاص مسئله‌ی مدیریت گذار از تحریم‌های جامع و انجام مذاکرات هسته‌ای بر عهده‌ی آن می‌باشد نه در داخل کشور بلکه در عرصه‌ی بین‌المللی بیشتر شناخته شده است. به این ترتیب دبیرخانه و مدیریت آن، شامل هدایت اجرایی حجم سنگینی از مجموع اختیارات تقنینی و عملیاتی حاکمیتی است که اقتدار و آتیه کشور به آن گره می‌خورد. به همین دلیل در تمامی کشورها جایگاه شورای عالی امنیت ملی در آنها بستگی به کارایی دبیرخانه‌ی آن دارد که توسط یک مدیر عالی‌رتبه‌ی کشوری تمثیت می‌گردد. این مدیر عملاً بر سایر مدیریت‌های حاکمیتی کشور اعم از وزراتی کشور، خارجه، اطلاعات، اقتصاد و دیگران، دارای تفوق حقوقی است. چرا که پایدار نظام سیاسی کشور، مجموعه‌ی این صلاحیت‌های متنوع و مبسوط را برای این منصب معین اقتضاء می‌کند. و تجربه‌ی تصدی آن، تجربه‌ی از مدیریت است که مستلزم اشراف گسترده به اطلاعات و کارکرد دهها دستگاه و نهاد حاکمیتی داخلی (ملی و استانی) و بین‌المللی بوده و تعامل و هدایت آنها را مبتنی بر برنامه ریزی دقیق لازم دارد. و این همان دو شرطی است که اصل (۱۱۵) قانون اساسی بر لزوم احراز آن‌ها برای تصدی مقام دومی کشور تأکید نموده یعنی مدیر و مدبر بودن.

[۱] - اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

[۲] - این دو شورا هم اکنون از شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی هستند. در خصوص شورای عالی دفاع قانون خاصی وجود ندارد ولی از سال ۱۳۳۲ با توجه به اهمیت امنیت داخلی و فعالیت گروه‌های تروریستی و خرابکار در کشور، قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور تصویب شده و تمامی شوراهای تأمین استان و هرستان را ذیل این شورا تعریف کرده است. ماده (۱) قانون مذکور مقرر می‌کند: «به منظور بررسی جریانات و پیش‌آمدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به آن شورای امنیت به مسئولیت وزیر کشور عهده‌دار وظایف زیر خواهد بود:

الف - جمع‌بندی و بررسی اخبار و گزارشات و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به وقایع حساس امنیتی - سیاسی - اجتماعی کشور جهت بهره‌برداری سریع به منظور ترسیم وضع موجود و پیش‌بینی تحولات آنی.

ب - برقراری ارتباط با شورای تأمین استانها و دریافت گزارشات نوبه‌ای از وضع امنیتی، سیاسی، اجتماعی هر استان.

آیا دبیر شورای عالی امنیت ملی توانایی مدیریت کلان کشور را دارد؟، آیا مفهوم مدیریت در اصل (۱۱۵) قانون اساسی [۱] برای مدیریتی که وی انجام می‌دهد قابل تطبیق و تصدیق است؟، آیا دبیر شورای عالی امنیت ملی با حجم مسائل اجرایی کشور آشنا است؟ و نهایتاً آیا اداره دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی یک کار اجرایی سنگین ملی محسوب می‌شود؟

پاسخ به این سوالات ایجاب می‌کند که مقدمه‌ای از شناخت در خصوص شورای عالی امنیت ملی را داشته باشیم. بر اساس اصل (۱۷۶) الحاقی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۳۸، شورای عالی امنیت ملی از ادغام شورای دفاع و شورای امنیت کشور [۲] (و به تبع آن تمامی شوراهای تأمین استان و شهرستان) ایجاد شد تا هم وظیفه استقرار امنیت داخلی و هم صیانت از استقلال بین‌المللی کشور را مجموعاً در بصورت متمرکز بر عهده دارد. این شورا به جهت ترکیب و کارکردی که دارد از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. بویژه آنکه عملکرد آن با همکاری دو مقام اول کشور (رئیس جمهور و رهبری) صورت می‌گیرد. اعضای شورای عالی امنیت ملی که تحت ریاست رئیس جمهور تشکیل جلسه می‌دهند عبارتند از:

- رؤسای قوای سه گانه
- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح
- مسئول امور برنامه و بودجه (معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور)
- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری
- وزیر امور خارجه
- وزیر کشور
- وزیر اطلاعات
- حسب مورد وزیر مربوط
- عالیترین مقام ارتش و سپاه.

این ترکیب نشان می‌دهد که این شورا از چه اهمیتی برخوردار است و عضویت در آن چه سطحی از «مقام بودن» [۳] در کشور کسب می‌کند. علی‌الخصوص آنکه مصوبات این ساختار که تحت اداره رئیس جمهور تشکیل جلسه می‌دهند در فرآیندی خارج از طی مراحل قانونگذاری و بر اساس تأیید رئیس کشور یعنی مقام رهبری لازم‌الاتباع می‌گردد و همه نهادهای و اشخاص موضوع حکم در هر سطحی که باشند ملزم به رعایت مفاد تصمیم هستند. در نتیجه این شورا در اموری که از کارکردهای آن به شرح زیر قابل درک است همانند یک پارلمان امنیتی عمل می‌کند:

۱. تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.
۲. هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.
۳. بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

مجموع این کارکردها نشان می‌دهد که شورا هم مرجع سیاستگذاری، هم مرجع هماهنگی و هم یک نهاد اجرایی اقتضائی است. به عبارت دیگر نهادی که وضع و اجرای قاعده‌ها را توانمند بر عهده دارد. با این وجود منظور از شورا در اینجا ترکیب مذکور نیست چرا که بدنه‌ی کارشناسی،

تحول در دانشگاه‌ها با گفتمان دانش - حکمت جلیلی



وی ادامه داد: پس باید از دانش محوری به بینش محوری تغییر وضعیت داده شود. آموزش و پرورش باید گذشته ما را به آینده ما ببرد ولی الآن انقطاع رخ داده است، بر عکس حوزه که این کار را کرد تا نسل آینده ما را بسازیم. در کنار رسانه‌ها که باعث انقطاع نسلی و بحران هویت در جامعه می‌شوند باید بتوانیم نسل گذشته را به آینده ببریم دکتر ابراهیم فیاض، نماینده سعید جلیلی نیز در بیان راهکارهای اصلاحی در نظام آموزش و پرورش کشور گفت: کشوری مثل ما که کشور بزرگی است، اگر پل میان گذشته و آینده را ایجاد نکند همیشه دچار بحران می‌شود که الآن شاهد آن هستیم. محور اصلی بزرگی ایرانیان، فرزندی و حکمت محوری بوده است و آن چارچوب کلان که باید مطابق آن اصلاحات انجام شود، حکمت محوری است.

دانش‌های ما باید به حکمت تبدیل شود که از آموزش و پرورش شروع می‌شود و اگر این چارچوب نباشد کشور دچار بحران شده و امید به

دکتر ابراهیم فیاض استاد دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه تهران به عنوان نماینده آموزش و پرورش و آموزش عالی نماینده ی دکتر جلیلی در برنامه تریا حضور داشت، نکاتی مهم و کاربردی را مطرح نمود. که در این یادداشت مهمترین نکات و مواضع نماینده دکتر جلیلی مطرح می‌شود: هیچ کشوری نیروی بالاتر از معلمش ندارد. در آموزش و پرورش اصل نیروی انسانی است. در بحث آموزش در احادیث استاد محوری تاکید شده است و در حوزه‌های علمیه هم آموزش محوری داشتیم و آموزش حول آن شکل می‌گرفته است. آموزش و پرورش نقطه امید و ترسیم آینده است. در آموزش و پرورش هم آموزش وجود دارد، یعنی دانش محور است و هم پرورش موجود است یعنی بینش محور است اما آموزش و پرورش ما بیش از اندازه دانش محور بوده و نه بینش محور و خلاقیت در آن وجود ندارد. بچه‌ها خسته هستند چون بینش دادن، محور نیست و عاشق دانش نمی‌شود و گویی هنگام ترخیص از مدرسه از زندان آزاد می‌شود.

آموزش و پرورش باید گذشته ما را به آینده ما ببرد ولی الآن انقطاع رخ داده است، بر عکس حوزه که این کار را کرد تا نسل آینده ما را بسازیم. در کنار رسانه‌ها که باعث انقطاع نسلی و بحران هویت در جامعه می‌شوند باید بتوانیم نسل گذشته را به آینده ببریم

اقتصاد آموزش و پرورش مشکل دارد و سطح حقوق در آموزش و پرورش پایین است. باید اقتصاد آموزش و پرورش را در خودش حل کرد با این کلی پول که دارد و در دست معلمین است باید یک نهاد اقتصادی از خود آموزش و پرورش تشکیل شود.

آینده نیز از بین می رود. پرورش محوری مهم تر از آموزش است، اما با آموزش از همان ابتدا بچه ها را خسته می کنیم. اصل بر پرورش است که اگر انجام شد، آموزش هم ایجاد می شود یعنی بینش بدهیم دانش هم می آید. آموزش و پرورش باید مهارت محور شود که اگر این اتفاق رخ دهد دانش آموز و معلم هر دو لذت می برند و خلاقیت محور می شویم. اگر ۱۲ سال دوره آموزش و پرورش است باید ۶ سال اول آموزش عمومی و ۶ سال دوم آموزش تخصصی داده شود. باید دانش آموزان و اولیای خود دروس را انتخاب کنند تا خلاقیت نیز به وجود آید. آموزش هنر نیز مهم است و یک بحث فانتزی نیست و نقش محوری در بینش محوری و خلاقیت دارد. اقتصاد آموزش و پرورش مشکل دارد و سطح حقوق در آموزش و پرورش پایین است. باید اقتصاد آموزش و پرورش را در خودش حل کرد با این کلی پول که دارد و در دست معلمین است باید یک نهاد اقتصادی از خود آموزش و پرورش تشکیل شود. همان مشکلاتی که در آموزش و پرورش اشاره شده در آموزش عالی نیز موجود است. یعنی همان حافظه پروری و بدون خلاقیت بودن و حفظ کردن ها وجود دارد. اما دانشگاه شوخی ندارد زیرا دانشگاه انتهای خط است و فرصت اصلاح نیست. دانشگاه حکمت بنیان، اساس دانشگاه ما بوده است. از دوران قدیم دانشگاه جندی شاپور تا نظامیه را داشته ایم، حتی پزشکی را نیز در حکمت دیده ایم. دانشگاه اسلامی آن است که فارابی و ابن سینا بیرون میدهد. دانشگاه رو به آینده است و رو به گذشته نیست. باید بتوان دانش جهانی را از جهان بگیرد و بومی کند و از همه دانش های بشری استفاده کند از چارچوب دانش و جهانی به بینش جهانی برسد. دانشگاه باید بتواند بر اساس این دانش چارچوب تئوریک کلان و بعد از آن راهبرد و برنامه بیرون بیاورد. دانشگاه ما باید تئوری ها و

راهبردهای جهانی ارائه دهد. باید محلی فکر کنیم و جهانی عمل کنیم باید دانشگاه های تخصصی جهانی داشته باشیم. ما باید محلی فکر کنیم و جهانی عمل کنیم که متاسفانه برعکس به ما گفته اند. به عنوان مثال کشور ما ۱۰۰ سال است نفت دارد اما رشته اقتصاد نفت ندارد با اینکه کشور ما روی نفت بنا شده است. این همه دریا و کویر و کوه داریم اما رشته تخصصی آنها را نداریم. نباید بیهوده درس بخوانیم. در کشور ما اقتصاد کلان تدریس می شود اما در ژاپن که یک کشور پیشرفته است اقتصاد کلان تدریس نمی شود اما اقتصاد تویوتا دارد. الان دانشگاه ها و رشته های بیهوده زیاد داریم. یک سر تئوری واقعیات است و یک سر آن انتزاع است و اگر دانشگاه واقعبین را نبیند نمی تواند تئوری بدهد. متاسفانه وزارت فرهنگ و آموزش عالی را تبدیل کردند به وزارت علوم و تحقیقات و فناوری که یک اسم فنی است و علوم انسانی را حذف و قیف را برعکس کردند. علوم انسانی ضعیف است چون جایگاه ندارد. چون علوم انسانی نداریم کلی مشکل در حوزه صنعت داریم یک آدم فنی را می گذاریم مدیر صنعت در جایی که باید مدیر صنایع باشد. ما در تئوری در تکنیک ها و تکنیک ها همگی به پژوهش نیاز داریم. بیشتر پژوهش های ما را خارجی ها می خوانند و پژوهش ها را نیز مانند منابع خودمان داریم خام صادر می کنیم. در مهمترین کار این است که ثروت دانش و نیروی انسانی را باید با هم ترکیب کنیم گام بعدی دانش و پژوهش ترکیب کنیم تبدیل به فناوری کنیم که مدیریت پژوهش می خواهد که در کشور نداریم. در گام بعدی اگر دانش علوم انسانی باشد این فناوری تبدیل می شود به صنعت و صنعت را تبدیل به اشتغال کنیم. اینها همه تبدیل به ثروت می شود. دانشگاه خود باید اشتغال تعریف کند نه دولت. دانشگاه باید خود اشتغال زایی کند و محصولات خود را بفروشد.

ما باید محلی فکر کنیم
و جهانی عمل کنیم که
متاسفانه برعکس به
ما گفته اند. به عنوان
مثال کشور ما ۱۰۰ سال
است نفت دارد اما رشته
اقتصاد نفت ندارد با
اینکه کشور ما روی نفت
بنا شده است.

دو کوهه قطعه ای از بهشت است...

جلیلی در حسینیه دو کوهه به دانشجویان چه گفت؟

یک گفت‌وگو نمونه و شایسته تبدیل شود و در حد خودمان الگویی برای دوره‌های بعد شود.

آنچه در این انتخابات دنبال می‌کنیم حول دو محور اساسی است؛ محور اول این است که ما بر این باور وارد انتخابات ریاست جمهوری شده‌ایم که اعتقاد داریم گفت‌وگو انقلاب اسلامی که از حضرت امام (ره) به یادگار مانده و گفت‌وگویی که مقام معظم رهبری امروز علمدار آن هستند، برای ششون مختلف جامعه و عرصه حکومت حرف دارد.

محور دوم این است که ما بر این باوریم این گفت‌وگو هر میزان که تحقق و عینیت یابد در مقایسه با گفت‌وگو رقیب موجب تعالی، پیشرفت و خیر دنیا و آخرت می‌شود و این تنها یک باور نیست بلکه یک تجربه واقعی هم هست.

باور ما بر این است که تحقق چنین گفت‌وگویی، می‌تواند حیاتی را به وجود آورد و تجربه ۳۴ سال اخیر نشان داده که هر چه به این باور نزدیک شده‌ایم، حیات تازه یافته ایم و این در سیاست خارجی، مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز این موضوع تجربه شده است.

هنر این است که این باور را باید بر اساس یک موضوع اقتناعی به خوبی تبیین کنیم، اگر این موضوع را با مثال‌های مشخص و شواهد عینی در حوزه‌های مختلف تبیین کنیم تا ظرفیت‌های عمومی اقتناع شود، فارغ از هر نتیجه‌ای خودش یک پیروزی است.

اینکه آیا امروز مقاومت می‌تواند برای کشور پیشرفت به وجود آورد یا مصالحه، چیزی نیست که صرفاً با شعار بلندتر به کرسی بنشیند بلکه باید با رویکرد اقتناعی از گفت‌وگو مقاومت دفاع کرد.

بنده از همه شما که با حسن ظن به برادران نگاه کردید و با احساس مثبت در این عرصه وارد شدید و نگاه تکلیف‌محور نیز دارید تشکر می‌کنم و امیدوارم ما نیز بتوانیم آنچه که امام علی (ع) فرمود را صادقانه در رفتار و کردار خود دنبال کنیم و آنچه انجام می‌دهیم موجب رضای خداوند شود.

دکتر سعید جلیلی کاندیدای اصلاح و نماینده گفت‌وگو انقلاب اسلامی با حضور در حسینیه شهدای دو کوهه، در جمع پرشور اعضای «ستاد دانشجویی» از دلایل خود برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم سخن گفت و تذکرات جدی را به طرفداران خود مبنی بر نحوه عملکردشان در انتخابات را مطرح نمود:

خدایا تو شاهدی که این رقابت برای کسب قدرت و تلاش برای فزون کردن مال و ثروت نیست، بلکه می‌خواهیم نشانه‌های دین تو را برگردانیم و اصلاح را در سرزمین‌های تو ظاهر سازیم، تا بندگان مظلوم تو امنیت پیدا کنند و خطوط معطل مانده تو برپا شود، آنچه گفتیم نه ادعایی از سوی فردی مثل من است بلکه حدیثی از امام متقین علی (ع) است که ایشان رقابت برای خدمت و تلاش سیاسی را در این ۴ محور تعریف می‌کنند.

بدون شک شاید نتوان آنطور که امام علی (ع) فرموده‌اند به قله این حقایق رسید و آن طور که شایسته است، عمل کرد اما تلاش همه ما و شما باید این باشد که چنین نگاهی را سرلوحه کار خود قرار دهیم.

باید تلاش ما در این مسیر این باشد که در حد بضاعت خود الگویی بسازیم که سال‌ها ادعای آن را داشته و شعارش را می‌دادیم، بر همین مبنای تلاش کنیم از این نقاط تخطی نکرده و تا جایی که ممکن است این رفتار را به شکل گفت‌وگو غالب در انتخابات پیش رو درآوریم.

ترویج گفت‌وگو انقلاب را فارغ از هر نتیجه‌ای در انتخابات یک پیروزی سست‌تر میدانم و بر همین اساس به سه نکته اشاره می‌کنم: انتخابات و تبلیغات انتخاباتی برای ما تنها طریقت ندارد بلکه موضوعیت هم دارد و رفتار ما در این زمینه باید نمونه باشد.

اولین گام در تبلیغات انتخاباتی تلغزیدن از آرمان‌ها می‌باشد و بنده به همه شما که با نگاه تکلیف‌مدارانه وارد عرصه شده‌اید، می‌گویم مبادا در مسیری گام بردارید که آخرت خود را به دنیای دیگران بفروشید. از این رو تبلیغات انتخاباتی باید به گونه‌ای باشد که به







مسعود زین العابدین

تمدن سازی، فقط پیمانکاری نیست

پیمانکارها در جای خود بسیار ارزشمند هستند و با روحیه‌ای پرکار و پر تلاش می‌توانند عملکردهای موفق‌تری از خود به یادگار بگذارند اما وقتی در جایگاهی قرار بگیرند که باید پروسه‌ای را مدیریت کنند، ناتوان خواهند بود. به نظر می‌رسد که همه وزرا باپستی بهترین پیمانکاران در حوزه کاری خود باشند ولی رئیس جمهور باید توان درک راهبردی این پروسه را نیز به خوبی داشته باشد و در حقیقت حافظ و نگهدارنده این پروسه در قوه مجریه کشور باشد. وی باید مانیفست فکری روشنی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی داشته، بر اساس ایدئولوژی اسلامی، به کشورداری بپردازد.

مشخصه پیمانکاران این است که همه چیز را یک پروژه می‌پندارند که باید در پاره‌ای از زمان آغاز شود و در پاره‌ای دیگر به پایان رسد. اما این دسته از افراد توان راهبری کلان ندارند و از «نگاه پروسه محور» محروم هستند.

پیمانکارها در جای خود بسیار ارزشمند هستند و با روحیه‌ای پرکار و پر تلاش می‌توانند عملکردهای موفق‌تری از خود به یادگار بگذارند اما وقتی در جایگاهی قرار بگیرند که باید پروسه‌ای را مدیریت کنند، ناتوان خواهند بود. به نظر می‌رسد که همه وزرا باپستی بهترین پیمانکاران در حوزه کاری خود باشند ولی رئیس جمهور باید توان درک راهبردی این پروسه را نیز به خوبی داشته باشد و در حقیقت حافظ و نگهدارنده این پروسه در قوه مجریه کشور باشد. وی باید مانیفست فکری روشنی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی داشته، بر اساس ایدئولوژی اسلامی، به کشورداری بپردازد.

طبق راهبری رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، این پروسه در برهه کنونی، ایجاد و بنای تمدن نوین اسلامی است. این مأموریت، حاکی از این است که رئیس‌جمهور آینده باید کسی باشد که بتواند آرایش بدنه اجرائی کشور را در این راستا بازسازی نموده، در خدمت این هدف قرار دهد.

در این زمینه باید ابتدا تمدنی را که به دنبال ایجاد آن هستیم به خوبی ترسیم نماییم. معمولاً وقتی از تمدن سخن گفته می‌شود تصاویر ساختمان، برج، اهرام ثلاثه و... در ذهن متبادر می‌شود. این مسئله علتی روانشناختی دارد و آن این است که تصویر ذهنی بسیاری از ما در رابطه با تمدن، معطوف به آثار باستانی و ساختمان‌ها، کاخ‌ها و بناهای تاریخی است که به عنوان بقایای

انقلاب اسلامی حرکتی رو به جلو است که تا رسیدن کامل به آرمان‌ها پایان‌یافتنی نیست. بسیار کوتاه‌بین هستند کسانی که فکر می‌کنند انقلاب اسلامی در ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز و در ۲۲ بهمن ۵۷ به پایان رسید. انقلاب اسلامی یک «پروسه» است که از نیم قرن پیش - ۱۵ خرداد ۴۲ - آغاز شده و «پروژه» اسقاط حکومت طاغوتی، تنها یکی از پروژه‌های انقلاب اسلامی بوده است. این پروژه‌ها همچنان ادامه دارند و پروژه‌هایی از قبیل عمران و آبادی، فرهنگ و دانایی، علم و فناوری و... را می‌توان در این زمینه برشمرد.

مدیران انقلابی باپستی در درجه اول توان تمییز، و در درجه دوم قدرت مدیریت توأم پروسه و پروژه‌های انقلاب اسلامی را داشته باشند. البته توجه به این نکته ضروری است که مدیریت پروسه انقلاب اسلامی، صرفاً در اختیار و صلاحیت رهبر معظم انقلاب اسلامی است و وقتی از قدرت مدیریت این پروسه توسط مدیران اجرائی سخن می‌گوییم، منظورمان برخورداری آن‌ها از قدرت هدایت نظام اجرائی کشور با فهم این پروسه و در راستای این پروسه است. هدایت کشتی انقلاب اسلامی توسط رهبری عالیقدر انقلاب صورت می‌گیرد اما بر کسی پوشیده نیست که فرمان این کشتی در دستان رئیس‌جمهور قرار دارد و اگر او در نقشه‌خوانی دچار اشتباه و انحراف شود مزاحمت‌هایی را برای ساکنان این کشتی رقم خواهد زد. هرچند که این انحراف با بصیرت مردم و رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری نخواهد توانست این کشتی را از مسیر اصلی منحرف کند.

پس اگر کسی که در راس قوه اجرائی کشور قرار می‌گیرد، فقط نگاه به پروژه‌ها داشته باشد، صرفاً یک «پیمانکار» خواهد بود.

تمدن‌ها از آن‌ها بازدید کرده‌ایم. اما آیا واقعا تمدن نوین اسلامی مساوی با همین هاست؟ آیا وقتی از تمدن نوین اسلامی سخن می‌گوییم منظورمان آن چیزی است که در دوره خلافت عباسی اتفاق افتاده بود؟ آیا تمدن نوین اسلامی چیزی شبیه به دولت عثمانی است که افرادی مثل اردوغان و داوداوغلو در ترکیه به دنبال احیای آن هستند؟ آیا تمدن نوین اسلامی چیزی شبیه به حکومت صفویه در ایران است؟ یا وقتی از چنین تمدنی سخن می‌گوییم منظورمان ساختن یک ژاپن اسلامی یا مشابه‌سازی مالزی در منطقه خاورمیانه است؟ یا هیچکدام؟

مدل تمدنی ما و پاسخی که به سوالات فوق می‌دهیم حرکت پیش روی ما را مشخص خواهد کرد. اما آنچه که مهم به نظر می‌رسد این مسئله است که کسی که در راس نظام اجرایی کشور قرار می‌گیرد بایستی برخوردار از نگاهی کلان به این پروسه باشد و بتواند پروژه‌های ریزتر را ذیل این پروسه تعریف کند و این نکته‌ی ظریف دقیقا همان چیزی است که نقاط ضعف دولت‌های قبلی را رقم زده است.

دولت‌های پنجم و ششم، خود را با ویرانه‌های ناشی از جنگی ویران‌کننده مواجه دیده، پروژه سازندگی را دنبال کرده‌اند. در آن دوره آنچه که بیشتر از همه اهمیت داشت عبارت بود از ساختن زیرساخت‌هایی برای عمران و آبادانی، اما روشی که برای تحقق این هدف در نظر گرفته شد مدل توسعه‌ای بود که نسبتی با عدالت نداشت و به اذعان تکنوکرات‌های همان دولت‌ها، هیچ اشکالی دیده نمی‌شد که در راه توسعه یافتگی، عده‌ای از اقشار ضعیف جامعه زیر چرخ‌های توسعه له شوند.

دولت‌های هفتم و هشتم نیز وقتی خود را با فضای بسته سیاسی در دولت‌های قبلی مواجه دیدند، با شعارهایی مثل جامعه مدنی، دموکراسی و توسعه سیاسی وارد عرصه شدند و به توسعه سیاسی‌ای دست زدند که هیچ نسبتی با انقلاب اسلامی نداشت و در حقیقت ترویج افراط گرایی و اباحه‌گری در عرصه سیاست و فرهنگ بود.

دولت نهم و دهم با شعارهای متفاوتی ظاهر شد و با طرح گفتن انقلاب اسلامی بر سر کار آمد و در این راه توفیقاتی را نیز به

دست آورد اما این دولت نیز نتوانست در برخی بخش‌ها به خوبی این پروسه را درک کند. به عنوان مثال این دولت نتوانست آنگونه که باید و شاید در حوزه بیداری اسلامی عمل نماید. در برخی بخش‌ها نیز گرفتار همان نگاه پروژه‌محور شد و تمام توان خود را صرف ساخت مسکن، راه، ورزشگاه و... کرد و با وجود اینکه همه این پروژه‌ها بسیار ارزشمند و قابل تحسین بود نتوانست در بخش نرم‌افزاری تمدن‌سازی به خوبی عمل کند و در پایان نیز با برخی حاشیه‌سازی، خود را در معرض انتقاد قرار داد.

آنچه واضح است عبارت از این است که ساختار کنونی دولت، تناسبی با تمدن‌سازی ندارد. به عنوان مثال، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر دستگاه‌های فرهنگی، نه تنها توان مشارکت در تمدن‌سازی ندارند بلکه عملکرد موجود نشان می‌دهد که حتی در رتق و فتق امور جاری فرهنگی نیز ناتوان بوده، نمی‌توانند انرژی مترابلی را که در جامعه فرهنگی و هنری کشور بلوکه شده است، به نفع آرمان‌های انقلابی و اسلامی آزاد سازند. در حوزه اقتصاد نیز ساختارهای اقتصادی موجود دچار اشکالات اساسی بوده، در آزادکردن این انرژی ناتوان است و... پس عدم برخورداری از نگاه پروسه‌ای به حرکت انقلاب اسلامی و صرفا داشتن نگاه پروژه‌ای و پیمانکاری به مقوله‌هایی مثل اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... دقیقا تکرار همان چیزی است که در بیان ضعف دولت‌های قبلی برشمردیم.

این به معنی نظریه‌پرداز بودن رئیس‌جمهور نیست ولی اگر رئیس‌جمهور کشوری که می‌خواهد تمدن‌ساز باشد، از درک این مسائل ناتوان باشد پیمانکاری بیش نخواهد بود و توان حرکت دادن قوه اجرایی کشور به سوی تمدن‌سازی را نخواهد داشت. اگر رئیس‌جمهور فقر ایدئولوژیکی داشته باشد ناخواسته در چاله‌هایی خواهد افتاد که نمونه‌های آن را در سال‌های اخیر مشاهده کرده‌ایم. قرار نیست رئیس‌جمهور یک نظریه‌پرداز باشد اما اگر درک صحیحی از مولفه‌های تمدن‌ساز اسلامی نداشته باشد، دچار اشتباهات اساسی شده، تکنوکراسی را با استفاده از ویدئو کنفرانس اشتباه خواهند گرفت.

اگر رئیس‌جمهور کشوری که می‌خواهد تمدن‌ساز باشد، از درک این مسائل ناتوان باشد پیمانکاری بیش نخواهد بود و توان حرکت دادن قوه اجرایی کشور به سوی تمدن‌سازی را نخواهد داشت.



مهدی تهرانی

دکتر سعید جلیلی کاندیدای متفاوت انتخابات یازدهم است جلیلی پیروزی‌اش را اصل نمی‌داند؛ گفتمان انقلاب را اصل می‌داند

امروز این تکلیف ماست که او را بهتر از قبل بشناسیم و به همه بشناسانیم. امروز این ماییم که آینده خود و کشورمان را رقم خواهیم زد. سکوت ما می‌تواند به بازگشت از آرمان‌های انقلابی و افزایش جرأت دشمن منجر شود و ایستادن ما پشت سر مرد هسته‌ای‌مان قطعاً روی غرب را کم خواهد کرد. ما نباید پشت مرد هسته‌ای‌مان را خالی کنیم. در خصوص جلیلی گفتنی‌ها بسیار است و در این مجال محدود نمی‌کنجد. برخی ویژگی‌های او را اجمالاً می‌توان این‌گونه برشمرد:

دکتر رزاقی، دکتر درخشان، دکتر فیاض، دکتر سعید زیباکلام، وحید جلیلی، دکتر درخشان، دکتر سلیمانی، دکتر زارعی، دکتر میرکاظمی، دکتر عادل پیغامی، دکتر لنکرانی، یوسفعلی میرشکاک، محمدعلی رامین، وحید یامین‌پور، دکتر فؤاد ایزدی، حجت الاسلام احمدعلی یوسفی، دکتر عبدالملکی و... گفتنی است طرح تحول اقتصادی از بستر دانشگاه امام صادق(ع) برخاست و دکتر زاهدی‌وفا و دکتر داوودی از چهره‌های جدی در این صحنه بودند که اشراف کافی به مسائل این طرح و مشکلات کنونی آن دارند. همچنین این دو بزرگوار بر روی طرح تحول نظام بانکداری نیز مطالعات کافی داشته‌اند و طی این سال‌ها پژوهش‌های مرتبط با این حوزه را انجام داده‌اند. دکتر میرکاظمی جمعی از اساتید اقتصادی کشور را از سال‌ها پیش در موسسه‌ای برای تشخیص مسائل اصلی کشور و ارائه راهکار برای این مسائل گرد هم جمع کرده است. وحید جلیلی یک چهره فعال فرهنگی به شمار می‌آید که تجربه برگزاری جشنواره عمار را یز در کارنامه دارد و تلاش‌هایش در حوزه فرهنگی مورد تجلیلی رهبرانقلاب قرار گرفته است و... در واقع بسیاری از چهره‌هایی که گرد سعید جلیلی حلقه زده‌اند خودشان در حد یک کاندیدای انتخاباتی اند!

۲- اشراف سعید جلیلی به مسائل کشور به جهت درگیر بودن با دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مختلف در حوزه‌های متنوع فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... در شورای عالی امنیت ملی. توضیح اجمالی آنکه در زمان ایشان شورای عالی امنیت ملی کمی فراتر از گذشته عمل کرد و در موضوعاتی نظیر فتنه، کنترل تحریم‌ها و... مسئولیت‌هایی کلیدی و محوری را عهده‌دار شد. اقتضای این مسئولیت‌ها جلسه گذاشتن با دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مختلف و مدیریت فضای کشور در حوزه مربوطه بود. این ورود ایشان در موضوعات مختلف موجب شکل‌گیری نوعی اشراف به مسائل گوناگون کشور شده است. به عنوان مثال با جدی شدن مسئله ارز و فساد بانکی ایشان پیگیر این مسائل بود و اکنون اشراف خیلی

رنگ و بویی مردمی و خاکی دارد. مردم را می‌فهمد. برای جلب آراء ژست‌ها و حرف‌هایش عوض نشده؛ همان است که بود؛ همان مرد انقلابی که روزی به جبهه رفت و یک پایش را جا گذاشت و امروز بیش از آنکه مرد حرف باشد مرد عمل است. مرد ادعا نیست؛ مرد تدبیر است. در شورای عالی امنیت ملی پیچ و خم مسائل امروز کشور را شناخته و با مسئولین کوچک و بزرگ در موضوعات مختلف نشست و برخاست داشته و اکنون آمده تا انقلابی‌تر از پیش ایران را بر قله‌های سربلندی و سرفرازی بنشانند. شاید اجماع این چنینی از سوی نخبگان و چهره‌های انقلابی بر روی یک کاندیدا بی‌سابقه باشد. دکتر سعید جلیلی کاندیدای متفاوت انتخابات یازدهم است.

امروز این تکلیف ماست که او را بهتر از قبل بشناسیم و به همه بشناسانیم. امروز این ماییم که آینده خود و کشورمان را رقم خواهیم زد. سکوت ما می‌تواند به بازگشت از آرمان‌های انقلابی و افزایش جرأت دشمن منجر شود و ایستادن ما پشت سر مرد هسته‌ای‌مان قطعاً روی غرب را کم خواهد کرد. ما نباید پشت مرد هسته‌ای‌مان را خالی کنیم.

در خصوص جلیلی گفتنی‌ها بسیار است و در این مجال محدود نمی‌کنجد. برخی ویژگی‌های او را اجمالاً می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- برخورداری از اجماع بی‌سابقه نخبگان و ظرفیت‌هایی که آشنا با موضوعات مختلف فکری و گروه‌های کور مسائل کشور هستند نظیر اساتید و جوانان دانشگاه امام صادق(ع)، موسسه امام خمینی به سرپرستی آیت‌آل... مصباح یزدی، مجموعه ایتان(شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران) و دست‌اندرکاران برنامه ثریا، برخوردار از ظرفیت جوانان عدالتخواه دانشجویی و نخبگان و جوانان دانشگاه‌های کشور و همچنین حمایت چهره‌هایی چون آیت‌آل... مصباح یزدی، حجت الاسلام میرباقری، حجت الاسلام پناهیان، حجت الاسلام آقاهرانی، دکتر داوودی، دکتر زاهدی‌وفا،

خوبی به مسائلی از این دست در کشور دارد. یا در مسئله دور زدن تحریم ها که از مهمترین مسائل امروز ماست یا موضوعاتی نظیر اقتصاد مقاومتی ایشسان نقش آفرین بوده اند. در حوزه های دیگر مثل فرهنگ و... نیز ایشسان ورود داشته و با دستگاه ها طی این مدت جلسه داشته اند.

۳- برخورداری از دو برنامه به جای یک برنامه! یک برنامه توسط جبهه پایداری طی ماههای گذشته تدوین شده است که با مسئولیت دکتر داوودی در اختیار دکتر سعید جلیلی قرار گرفت. یک برنامه هم پیش از این توسط خود آقای جلیلی و دوستانشان تهیه شده بود. ویژگی برنامه سعید جلیلی چنان که گفته می شود شسته و رفته بودن آن است. در واقع برنامه ایشان انشاء نیست. مجموعه مسائلی کلیدی و تعیین کننده است که حاصل بررسی های گسترده ای است. ممکن است حاصل برخی آسیب شناسی ها در یک خط بیان شده باشد. این ویژگی برنامه، آن همه فهم می کند.

۴- جدی بودن در کلام. اولیه ترین ویژگی یک کاندیدا این است که مردم این اطمینان را پیدا کنند که او می تواند و می شود کار را به دست او سپرد. در واقع اولیه ترین ویژگی جدی بودن است که این ویژگی در کلام و نوع سخن گفتن کاندیدا تبلور پیدا می کند. آقای جلیلی جدی است.

۵- گفتگویی سخن گفتن. ویژگی دیگر مهم آقای جلیلی این است که کاملاً گفتگویی حرف می زند و همراهان و حامیان را نیز به گفتگویی عمل کردن دعوت می کند. این ویژگی بزرگی است بدین جهت که گفتگویی تعیین کننده است. او پیروزی اش را اصل نمی داند؛ گفتگویی انقلاب را اصل می داند. رئیس جمهور یک کارپرداز یا پیمانکار نیست که چند پروژه را در کشور به دست او بسپاریم؛ چهره ای است که می تواند با تقویت یک گفتگویی همه ظرفیت های کشور را به سمت و سوی جهشی انقلابی رهنمون شود.

۶- پرهیز از ورود به مجادلات سخیف سیاسی. ویژگی مثبت دیگر آقای جلیلی این است که نگاه کلان تر نسبت به جریان های سیاسی کشور دارد و اساساً علاقمند به ورود به بسیاری از دعوای کنونی کشور که به مجادلاتی خرد و سطحی بدل شده اند نیست. این ویژگی او می تواند در صورت پیروزی اش فضای جدیدی را در کشور حاکم کند و کشور را از فضای سیاست زده کنونی خارج کند. همچنین او در مناظرات نیز می تواند تعیین کننده زمین بازی باشد. این ویژگی نیز در مجموع ویژگی مهمی است.

۷- مدیری تحولی است. بدین معنی که جسارت تحول و بر هم زدن بنیان های نادرست و اسلوب های کلیشه ای گذشته را دارد. از روحیه ای انقلابی برخوردار است.

۸- ساده زیست است. بنا به موقعیتی که اکنون ایشسان دارد می توانست شاید می بایست ۲۲ محافظ و همراه می داشت. او اما یک راننده ساده دارد و گاه خود سوار بر پراید رانندگی می کند.

۹- یک چهره علوم انسانی و آشنا با مباحث دینی است. پایان نامه کارشناسی ارشد او با موضوع "سیاست خارجی پیامبر اکرم (ص)"

و پایان نامه دکتری اش با موضوع «پارادایم اندیشه ی سیاسی اسلام در قرآن» نوشته شده که این توانایی دکتر جلیلی در فهم اجتهادی نصوص دینی و پیگیری مقوله تحول در علوم انسانی را می رساند. مقوله تحقق دانشگاه اسلامی جزو دغدغه های اوست.

۱۰- دنبال خدمت است نه حاشیه و مصاحبه و خودنمایی. معتقد است اگر مدام خدمت مان را در بوق کنیم حسود پیدا می کنیم و همان خدمت ها به محل دعوا تبدیل می شود. او به خدمت همراه با گمنامی معتقد است. معتقد است باید هدف را دید نه خود را و باید در این مسیر سربازی و جانبازی کرد.

۱۱- برخورداری از نگاهی باز که تأکید می کند همه ظرفیت ها را آزاد کنید! این نگاه باز نیز در شکل گیری ستادهای انتخاباتی اش داشت، نگاهی مثبت و قابل توجه است. این نگاه فرصت محور و مثبت نگر به ظرفیت های اجتماعی است.

۱۲- مردی است مردمی که از تبار احزاب نیست. او مستقل وارد انتخابات شد. وامدار هیچ حزبی و گروهی نیست. او تنها تعلق خود را به مردم و آرمان های امام راحل (ره) و مسیر ترسیم شده از سوی رهبر انقلاب می داند. او یک ولایت مدار به تمام معناست. اصحاب قدرت و ثروت و کسانی که به دنبال فساد یا نفع شخصی خود یا حاشیه سازی باشند، در دولت او جایی ندارند و این البته خیلی ها را نگران کرده و خواهد کرد. آن قدر که همه تلاششان را بکنند که هر کس رأی می آورد بیاورد اما سعید جلیلی نه.

جلیلی مرد متفاوت میدان کنونی است. کسی که تأکید دارد مشی او و دولتش بر مبنای اسلام رقم خواهد خورد. هم در اقتصاد هم در فرهنگ و هم در سایر حوزه ها اساتیدی که وجهی دینی و خدایی دارند گرد او حلقه زده اند. اجماع نخبگان انقلابی و مذهبی و اهالی خدمت و کارآمدی بر گرد او شاید بی سابقه باشد. او معتقد است اگر به دین اسلام و دستورات دینی در همه حوزه ها عمل کنیم و اگر خدایی باشسیم و اگر مبتنی بر فرمایشات رهبر گرانقدر انقلاب پیش رویم همه موانع را از سر راه بر خواهیم داشت. او می گوید موقعیت ما موقعیت بدر و خبیر است. کمی دیگر تلاش و استقامت کافی است. ما در پشت خیمه های دشمن هستیم نه در ششعب ایطالب و این مردمند که حضورشان روی غرب را می بایست کم کند و کار را یکسره نماید.

پیروزی او با رأی بالای مردم محاسبات جهانی را به هم خواهد ریخت. جهان در خواهد یافت انرژی هسته ای حق مسلم ماست، صرفاً یک شعار نیست بلکه حرف دل فرد فرد مردم ایران است و مردم ایران پای این حق مسلم خود خواهند ایستاد. پیروزی جلیلی موجب خواهد شد غرب ناکارآمدی فشارهایش را بیش از پیش دریابد و در مواجهه با مردم بزرگ و غیر ایرانی درمانده شود. جلیلی باید بیاید تا این چند گام باقیمانده تا ظهور را به سوی تحقق جامعه ای دینی و جامعه ای مهدوی طی کنیم و خدایی شدن را تجربه نماییم.

دنبال خدمت است نه حاشیه و مصاحبه و خودنمایی. معتقد است اگر مدام خدمت مان را در بوق کنیم حسود پیدا می کنیم و همان خدمت ها به محل دعوا تبدیل می شود. او به خدمت همراه با گمنامی معتقد است. معتقد است باید هدف را دید نه خود را و باید در این مسیر سربازی و جانبازی کرد.

بازخوانی صحبت‌های سعید جلیلی پیرامون جایگاه رئیس‌جمهور در سال ۸۳: نمی‌شود کاندیدا حرف‌های خوبی بزند، بعد که شد رئیس‌جمهور هر کسی را خواست انتخاب کند



دکتر سعید جلیلی که این روزها نامش بعنوان یکی از کاندیداهای اصلی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در میان مردم مطرح است، چندین ماه مانده به دوره‌ی نهم انتخابات ریاست جمهوری در پاییز ۱۳۸۳ و در دفتر جنبش عدالتخواه دانشجویی در خیابان ۱۶ آذر سخنان مهمی درباره انتخابات ریاست جمهوری آن برهه ایراد کرده است که به خوبی گرایش‌های فکری و گفتمان محور وی را نشان میدهد.

دکتر جلیلی آن ایام این نکته را تذکر داده است که مهم‌تر از این‌که چه کسی رای بیاورد این است که گفتمان انتخابات چه باشد. او وظیفه‌ی تشکل‌های دانشجویی انقلابی را حضور جدی در عرصه‌ی گفتمان‌سازی انتخابات می‌دانست.

را به گونه‌ای دیگر شکل دهیم، حالا این‌که چقدر موفق بودیم یا نه و آسیب‌شناسی آن مجال دیگری می‌طلبد. من احساس می‌کنم که گفتمان انتخابات ریاست جمهوری، هیچ وقت یک گفتمان موثر، حقیقی و واقعی نیست. به شکل خوبی، شکل نمی‌گیرد. تاثیرگذاری که یک جریان دانشجویی می‌تواند داشته باشد این است که سعی کند کاری کند که این گفتمان خوب شکل بگیرد. یعنی گفتمان با مولفه‌هایی شکل بگیرد که ثمره‌ی گفتمان، فایده‌ی برای مملکت باشد. گفتمانی شکل بگیرد که حاوی حرف‌هایی باشد که بر فرض این‌که همه‌ی آن‌ها هم محقق شد، بنشینیم و بگوییم که خوب حالا فایده‌اش چی

می‌توانیم انجام دهیم که بیشترین تاثیرگذاری را داشته باشد و به صلاح انقلاب، مملکت و جامعه باشد. ان‌شاءالله وقتی این فعالیت‌ها با اخلاصی هم که دوستان دارند همراه شود، بیش از حد طبیعی آن جواب خواهد داد. گفتمان انتخابات ریاست جمهوری، هیچ وقت یک گفتمان موثر و حقیقی نیست. مسن فکر می‌کنم از بحث‌های مهمی که در انتخابات‌های مختلف در چند دوره‌ی اخیر باید مورد توجه قرار می‌گرفت، گفتمان و فضای غالب در انتخابات بود. در انتخابات مجلس هم ادعایی که ما داشتیم این بحث بود که مهم‌تر از این‌که چه کسی رای بیاورد، خوب است که ما بتوانیم گفتمان انتخابات

اخلاص و انجام وظیفه مهم است
آن چیزی که [برای ما] در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری مهم است، به عنوان نگاه و حرکتی که بچه‌های مسلمان نسبت به یک رفتار و عمل سیاسی دارند و باید وظیفه‌شان را انجام دهند، آن‌هم حداکثر وظیفه‌شان را باید انجام دهند تا به یک نتیجه‌ای برسند. ممکن هم هست که انجام وظایف به نتیجه هم منتهی نشود، این انتظار را هم باید داشت که ممکن است یک حرف تاثیر نگذارد، جلو نرود و موفق نشود، البته انسان باید فکر کند و ببیند که چگونه باید عمل کند تا حداکثر تاثیرگذاری را داشته باشد. در این‌جا مساله این است که ما در حد یک فعالیت دانشجویی چه کاری را

است؟ چه تاثیر مثبتی بر کشور داشت؟ گفتمان را بر اساس یکسری مولفه‌های حقیقی و واقعی شکل دهید که سرکاری [و بی فایده] نباشند. در ضمن این که مفروض این رویکرد آن است که خود گفتمان خیلی مهم است. یکی از ایرادات ما این است که خیلی از گفتمان‌ها حقیقی و واقعی نیستند ولی وقتی که گفتمان غالب می‌شود، همه چیز واقعا تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد. مثلا وقتی که در دوم خرداد گفتمان «جامعه‌ی مدنی» طرح می‌شود، یک دفعه می‌بینید که همه‌ی نیروها و استعداد‌های کشور به این سمت سوق داده می‌شوند. این گفتمان آن قدر غالب می‌شود که مثلا یکی از ائمه جمعه‌ی تهران هم در نماز جمعه می‌گوید ان‌شاءالله یک جامعه‌ی مدنی‌ای درست شود که فلان شود. یعنی کسی که شاید اصلا این حرف را قبول هم ندارد، مجبور می‌شود که همراه شود. می‌خواهم بگویم این که چه چیزی گفتمان غالب شود، خیلی اهمیت دارد چون همه‌ی فضای کشور- خصوصا فضای اعلامی و رسانه‌ای کشور- از آن متاثر خواهند بود. مثلا وقتی در یک انتخابات گفتمان توسعه شکل می‌گیرد، بعد می‌بینی که همه می‌گویند توسعه.

خیلی مهم است که سعی کنیم که در ساخت گفتمان تاثیر جدی داشته باشیم، در به وجود آمدن گفتمانی که مفید می‌دانیم مشارکت داشته باشیم، چون تحقق آن آثار زیادی دارد. مثلا خیلی از نیروهایی که باید در شرایط عادی کلی توان و هزینه صرف کنی تا توجیه شوند و پای کار بیایند، فضا به گونه‌ای خواهد شد خودبه‌خود وارد عمل شوند. [حالی] سؤال این است که چه کنیم که گفتمانی کارآمد و صحیح شکل بگیرد؟ و گرنه مساله این نیست که این گفتمان باشد نه گفتمان دیگری تا بتوانیم کنیم ادعا کنیم که زور ما بیشتر است. اگر گفتمان یک گفتمان خیالی، موهوم، غیر واقعی و غیر مفید باشد، به چه دردی می‌خورد؟

گفتمان‌سازی به تنهایی کافی نیست

پس دو نکته، اول این که در ساخت گفتمان تاثیرگذار باشید و سعی کنید گفتمان را شما بسازید و دوم این که به دنبال این نباشیم که گفتمان غالب را آقای ایکس بسازد و ما بسازیم، جناح ایکس بسازد و گروه ما بسازد، مثلا خوش باشیم که بگویند دانشجویان جنبش عدالت‌خواه این حرف را مطرح کرده است. [به دنبال این باشید که] طرح این حرف چه فایده‌ای برای کشور داشته است؟ [آیا] یک شعار بوده در کنار سایر شعارهای دیگری که در کشور مطرح بوده است. یک حرفی بوده که بعد از مدتی تاریخ مصرفش تمام می‌شود و فراموش می‌شود. نمی‌گویم که شعار نباید باشد، بلکه تنها شعار نباید باشد. شعار آن شکل و طرح کار است.

همه‌جانبه‌نگری در طرح کلی گفتمان

در راستای این که گفتمان چگونه باید شکل بگیرد، باید چند ملاحظه در آن رعایت شود. یکی از مسایلی که معمولا خیلی مغفول واقع می‌ماند، وظایف ریاست جمهوری است. مخصوصا اگر شما صحبت‌هایی را که ۷-۸ تا از کاندیداهای دوره‌ی قبل می‌کردند را نگاه بفرمایید- از آقای خاتمی که یک دوره رئیس‌جمهور بود تا دیگرانی که سابقه‌ی وزارت داشتند و... - می‌بینید که گفتمان‌های کاملا بی‌معنایی را طرح می‌کردند. البته شاید هم ما نمی‌فهمیدیم!

مهم‌ترین مولفه‌ی گفتمان ریاست‌جمهوری آن است که باید مبتنی باشد بر وظایف ریاست‌جمهوری. این نکته خیلی مهم است. هر رئیس‌جمهوری- چه در کشور ما و چه در سایر کشورها- یکسری وظایفی دارد. مبنای عمل رئیس‌جمهور باید آن وظایفش باشد نه شعارهایی که می‌دهد. یکی از نکاتی که در همان مقاله‌ی نقد نامی آقای رئیس‌جمهور نوشته بودم، همین مساله بود. ایشان گفته بود که آیا مگر من فلان وعده را داده بودم که فلان

کار را بکنم، [در پاسخ باید گفت] مگر باید وعده داده باشی؟ شما یکسری وظایفی داری، نه فقط شما، بلکه هر کسی که رئیس‌جمهور شده است، باید وظایف‌ها را انجام دهی حالا چه وعده‌ها را داده باشی و چه نداده باشی. من الان می‌بینم که برخی از کاندیداها می‌گویند که من در فلان حوزه وعده‌ای نمی‌دهم، یا می‌گویند که تخصص من در فلان زمینه است، یا من در فلان حوزه تخصصی ندارم. مگر عرصه‌ی ریاست‌جمهوری و اداری کشور، یک عرصه‌ی دل‌بخواهی است که کسی بگوید من به این زمینه تمایل دارم و به فلان مساله علاقه‌ای ندارم. در همین تبلیغات ریاست‌جمهوری این دوره دیدم که یکی از کاندیداها در جلسه‌ای می‌گفت خوب با توجه به این که من در حوزه‌ی سیاست خارجی تخصص دارم، پس شما هم انتظار دارید در این باره صحبت کنم. مگر در مورد ریاست‌جمهوری می‌شود این گونه تصمیم‌گیری کرد؟ مگر رئیس‌جمهور فقط باید سیاست خارجی را اداره کند؟ رئیس‌جمهور وظایفی دارد که هر کس بیاید باید همه‌ی آن وظایف را انجام دهد. حالا اگر مطالبه‌ی مردم به سمت وظایف رئیس‌جمهور برود، دیگر کسی نمی‌تواند از زیربار وظایف‌ها ششانه خالی کند و بگوید چون این مساله در شعارهای من نبوده است، پس وظایف‌ها هم ندارم.

قدرت‌مندترین فرد برای خدمت به مردم، رئیس‌جمهور است

رئیس‌جمهور فردی است که در راس یک قوه‌ی بسیار مهم قرار می‌گیرد. یکسری امکانات بسیار مهمی در اختیارش قرار می‌گیرد. فارغ از مباحث سیاسی و از منظر حقوق اساسی، رئیس‌جمهور در کشور ما یکی از قوی‌ترین و قدرت‌مندترین افراد است. رئیس‌جمهور خیلی اختیارات دارد، فارغ از این که کسی معتقد باشد که رئیس‌جمهور باید اختیارات دیگری هم باید داشته باشد و یا نباید داشته باشد. اگر به همین اختیاراتی که هیچ‌کس در آن شک ندارد، توجه کنیم، خواهیم دید که رئیس‌جمهور اختیارات زیادی دارد. این اختیارات برای چیست؟

همان‌گونه که می‌گویند باید اختیارات باشد تا بتوانیم پاسخ بگوییم، عکس این مطلب هم صحیح است، یعنی شما باید پاسخگوی اختیاراتی باشی که بوده است و داشته‌ای. توصیه می‌کنم که دوستان مباحث مربوط به وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور را [در فصول قانون اساسی و حتی قوانین عادی کشور] بیشتر و دقیق‌تر مطالعه کنند. اختیارات و قدرت رئیس‌جمهور در برخی مقولات اساسا با مجلس و... قابل مقایسه نیست. مثلا مجلس کلی تلاش بکند می‌تواند در یک زمینه‌ی قانونی تصویب کند در حالی که در خیلی از زمینه‌ها و عرصه‌ها دست دولت باز است تا هر گونه که می‌خواهد عمل کند، مگر آن که مجلس به صورت مشخص قانونی تصویب کند که آقا آن‌جوری کار نکن بلکه این‌طوری عمل کن. یعنی عملا دولت در برخی عرصه‌ها [که مجلس ورود نکرده و قانونی وجود ندارد] خودش قانون است، مثلا حتی یک وزیر [و نه رئیس‌جمهور] می‌تواند یک بخش‌نامه صادر کند که اداری متبوعش به این‌گونه عمل نماید. این کار خلافی نیست مگر این که در آن زمینه قانونی باشد که گفته باشد که چگونه باید عمل نمایند. مقصود این است که یک وزیر و به تبع آن رئیس‌جمهور می‌توانند در بسیاری از عرصه‌ها خودشان با استفاده از بخش‌نامه‌ها و... کارهایی را پیش ببرند که ۲۹۰ نماینده مجلس اگر بخواهند همان کار را انجام دهند، باید یک پروسه‌ی مفصل و طولانی‌ای را برای تصویب آن طی نمایند. [و یا مثلا] مجلس کلی همت کند و توان مصرف کند [سند جمع کند، مطلب جمع کند و...] می‌تواند یک وزیر را استیضاح کند، [تازه وزیری که از نظر آن‌ها خیلی

ایراد داشته باشد] اما رئیس‌جمهور خیلی راحت می‌تواند به وزیرش بگوید آقای فلانی شما از فردا صبح دیگر به وزارتخانه نیا! همان‌گونه که در این دولت [دوره‌ی دوم دولت آقای خاتمی] به آقای مظاهری که تازه وزیر خوبی هم بود، گفته شد. هیچ‌کس هم نه چپ و نه راست اعتراضی نکرد. چطور شما یک وزیری را که احساس می‌کنی باید عزل شود، عزل می‌کنی در حالی که همه می‌گویند خوب عمل کرده است، آب هم از آب تکان نمی‌خورد. اما یک وزیر دیگر که همه‌ی عالم و آدم بهش انتقاد دارند، از جایش تکان نمی‌خورد.

شمایی که اختیار دارید که این دو تا وزیر را کنار بگذارید، آن دوتای دیگر را هم می‌توانی کنار بگذاری. می‌خواهم بگویم که رئیس‌جمهور این اختیار را دارد که خیلی راحت به یک وزیر خوب بگوید از فردا دیگر سرکار نیا. این مساله صرفا در حد وزیر نیست، یعنی در در میان دستگاه‌های اجرایی کشور، رئیس‌جمهور در چنین موقعیتی قرار دارد. این مثال درباره‌ی مجلس بود، حالا مثالی درباره‌ی قوه قضائیه. اگر قوه قضائیه بخواهد یک رئیس‌اداره‌ای که تخلف کرده را برکنار کند، باید کلی ادله و سند فراهم کند و برایش تشکیل پرونده بدهد، پرونده را پیگیری کند، دادگاه برگزار کند، تجدیدنظر را طس کند و... تا در آخر بتواند بگوید که آقا این فرد را از این مسئولیت برادرید. در صورتی که دستگاه بزرگ و عریض و طویل بروکراسی کشور در اختیار رئیس‌جمهور است. خیلی راحت می‌تواند بگوید که این رئیس‌اداره را بردار- حتی اگر تخلفش کوچک باشد می‌تواند بگوید احترامش را حفظ کنیدی ولی از این مسئولیت برادرید- یعنی لازم نیست یک پروسه مفصل طی شود. یعنی کاری که ده‌ها شعبه قضایی با کلی زور و زحمت می‌توانند انجام دهند [که سرانجام آیا بتوانند اثبات کنند و یا نتوانند] را رئیس‌جمهور و به تبع آن زیردستانش مثل وزیر و استاندار و... به راحتی می‌توانند انجام بدهند. تازه دستگاه قضایی در جایی می‌تواند این کار را بکند که فساد رخ داده باشد، نمی‌تواند بگوید که این فرد مدیرتش ضعیف است لذا من بر علیه او حکم می‌دهم، بلکه حداکثر این است که اگر یک فساد و یا خلاف قانون و یا جرم اتفاق بیفتد، می‌تواند در محدوده‌ی خاص عمل کند. در صورتی که رئیس‌جمهور به راحتی می‌تواند به دلیل ناکارآمدی، به دلیل ضعف عملکرد و... مدیرکل، معاون وزیر و... را عوض نماید. می‌خواهم بگویم که قوه‌ی مجریه در کشور اختیارات زیادی دارد. مثلا در زمینه‌ی بودجه ما درباره‌ی مجلس می‌گویم که تصویب بودجه و تفریح بودجه. می‌داند چقدر نظارت بر درست اجرا شدن بودجه سخت است؟ با توجه به این که در کشور ما بسیاری از امور دولتی است، بخش عمده‌ی از بودجه [تقریبا همه‌ی بودجه] وارد سیستم اجرایی می‌شود، یعنی درآمد کشور می‌آید به درون این سیستم و می‌خواهد هزینه شود. خوب چه کسی این کار را مدیریت می‌کند؟

خلاصه‌ی بحثی که خدمت‌تان می‌خواهم ارائه کنم این است که گفتمان انتخابات ریاست‌جمهوری باید بر اساس وظایف واقعی رئیس‌جمهور شکل بگیرد؛ اختیارات و وظایف واقعی‌ای که طبق قانون به او داده شده و از او خواسته شده است نه بر اساس شعارهای یک کاندیدا. البته کاندیداها می‌توانند اولویت‌های‌شان را مطرح کنند ولی باید توجه داشت که این اولویت صرفا تقدم رتبی دارد. رئیس‌جمهور نمی‌تواند بگوید که چون اقتصاد هدف من بود، به فرهنگ نرسیدم؛ چون به فرهنگ نظر داشتم به اقتصاد نرسیدم و... همه‌ی این‌ها وظیفه‌اش است.

به نظر من اختیارات رئیس‌جمهور در کشور ما خیلی مغفول واقع شده است، به نظر من قدرت‌مندترین فردی

کس می‌تواند در عرصه‌ی خدمت به مردم و کار اجرایی باشد، رئیس‌جمهور است. کشوری که این همه سازمان و دستگاه‌های عریض و طویل دولتی دارد، رئیس‌جمهور می‌تواند عزل کند، نصب کند، کار بخواند، مطالبه کند، کارآمدی بخواند، ارزیابی بخواند، برنامه بخواند و آن‌ها را فعال کند. کدام دستگاه دیگر در کشور می‌تواند چنین کاری بکند؟ مجلس بخواند به یکی از این‌ها عمل کند، چه پرسه‌ی طولانی‌ای را باید طی کند؟!

رئیس‌جمهور وقتی به سمنار استاندارها می‌آید، استاندارها باید دست و پای‌شان بلرزد

من خاطرهم هست خصوصاً در دوره‌ی قبل ریاست‌جمهوری [دوره‌ی اول دولت اصلاحات] دقت می‌کردم به وقتی که رئیس‌جمهور در جمع مدیرانش سخنرانی می‌کند، مثلاً یادم هست یکبار دیدار با استاندارها بود -رئیس‌جمهور وقتی به سمنار استاندارها می‌آید، استاندارها باید دست و پای‌شان بلرزد که هر آن ممکن است رئیس‌جمهور از آنان سؤال کند، گزارش و کار مطالبه کند و... من دقت می‌کردم دیدم ایشان در آن جمع یکسری بحث‌های کلی طرح می‌کند که مثلاً هم اسلام خوب است و هم آزادی، و... استاندارها هم خیلی راحت نشستند و گوش می‌دهند. البته دوره‌های قبلی هم این مساله به نحو دیگری بوده است، نمی‌خواهم بگویم صرفاً در این دولت این‌گونه بوده است. یا مثلاً در سمنار سفرای باز همین طور عمل شد. در حالی که [رئیس‌جمهور] باید بگوید من از شما کار می‌خواهم، این اتفاق چه بود؟ آن مساله چی بود؟ و... تا سفیر بفهمد که مورد مطالبه قرار می‌گیرد. رئیس‌جمهور این امکان را دارد و هیچ کس دیگری این امکان را ندارد. لذا است که می‌خواهم این نکته را متذکر شوم که در کشور ما مقام ریاست‌جمهوری دارای اختیارات زیادی است - البته شاید عده‌ای بگویند باز هم اختیارات می‌خواهیم - من در این مورد بحثی نمی‌کنم - ولی همین مقداری که هست را ببینیم که چقدر زیاد است و ببینیم که چقدر در راستای حل مشکلات و کارهایی که باید انجام شود، استفاده می‌شود.

گفتنمان را عینی کنید

مبتهی بر این مباحث حالا می‌توان به این موضوع پرداخت که گفتنمان انتخابات ریاست‌جمهوری بر چه مبنایی می‌خواهد شکل بگیرد؟ شما باید حتی‌الامکان گفتنمان را عینی‌اش کنید (به اصطلاح خودتان آبیگتیوش کنید) نمی‌شود به مباحث کلی اکتفا کرد. مثلاً همین بحث

عدالت‌خواهی که به نظر ما اولویت کشور است، را خودمان دقیق نمی‌شناسیم. یعنی اگر مثلاً همین فردا به شما که عدالت‌خواهید بگویند، شما رئیس‌جمهور باشید، بعد می‌بینید که خودتان هم نمی‌دانید که می‌خواهید چه بکنید. عدالت باید در عرصه‌های مختلف و در زندگی مردم نمود پیدا کند. نمی‌شود که ما اسم خودمان را بگذاریم عدالت‌خواه و بعد خودمان هم ندانیم که عدالت یعنی چه؟ عدالت به برداشت یعنی چه؟ عدالت در صنعت یعنی چه؟ عدالت در مسکن یعنی چه؟ عدالت در کشاورزی یعنی چه؟ یعنی چه کارهایی در حوزه‌های مختلف باید بشود تا برآیند آن‌ها بشود آن جامعه‌ی عدالت‌خواه ما. این بحث را باید مشخص کرد.

حالا من نمی‌گویم همه را ریز کنیم اما حداقل در محورهای اصلی شاخص‌ها مشخص باشد تا هر که رئیس‌جمهور می‌شود، این‌ها از او مطالبه شود. این بشود گفتنمان. اگر شما بتوانید این دیدگاه را گفتنمان غالب کنید، آن وقت مهم نیست که چه کسی رئیس‌جمهور می‌شود، مهم این است که او می‌داند باید به این مطالبات جواب بدهد. یعنی بدانند در عرصه‌ی اشتغال و کار، عدالت یعنی این و این را باید جواب دهد و از او مطالبه می‌شود. چند محور اصلی و در عین حال مشخص و عینی در عرصه‌ی اشتغال به عنوان شاخص مطرح شوند که بتوان ادعا کرد که عدالت در اشتغال یعنی این. آن وقت اگر این‌ها به مطالبه‌ی جامعه تبدیل شوند، آن وقت به نظر من خیلی فرق نمی‌کند آقای X بشود رئیس‌جمهور یا آقای Y. البته نه این که فرق نکند، بلکه منظور این است که گفتنمان خیلی مهم‌تر است. چون می‌داند که با چنین فضا و مطالباتی روبرو هست. لذا وظیفه‌ی دوستان در این جمع این است که در این عرصه‌ها کار کنند. مدام دنبال این نباشید بنده و امثال من که رشته‌مان علوم سیاسی است بیاییم و فضای انتخاباتی را تحلیل کنیم، نه. شما الان باید بروید سراغ مثلاً کسی که در بازرگانی فعال است و از آن‌ها پرسید که عدالت در بازرگانی چیست؟

در مورد بعضی سازمان‌ها نه نخبگان دغدغه دارند و نه مردم!

یکی دیگر از مسائلی که خیلی مغفول است، این است که در کشور ما تقریباً هیچ موضوعی نیست که ما برای آن دستگاه و نهادی تشکیل نداده باشیم، بلکه گاهی چندین نهاد. آن سازمان‌ها نهادینه هم شده‌اند. یعنی [برای پیگیری موضوعات مختلف]

ساختار ایجاد کرده‌اید، بودجه داده‌اید.

حتی در موضوعات خیلی فرعی‌ای که شاید در کشورهای پیشرفته هم این‌گونه به صورت مجزا به آن مسایل نپرداخته باشند و بودجه و نهاد اختصاص نداده باشند. یعنی شما دارید هزینه می‌کنید ولی از سوی دیگر بسیاری از این دستگاه‌ها مغفول‌اند. یعنی همین جمع حاضر، حداکثر می‌دانیم که وزیر صنایع کی بود و یا این‌که این وزیر که آمد مسئولیت گرفت و رفت، خوب بود یا بد. ولی ما نمی‌دانیم که در وزارت صنایع ده‌ها معاونت، سازمان و نهاد مهم وجود دارد که می‌توانند کشور را متحول کنند. اصلاً متوجه نمی‌شویم چه کسی رئیس‌ش شد، چه کسی آمد و چه کسی رفت! بعد می‌بینید که بسیاری از مسائلی که شما نسبت به آن دغدغه دارید مثل رانت‌خواری و فساد اقتصادی در همین سازمان‌ها اتفاق می‌افتد، در حالی که مثلاً وزیر هم آدم خوب و پاکی است.

می‌بینید که سازمان‌هایی وجود دارد که سه دوره انتخابات ریاست‌جمهوری هم که برگزار می‌شود، مسئولینش تغییری نمی‌کنند. اساساً نه تنها افکار عمومی مردم که حتی نخبگان جامعه هم متوجه آن دستگاه نیستند. بنده نمایشگاهی مربوط به مفاسد اقتصادی رفته بودم، بعد می‌دیدم که یک اختلاس را کشف کرده‌اند با ۱۱۶ میلیارد تومان - حالا شما حساب کنید که با این ۱۱۶ میلیارد تومان چندتا کارتن‌خواب را می‌شود سلمان داد- مربوط به رئیس‌اداره‌ی منابع طبیعی فلان شهرستان. مثلاً چند مورد زمین را تغییر کاربری داده است. در حالی که امثال ما تا اسم یک شهرستانی مطرح می‌شود، حداکثر ذهن‌مان دنبال این است که فرماندار آن‌جا کیست و... اصلاً کسی به فکر این است که بررسی و پیگیری کند که رئیس‌اداره‌ی منابع طبیعی آن شهر کیست و چرا جابجا شد و... طبیعی است که نتیجه‌ی چنین عملکردهایی می‌شود فقر و غنا. فاصله‌های طبقاتی که از روی هوا نمی‌آیند، نتیجه‌ی چنین کارهایی هستند. این بودجه‌ی کشور - که سالانه بالغ بر چندین هزار میلیارد است - تزیق می‌شود و گفته می‌شود که خروجی ندارد، کجا می‌رود؟ از کدام منافذ خارج می‌شود و هدر می‌رود؟ یکی از کارهای مهمی که حرکت‌های دانشجویی انقلابی می‌توانند انجام دهند این است که در هر یک از این مباحث به صورت گروهی و تخصصی متمرکز شوند و آن‌ها را عینی نمایند. در این‌که عدالت خوب است، همه مشترکیم، اما این‌که عدالت در حوزه‌ی بهداشت کشور چیست؟



را باید پزشکی که رئیس بیمارستان بوده، پزشکی که در این حوزه کار می‌کند، و مثل شما آدم دغدغه‌مند و دلسوزی هم هست بگوید. شما باید از چنین کسانی دعوت کنید که بگویند در سیستم درمانی ما چه مشکلاتی هست؟ در سیستم بیمه‌ی درمانی چه معضلاتی وجود دارد؟ یا مثلا سازمان بهزیستی، کمتر کسی به آن توجه می‌کند، در حالی که اگر این سازمان وظایفش را به خوبی انجام دهد، می‌تواند کلی تاثیرگذار باشد. اگر نگوئیم صدها، می‌توانیم بگوئیم دهها سازمان از این سنخ وجود دارند که کار دست‌شان هست ولی وقتی به سراغ‌شان می‌روی، می‌بینی که خیلی راحت [خیلی ریلکس] کارشان را انجام نمی‌دهند و خاطر جمع هم هستند که هر کی بیاد و برود- از چپ چپ تا راست راست- کسی به موقعیت آنها کاری ندارد. این بحث را باید عینی کرد و دنبال کرد، همه‌اش دنبال بحث‌های سیاسی نباشید. اگر گفت‌مان به این صورت شکل گرفت، چندان تفاوت نمی‌کند که X رئیس جمهور شود یا Y یا Z؛ چرا که با خود می‌گویند که الان جامعه فهمیده است که وظایف رئیس‌جمهور چیست و از او این سنخ مسایل را مطالبه می‌کند، جامعه فهمیده که عدالت صرفا یک بحث کلی نیست، لذا می‌گوید که من در عرصه‌ی بازرگانی از تو [رئیس‌جمهور] این شاخص‌ها را می‌خواهم، در عرصه‌ی بهداشت و درمان این مسایل را می‌خواهم، در عرصه‌ی آموزش و پرورش این مسایل را می‌خواهم و... مثلا نکته‌ی جالبی درباره‌ی عدالت در حوزه‌ی آموزش و پرورش: یکی از چیزهایی که در کشور کوهی جنوبی- که یک کشور سرمایه‌داری است- قاچاق است و ممنوع و جرم محسوب می‌شود، کلاس‌های کنکور است. می‌گویند که این کلاس‌ها، فرصت‌های برابر ایجاد نمی‌کند. وزیر آموزش و پرورش این کشور در حدود ۲۰ سال پیش برای فرزندش معلم خصوصی گرفته بود، که همین مساله باعث برکناری او از مسئولیتش شد. نمی‌خواهم بگویم که این‌گونه باید باشد یا نباشد؛ بلکه سخنم این است که بالاخره باید روشن باشد که عدالت در آموزش و پرورش یعنی چه؟ برابری فرصت یعنی چه؟ این‌ها را باید روشن کنیم و بعد مطالبه کنیم.

اهمیت تیم کاندیداها در انتخابات ریاست جمهوری

نکته‌ی دیگری که در انتخابات ریاست‌جمهوری باید مورد توجه جدی قرار بگیرد، تیم هریک از کاندیداهاست. بعد از این که مشخص شد وظایف چیست و اهداف عینی در هر بخش مشخص شد،

طبیعتا این که آقای X عمل کند یا آقای Y متفاوت است.

نمی‌شود که کاندیدا یکسری حرف‌های خوبی بزند و بعد که شد رئیس‌جمهور، هر کسی را که خواست انتخاب کند. می‌گویند که آقا این شخص که اساسا با شعارهای شما نمی‌خواند، شما حرف‌های دیگری می‌زدی که اصلا با عملکرد ۲۰ ساله‌ی این شخص هم خوانی ندارد. بالاخره عملکرد آینده که جدای از عملکرد گذشته نیست. مثلا ما در انتخابات مجلس هم این مساله را دیدیم، که یک نفر در لیست قرار می‌گیرد که انسان با خود می‌گوید این فرد چگونه به یکباره شد اصولگر! این که رفتار قبلی‌اش اصلا با اصولگرایی هم خوانی ندارد. لذا به نظر من مهم است که هر یک از کاندیداها تیم اصلی خود را قبل از انتخابات معرفی کنند. بالاخره مهم است که چه کسی قرار است بشود وزیر بهداشت؟ چه کسی قرار است بشود وزیر آموزش و پرورش؟ و... اصلا این مرسوم است که [در سایر کشورها] همه‌جا معرفی می‌کنند. چطور این کاندیدا [در صورت پیروزی در انتخابات] می‌خواهد در طی ۲ ماه این تیم را تعیین کند، خوب الان معرفی کند. حداقل این‌ها برای هر پست ۳ نفر معرفی کند و بگوید که من از میان این‌ها یکی‌شان را انتخاب خواهم کرد.

مثلا کاندیدا ابتدا باید به صورت عینی- و نه در حد کلیات- به سوالاتی از این سنخ پاسخ دهد که مثلا در سیاست‌خارجی مهم‌ترین بحث چیست؟ برای سیاست‌خارجی فعال چه مختصاتی قابل هستی؟ «عزت، حکمت، مصلحت» در موضوع خلیج‌فارس یعنی چه؟ در بحث NPT چه معنایی دارد؟ چه برنامه‌ای برای این موضوع داری، چگونه می‌خواهی عمل کنی و... خوب بر فرض که این‌ها همه درست، حالا در مرحله‌ی بعدی باید مشخص کند که چه کسی را می‌خواهد در این مسئولیت [مثلا وزارت‌خارجه] بگذارد؟ خوب این فرد که اساسا این حرف‌ها را قبول ندارد، یا اصلا سابقه‌اش به این سنخ کارها نمی‌خورد و...

نقش نخبگان و جنبش دانشجویی در فضای انتخابات ریاست جمهوری

گفتمان انتخابات ریاست‌جمهوری باید این‌گونه شکل بگیرد: یک فضای عینی، مشخص، شفاف و حقیقی که واقعا در حل مشکلات کشور تاثیرگذار باشد، نه این‌که در حد کلیات باقی بماند. عرضم این است که این فضا خودبخود ساخته نمی‌شود، لذا چه کسی می‌خواهد این فضا را ایجاد کند؟ از مردم عادی که انتظاری نیست، تا امروز که فضای

انتخاباتی را رصد می‌کنیم می‌بینیم که نخبگان جامعه چندان به این مباحث وارد نشده‌اند- گاهی یک اشاراتی می‌کنند که اگر این‌طور بشود خیلی خوب است، ولی سریع از کنارش می‌گذرند- اما حرکت شما دوستان [فعلان جنبش دانشجویی] می‌تواند در این زمینه مفید و موثر و در حد خودتان هم تاثیرگذار باشد. من ادعا نمی‌کنم که بر فرض که این حرف‌ها درست باشد و دوستان هم عمل کنند، فردا تکلیف رئیس‌جمهور هم روشن می‌شود. نه، ولی به هر حال باید به این سمت حرکت کنیم که گفتمان انتخابات ریاست‌جمهوری را یک گفتمان عینی، واقعی و مبتنی بر خواست‌های آرمانی استوار کنیم.

چون این حرکت جدید است، نفس طرح این سنخ مباحث مفید است. متأسفانه خیلی عقیم، چرا که هنوز درباره‌ی این که رئیس‌جمهور چه وظایف و اختیاراتی دارد، گفتمان‌سازی نکرده‌ایم. بستر را فراهم کنید تا سه تا پزشک خوب که شاید سخنران نباشند ولی در حوزه‌ی بهداشت و سلامت حرف دارند، حرف‌های‌شان را بزنند. چرا چهره‌های ما منحصر می‌شود در چندتا آدمی که صرفا در حوزه‌های نظری می‌توانند صحبت کنند. علی‌رغم این مشکلاتی که هست، چرا کشور سراپاست؟ چرا این همه موفقیت داریم؟ چون در هر دستگاهی که می‌روی، آدم‌های مخلص می‌بینی که کار اصلی را آنها انجام می‌دهند. آدم‌هایی هستند که نمی‌گذارند کار زمین بماند. من به عینه خودم این موارد را دیدم. البته این افراد خیلی شناخته شده نیستند، چون به مناسبات بانوی و جناحی وصل نیست، مسئولیت بالایی ندارد. لذا اتفاقا یکی از کارهای ما باید این باشد که [شرایط را فراهم کنیم] تا این فرد بشود وزیر، بشود معاون، بشود مدیرکل و...

گفتمان بسازید؛ رئیس‌جمهور مجبور می‌شود اجرایش کند!

اگر شما فضای گفتمان انتخابات ریاست‌جمهوری را شکل بدهید، هر کس که رئیس‌جمهور شود، مجبور است که زیر پوشش این فضا قرار بگیرد. همان‌طور که در مساله‌ی کارتن‌خوابی وقتی شما فضا را شکل دادید، روزنامه‌ی شرق هم گریزی از این ندارد که برای این موضوع تیتراژ بزند و سرمقاله کار کند [ولو آن‌که آن‌گونه که شما می‌خواستید انعکاس ندهد و یا آن حرفی را که شما می‌پسندید نزنند]، چون می‌بیند که اگر این کار را نکنند، قافیه را باخته است، از آن طرف روزنامه‌ی کیهان هم خبر شما را کار می‌کند. سراغ صاحب‌نظران واقعی و اساتید فن هر عرصه بروید، نه لزوما کسانی که در چارچوب‌های کلیشه‌ای



کارشناس آن بحث شناخته می‌شوند. [مثلا استاد دانشگاه هستند و یا فلان مدرک را دارند و...] ممکن است که کسی در یک عرصه‌ای حرفی بزند که حاصل سی سال تجربه و دلسوزی باشد، شاید مدرک لیسانس هم نداشته باشد. مثلا یک فردی به صورت اتفاقی با بنده آشنا شده بود، طرحی در حوزه حمل و نقل ریلی کشور داشت که مدعی بود اگر اجرا شود، فلان مقدار از بودجه عمرانی کشور صرفه‌جویی می‌شود، طرح را هم به صورت مستند آورده بود. طرح را دادم به دو-سه نفری که در این زمینه تخصص داشتند [مدرک دکترا داشتند] ارائه کردم، گفتند که چارچوب طرح درست است و بی‌ربط نیست، هرچند که شاید باید بخشی ازایش اصلاح شوند. خوب ایشان یک فردی بود که حدود سی سال در طرح و برنامه راه‌آهن فعالیت کرده بود.

شاخص سازی کنید

یکی از بحث‌های مهم شاخص سازی است. کلی‌گویی چندان فایده‌ای ندارد. مثلا ما سالانه حدود ۲۰ هزار نفر در جاده‌های کشور کشته می‌دهیم، یعنی در ده سال به اندازه‌ی شهدای جنگ. ضمن این که به خانواده‌های این افراد نه امکانات بنیاد شهید داده می‌شود و نه حمایت خاصی صورت می‌گیرد. این آمار درحالی که در کشوری مثل سوئد این آمار در حدود ۱۷ نفر است. باید از وزیر راه پرسیده شود که اگر مثلا ۵۰۰۰ از این ۲۰ هزار مربوط به کاستی‌های بخش شماسات، شما چه برنامه‌ای برای کاهش این تعداد داری؟ بعد می‌بینی که یک نفر وزیر می‌شود و می‌رود، هیچ‌کس نیست از او سؤال کند. یکی از بحث‌هایی باعث شد که ما انگیزه پیدا کنیم برای حضور در انتخابات مجلس این بود که شما می‌بینید افرادی ۴ سال وزیر می‌شوند و بعد از ۴ سال که دوباره آن‌ها را برای مسئولیت وزارت به مجلس معرفی می‌کنند، دربارهی ۱۱ وزیر مهم دولت حتی یک نماینده هم وقت نمی‌گیرد تا در مخالفت با آن‌ها صحبت کند. یعنی واقعا این وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌ها مثل ساعت کار می‌کردند؟ من نمی‌گویم که فردی که ۴ سال وزیر بوده برای دور بعد رای نیاورد، بلکه حداقل یک نفر بلند شود و بگوید شما در این ۴ سال این ایرادات را هم داشتید. از میان ۲۹۰ نفر نماینده، در مورد ۱۱ وزیر حتی یک نماینده هم بلند نمی‌شود که در مخالفت صحبت کند! این فضا است که شرایط را مهیا می‌کند تا یک نفر که امروز وزارت کشور است، فردا وزارت راه باشد، پس فردا می‌گویند برو فلان وزارت‌خانه. این‌ها بحث‌هایی است که باید اصلاح شود. آخر شما تا حالا سابقه‌ای در وزارت راه داشته‌ای؟ اصلا می‌دانی که چنداناً معاونت دارد؟ این یک مثال است.

منفعت طلبی جلوی حرکت کشور را گرفته است/ ماشینی که بنزین مصرف می‌کند، اما حرکت نمی‌کند!

آن چیزی که به نظر من الان [سال ۸۳] خیلی باعث فشل شدن ما شده است، این ساختار اجرایی و اداری کشور است. اگر شما ساختار اداری و اجرایی کشور را به مثابه یک ماشین تصور کنید، بحث این نیست که این ماشین سمت کج برود یا سمت قم. بلکه مشکل این است که این ماشین اصلا راه نمی‌رود. نه این که صرفا راه نرود، بلکه بنزین مصرف می‌کند ولی درجا کار می‌کند. یک وقت هست کار نمی‌کند، هزینه‌ای هم برای تان ندارد، می‌گویند برویم سراغ یک ماشینی دیگر؛ اما یک وقت است که شما همه‌ی بودجه کشور را خرج کارواش و نظافت

و بنزین این ماشین می‌کنید ولی آن هم درجا کار می‌کند و شما را به جایی نمی‌برد. لذا شما می‌بینید که در این سیستم اداری و اجرایی کشور یک بخش نامهی عادی به فرجام سیستمی نمی‌رسد. البته نه این که کلا بلکه معمولا این گونه است. آن بخش‌نامه‌ای که به سرانجام می‌رسد، بخش‌نامه‌ای است که عده‌ای منافع‌شان را در آن می‌بینند و اجرایی شدن آن را دنبال می‌کنند. خیلی وقت‌ها اگر این سخن افراد نباشند، می‌بینید که این بخش‌نامه همین‌جوری معطل ماند. مثل تویی که شوت می‌شود و در گوشه‌ای از زمین متوقف می‌شود و دوباره یک توپ جدید را وارد میدان می‌کنند. خوب در سیستمی که یک بخش‌نامه به طور عادی به فرجام نمی‌رسد، شما می‌خواهید که یک آرمان مثل عدالت تحقق عینی پیدا کند؟! لذا شما وقتی که درون این سیستم از این آرمان‌ها سخن می‌گویید به تو می‌خندند.

موانع رشد خیلی ساده است! آفات حل‌نشدنی نیست!

یکی از مسایل مهم و با اولویت‌های کلان‌دیدی ریاست جمهوری باید این باشد که شما برای این مساله چه راه‌حلی دارید؟ آفاتی که سیستم اداری و اجرایی ما را گرفته خیلی مهم است و این آفات حل‌نشدنی هم نیست. یعنی این‌طور نیست که فکر کنید این شبهه‌ی «این کمونه» است که نمی‌شود آن را حل کرد. نه. ببینید وقتی که یک ماشین کار نمی‌کند، مثلا یک بنز آخرین سیستم که حرکت نمی‌کند و راه نمی‌رود، شما نمی‌گویید خوب این حرکت نمی‌کند پس بیایید بنشینیم دوباره یک بنز دیگر درست کنیم، نه بلکه ممکن است این راه نرفتن به دلیل این باشد که فقط باد لازم دارد، چرخش پنجر شده است، کافی چرخ را باد کنید. لازم نیست کار شاقی انجام دهید. بعضی وقت‌ها می‌بینید که یک آشغال کوچک در کاربوتور گیر کرده است، کافی است که آن آشغال را بزدایید، لازم نیست بگویید که این بنزها که به درد نمی‌خورد، آقا من باید بروم یک سنگ‌بنای نویی بگذارم و چند سال وقت بگذارم و یک سیستم دیگر طراحی کنم و بعد یک ماشین جدید بسازیم. نه. ساختار اجرایی کشور الان با این چنین مشکلاتی روبروست.

برای روشن‌تر شدن بحث مثالی می‌زنم. بنده مدتی است مباحث مربوط به موانع تولید علم در کشور را تعقیب می‌کنم، چرا علم در ایران تولید نمی‌شود؟ با اساتید و افراد مختلف و متنوعی هم صحبت کردم، هر چه نظر در این زمینه بود را جمع کردیم، دیدم واقعا موانع چیزهای خاصی نیستند، بلکه همه‌ی آن‌ها در ۷ موضوع خلاصه شد. شما این ۷ مساله را حل کنی، کار خیلی راه می‌افتد. بعد ایسن ۷ موضوع هم چیزهای خاصی نیست. مثلا اساتید حال تعامل با یکدیگر و با دانشجویان را ندارند و... در خیلی از موضوعات که کار گیر کرده است، این‌طوری گیر کرده است. مثلا یک‌باره به بنده‌ای که نمی‌دانم این وزارت‌خانه چنداناً ساختمان دارد و... می‌گویند برو راس این دستگاه. طبیعی است که خیلی که با استعداد باشم، یک سال طول می‌کشد تا مناسبات حاکم بر آن دستگاه را بفهمم. در حالی که کسی که می‌خواهد وزیر شود نه تنها باید این‌ها را بداند بلکه باید برای جزء-آن‌ها طرح و برنامه داشته باشد. موانع را بشناسد تا بتواند کار را پیش ببرد. بعد می‌بینی خیلی راحت می‌گویند وزارت تعاون نشد، اشکالی ندارد بیا برو وزارت آموزش و پرورش. بعد می‌بینی که در سیستم آموزش و پرورش حدود یک میلیون نفر هم نیرو داری.

این نکته تنها از آفات این دولت [دولت اصلاحات] نیست بلکه می‌بینی هر که می‌آید همین مدلی عمل می‌کند. این مساله و آفت که تنها در سطح وزیر باقی نمی‌ماند، بلکه در مورد معاونین و مدیرکل‌ها هم هست. من بارها این مثال را در جمع دوستان گفته‌ام. مثلاً همین جمع بلند شویید و بروید سراغ یک بقالی در همین اطراف، بگویید ما آدم‌های خوبی هستیم، همان‌هایی هستیم که چند وقت پیش در حمایت کارتون‌خواب‌ها، کارتون‌خوابی کردیم! و... یک هفته بقالی‌ات را بسپار به ما و برو مرخصی. ببینید آیا حاضر خواهد شد که مغازه‌اش را بدهد دست شما؟! خواهد گفت که اشکالی ندارد ولی اول شما یک مدتی بیا این‌جا کار کن، ببین چه کسی شیر می‌آورد، چه کسی نوشابه می‌آورد، بفهم که کار از چه قرار است، بعدش مشکلی ندارد در اختیار شما می‌گذارم. حالا ما به یکباره یک دستگاه را در اختیار یک نفر قرار می‌دهیم، تازه وقتی می‌رود سرکار، می‌خواهد بفهمد که آن‌جا چه خبر است! طبیعی است که کار پیش نمی‌رود. مشکلات دیگر مثلاً افرادی هستند که چند شغل دارند، یا این‌که کار سیستمی نیست بلکه قایم به فرد است. یعنی آن‌که خوب هم کار می‌کند، قائم به خودش است، به محض این‌که از آن مسئولیت می‌رود، کار برمی‌گردد به صفر. لذا باید ساختار اجرایی کشور اصلاح شود وگرنه شما بهترین برنامه‌ها و طرح‌ها را فراهم کن، ولی با این سیستم اجرا نمی‌شود. تا چرخ پنجر باشد ماشین راه نمی‌رود. این یکی دیگر از آن بحث‌های مهم است.

مشکل سیستم فرسودگی و فساد است

این سیستم عریض و طویل دیوان‌سالاری کشور، سیستمی نیست که بگوییم مجانی کار می‌کند، من بارها این مثال را در جمع دوستان زده‌ام که اگر شما بودجه‌ی کشور را یک منبع آب در نظر بگیرد، این منبع آب می‌بایست بیست واحد آب داشته باشد که به دلایل مختلف اکنون ده واحد آب دارد، اما مشکل مهم کشور این است که همین ده واحد هم به باغچه‌ها نمی‌رسد. چرا که قرار است این آب به وسیله‌ی لوله‌های فاسد و پوسیده و شیلنگ‌های سوراخ به باغچه‌ها برسد، لذا از همان ده واحد هم تنها دو واحدش به باغچه‌ها می‌رسد و هشت واحد آن در سیستم هرز می‌رود. چه کسی باید جلوی این هرز را بگیرد؟ این اصلاح هم صرفاً با کارهای شکلی صورت نمی‌گیرد.

طبقه‌ی متوسط مدیران را از میان برداریم!

یکی از مشکلات دیگر ساختار اداری و اجرایی کشور ما که من خودم خیلی رویش نظر دارم این است که یک قشری حداقل در طبقه متوسط مدیران کشور وجود دارند که این‌ها در طی ۱۵-۲۰ سال اخیر همواره بر سر کار بوده‌اند، یعنی چپ آمده یا راست آمده، هر کسی بیاد و برود باز هم این‌ها هستند، بیشترین استفاده و سوءاستفاده را همین افراد داشته‌اند. جالب هم این است که هر کسی هم که سرکار می‌آید این‌ها عوض نمی‌شوند. من همین الان می‌توانم در برخی حوزه‌ها برخی افراد را نام ببرم که در دوران‌های مختلف [که جریان‌های سیاسی مختلف بر کشور حاکم بوده‌اند] کار دست‌شان بوده است، والان هم علی‌رغم این‌که نمی‌دانم چه کسی قرار است رئیس‌جمهور شود، می‌توانم به شما قول بدهم که سال دیگر همین موقع، همه‌ی این افراد باز هم سرکار خواهند بود. خیلی هم راحت و خاطر جمع کارشان را می‌کنند. اگر این سنخ افراد را نتوانید از سیستم بیرون بکشید، بسیاری از کارها

و اصلاحات شکلی هم نتیجه نمی‌رسد. ماهیت کار عوض نمی‌شود. می‌بیند شما امروز شعار جامعه‌ی مدنی می‌دهی، متناسب با آن برایت گزارش و طرح و... می‌نویسد، فردا کس دیگری مسئول می‌شود، برای او حزب‌اللهی می‌نویسد. در کنار همه‌ی این‌ها به راحتی کار خودش را هم انجام می‌دهد.

می‌خواهیم کاری کنیم تا آن پول مملکت هدر نشود

یادم هست که در دوران مجلس چهارم و دولت آقای هاشمی رفسنجانی، ما کلی انتقاد می‌کردیم و می‌گفتیم که این چه وضع سفرهای خارجی است؟ مردم نان ندارند که بخورند بعد طرف راحت می‌رود خارج، تازه روزی ۶۰ دلار هم پول به صورت فوق‌العاده به او می‌دهند و از این سنخ حرف‌ها... آن زمان آقای دری مسئول کمیسیون برنامه و بودجه بود، بعد از این همه صحبت، انصافاً مجلس چهارم یک شاهکار انجام داد و فوق‌العاده‌ی ارزی مأموریت خارج از کشور را لغو کرد. ما خوشحال شدیم و گفتیم این همان چیزی بود که ما می‌خواستیم. چون خیلی‌ها سفرهای خارجی را فقط برای فوق‌العاده‌اش می‌رفتند. مجلس تصویب کرد که فوق‌العاده‌ی ارزی سفرهای خارجی لغو و به جای آن

مثلاً روزی ۵ هزار تومان به حساب‌شان واریز شود. هنوز سه ماه یا ۴ ماه نگذشته بود که دیدیم یک بخش‌نامه آمد که با توجه به مصوبه مجلس، فوق‌العاده‌ی مأموریت خارجی ۵۰۰۰ تومان است، اما بر اساس جدول ذیل هزینه‌هایی که در مأموریت برای افراد پیش می‌آید را بدهید، بعد لیست کرده بودند که مثلاً وزیر ۱۳۰ دلار، معاون وزیر ۹۰ دلار، و... یعنی دوبرابر شد. چون فرد هم روزی ۵۰۰۰ تومان را دریافت می‌کرد و هم اگر قبلاً به اسم هزینه‌های سفر ۵ دلار می‌گرفته، الان ۶۵ دلار می‌گرفت. من مات مانده بودم. بخش‌نامه هم با امضای معاون اول آقای هاشمی، یعنی آقای دکتر حبیبی آمده بود. آن سال تقریباً هزینه‌ها دوبرابر شد.

خوب چه کسی در سیستم این بخش‌نامه را تنظیم می‌کند؟

این همه مشکل در کشور وجود دارد، در عرصه‌های مختلف کار خوابیده و کسی به فکر نمی‌افتد، اما در این موضوع به این سرعت بخش‌نامه‌ای متناسب تنظیم و ابلاغ و اجرا می‌شود! [مثال دیگر این‌که] وقتی آقا در سال ۷۰ فرمودند که ماشین‌های دولتی استفاده نکنید، فرمایش بسیاری از مسئولین از جمله آقای کروبی که آن زمان رئیس مجلس سوم بود، لبیک گفتند [و برای اجرایی کردن این رهنمود] ستادی تشکیل شد و... بعد از حدود دو-سه ماه دوباره یک بخش‌نامه با امضای آقای حبیبی آمد که پیرو فرمایشات مقام معظم رهبری، از این به بعد کسی اجازه استفاده از ماشین‌های دولتی را ندارد مگر افراد ذیل؛ یک صفحه و نیم فقط اسامی مسئولیت‌هایی بود که اجازه استفاده داشتند. باور کنید این چک نیست، بنده بخش‌نامه‌اش را داشتم. بند شماره‌ی ۲ این بخش‌نامه هم این بود که این افراد استفاده‌ی شخصی هم می‌توانند انجام دهند! البته با رعایت فلان مساله. خوب ما که نمی‌خواهیم شعاری بدهیم تا بقیه بگویند این فرد ساده‌زیست بود یا...، ما می‌خواهیم واقعا این کار عملی شود تا آن پول هدر نشود. بودجه مملکت به مصرف واقعی برسد. آب به باغچه برسد نه این‌که در مسیر هرز برود.



پرویز امینی

از تکنوکرات‌های سکولار تا تکنوکرات‌های مسلمان؛ تکنوکرات‌ها دغدغه‌ای جز ساخت پل و جاده ندارند / در تکنوکراسی دغدغه‌های فنی بر دغدغه‌های فراقنی مثل عدالت غلبه دارد

مفاهیم «تکنوکرات» و «تکنوکراسی» در ادبیات سیاسی ایران پس از انقلاب، با نام‌های رفسنجانی و کارگزاران سازندگی گره خورده است. تکنوکرات‌ها خود را مدیرانی «کارآمد» می‌دانستند که به بهانه کارآمدی خود، ابایی برای عبور از بسیاری از ارزش‌های انقلاب نداشتند و با صراحت نیز این مسأله را عنوان می‌کردند.

این روزها در آستانه انتخابات یازدهم ریاست جمهوری، بار دیگر خطر حضور تکنوکرات‌ها در انتخابات حس می‌شود و اگر در دهه ۷۰ تکنوکرات‌های سکولار با چنبره زدن بر ارکان مدیریتی کشور، آسیب‌های جدی و بعضاً غیر قابل جبرانی به انقلاب وارد کردند، امروز تکنوکرات‌های مسلمان با تعاریف جدید و غریب از مفهوم تکنوکراسی؛ در عمل همان شی را ادامه می‌دهد و بار دیگر خطر حضورشان بر صدر قوه مجریه به بهانه «کارآمدی» احساس می‌شود.

در همین رابطه پرویز امینی محقق و پژوهشگر علوم سیاسی طی گفتگویی که با فارس داشته است، ضمن تعریف مفاهیمی مانند تکنوکرات و تکنوکراسی، به توضیحات دیگری نیز در این باره پرداخته است.

وی درباره مفهوم تکنوکراسی و مفهوم تکنوکرات اظهار داشت: تکنوکرات از لحاظ لغوی به معنای حاکمیت تکنیک است و حاکمیت فن و تکنیک به خودی خود به معنای پذیرش «سلطه صاحب تکنیک» است که به وی فنان یا متخصص گفته می‌شود.

امینی با اشاره به اظهار نظر برخی افراد مبنی بر اینکه تکنوکرات چیز بدی نیست تصریح کرد: بحث درباره این نیست که تخصص و استفاده از فناوری خوب است یا بد بلکه بحث بر سر این است که «سلطه تکنیک» یا «سلطه متخصص» خوب است یا نه؟ وقتی بر حاکمیت تکنیک و فن آوری تأکید داریم معنایش این است که در «تصمیم‌گیری» درباره مسائلی و پدیده‌ها و «انتخاب» راه‌ها و کارها دغدغه‌های فنی و تکنیکی نقش «درجه اول» را دارند و بر سایر دغدغه‌ها «ارزشی و انسانی و اخلاقی» ترجیح می‌یابند و مسأله و مناقشه از این جا آغاز می‌شود.

مفهوم تکنوکراسی در سطحی عمیق‌تر در «عقلانیت ابزاری» ریشه دارد

این کارشناس مسائل سیاسی با تأکید بر اینکه تکنوکرات هیچ دغدغه فراقنی و فرائتکنیکی را اعم از دین و اخلاق در مناسبات تصمیم‌گیری خود به رسمیت نمی‌شناسد، ادامه داد: مفهوم تکنوکراسی در سطحی بالاتر و عمیق‌تر در مفهوم «عقلانیت ابزاری» ریشه دارد و فهم درست و عمیق آن محتاج فهم عقلانیت ابزاری است. به عقلانیت ابزاری، عقلانیت فنی و تکنیکی نیز گفته می‌شود که برجسته‌ترین لایه عقلانیت در اندیشه مدرن است.

وی با اشاره به اینکه ماکس وبر از مهمترین چهره‌های فکری غرب در تئوریزه کردن این مفهوم است گفت: وبر کنش‌های انسانی را به چهار دسته کنش‌های معطوف به سنت، عاطفه، هدف و کنش‌های معطوف به ارزش تقسیم می‌کند. امینی ادامه داد: وبر با تأکید بر روی کنش معطوف به هدف به عنوان یک کنش عقلانی، عقل ابزاری را تجلی صورت بخشیدن به چنین کنشی می‌داند.

امینی در وصف بیشتر مفهوم تکنوکراسی گفت: کار عقل ابزاری در کنش معطوف به هدف ایجاد تناسب بین ابزارها و اهداف است و بنابراین درباره خود اهداف به لحاظ ارزشی و اخلاقی داوری ندارد و اساساً برایش موضوعیت ندارد و فقط تحقق هدف مهم است. همچنین درباره وسائیل نیز ملاحظاتی فنی و تکنیکی اساس است و هیچ ملاحظه فراقنی در آن مطرح نیست.

این کارشناس مسائل سیاسی ادامه داد: تصور کنید که می‌خواهیم در شهر اتوبانی بسازیم؛ کسی که دارای عقل ابزاری است سوال اصلی اش این است که آیا این اتوبان منجر به تسهیل ترافیک می‌شود یا خیر؟ آیا به تسهیل امور شهری کمک می‌کند یا خیر و در واقع اینها را به

عنوان هدف مطرح می‌کند چراکه عقل ابزاری صرفاً دغدغه فنانیت دارد اما یک عقل دینی که عقل کلی هم به آن گفته می‌شود و در برابر عقل ابزاری که به عنوان عقل جزئی است، محسوب می‌شود می‌پرسد وضع کسانی که خانه‌های خود را در این اتوبان سازی از دست می‌دهند چه خواهد شد؟ آیا این موضوع موجب افزایش شکاف طبقاتی می‌شود؟ محیط زیست چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ این کار موجب برتری طبقه فرادست بر طبقه فرودست می‌شود یا نه؟ و پس از حل این مسائل، به دغدغه‌های فنی توجه می‌کند.

عقل فنی بخشی از دغدغه‌های عقل دینی است

در واقع کسانی که دغدغه ارزش‌های فرائتکنیکی مثل عدالت دارند از این موضع سوال می‌پرسند و دغدغه اقصای محروم و کم درآمد را دارند بنابراین پرسش‌های این عقل از این جنس است و عقل فنی بخشی از دغدغه‌های اوست و دغدغه‌های بسیار مهم‌تری دارد و به دنبال مراعات قانون، اخلاق و منطق است.

وی تصریح کرد: تفاوت عقل ابزاری و غیرابزاری در اینجا مشخص می‌شود. شما وقتی از تکنوکراسی دفاع می‌کنید به معنای دفاع از عقل ابزاری در برابر عقل فرا ابزاری و دینی است و باید متوجه این مفهوم بود.

«فلسه پولادین» تجلی عقل ابزاری در اداره جامعه است این کارشناس مسائل سیاسی ادامه داد: یکی از مهم‌ترین نظریه پردازان عقل ابزاری ماکس وبر است که علاوه بر مزایایی که برایش قابل است، مشکلاتی را برای آن قائل می‌شود و معتقد است که غلبه عقل ابزاری به

سلطه بوروکراتها و تکنوکراتها بر زندگی اجتماعی منجر می‌شود. در حالی‌که آنها آدم‌های متوسطی هستند که دغدغه‌های فنی و تکنیکی دارند در حالی‌که جامعه از نظر اخلاقی نیاز به دغدغه‌های بلندتری دارد. لذا وبر از سازمان‌های بوروکراتیک به عنوان «فلسه پولادین» یاد می‌کند که تجلی عقل ابزاری در اداره جامعه هستند.

وی افزود: در عقل ابزاری آدم‌هایی برای ما تصمیم می‌گیرند که افراد متوسط با دغدغه‌های فنی هستند از این رو وبر به وجود کاریزما در جامعه توصیه می‌کند و معتقد است باید کاریزمایی وجود داشته باشد که درباره مبانی و جهت‌گیری‌های ارزشی تصمیم بگیرد تا همه چیز در تصمیم‌گیری برعهده افراد متوسط قرار نگیرد تا زندگی در سایه این عقل مدرن قابل تحمل‌تر بشود.

امینی ادامه داد: هابرماس از مهمترین متفکران غرب سه نوع عقلانیت را مطرح می‌کند که یکی عقلانیت ابزاری است و آن را نازل‌ترین سطح عقلانیت می‌داند و لایه دوم عقل ارتباطی و لایه سوم عقل عملی است که وی معتقد است عقل ابزاری تصرف را طبیعت را انجام می‌دهد و عقل ارتباطی تفاهم و نیای ما به ارتباط و عقل عملی عقل‌رهایی بخش و آزادی خواهی است.

این کارشناس مسائل سیاسی ادامه داد: تکنوکراسی زیرمجموعه عقل ابزاری است و ما باید عقل ابزاری را به خوبی متوجه شویم چرا که مدافعانی همچون ماکس وبر نیز خودشان نسبت به این مسئله منتقد هستند و از آن به عنوان فلسه فولادی یاد می‌کند و هابرماس نیز منتقد دیگری است که از عقل ابزاری به عنوان نازل‌ترین سطح عقل یاد می‌کند.

مخالفت پست‌مدرن‌ها با غلبه عقل ابزاری

وی با بیان اینکه نقطه شاخص و مشترک تفکر پست‌مدرن که چهره غالب فکری امروز دنیا هستند، مخالفت با همین عقل ابزاری است افزود: آنها این نوع سلطه عقل ابزاری را نمی‌پذیرند و رد می‌کنند.

امینی در ادامه تأکید کرد: ساختن پل، جاده و دغدغه‌های سخت افزاری در ذیل این تفکر مطرح می‌شود و توجه ندارند که این مسیر چگونه طی می‌شود و در واقع دغدغه‌هایی فراتر از دغدغه‌های فنی نداشته‌اند و مسأله‌های اجتماعی و تغییرات ارزشی را در دوره غلبه تکنوکرات‌ها داشتیم که جامعه را از ارزش‌های عدالت‌خواهانه و ساده‌زیستی و مبارزه با اسراف و طرفداری از قناعت به یک جامعه مصرف‌گرا، تجمل‌گرا و ثروت‌گرا تبدیل کرد. چرا که آنها با عقل محدود ابزاری تصمیم می‌گرفتند و فراتر از نگاه ابزاری و تکنیکی دغدغه‌ای نداشتند.

چرا روحانی از واقعیت فرار می‌کند؟



مهدی محمدی

است که آیا آقای روحانی کاری جز این کرده است که در برنامه هسته‌ای ایران — مثلاً در نطنز — در حد آزمایشگاهی یک آزمایش انجام داده و بعد برنامه را تعلیق کرده است؟ در واقع در دوره آقای روحانی به تدریج برنامه ایران تعطیل شد نه اینکه توسعه پیدا کند و غربی‌ها هم در پیشنهاد اوت ۲۰۰۵ صراحتاً گفتند که هدف آنها از تضمین‌های عینی که ایران باید واگذار کند تعطیلی همیشگی غنی‌سازی در ایران است.

۳ — آقای روحانی ادعا می‌کند که شورای حکام در نوامبر ۲۰۰۴ صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را پذیرفته است. سؤال این است که اگر واقعاً چنین است، چرا پرونده ایران پس از آن به شورای امنیت ارجاع شد؟ آیا غربی‌ها با یک جمله ساده و قطعنامه نوامبر ایشان را فریب نداده و تعلیق برنامه غنی‌سازی را از ایشان نگرفته بودند؟

۴ — آقای روحانی ادعا کرده است که در دوره ایشان با رؤسا صحبت می‌شد و در دوران جدید با مدیران کل صحبت شده است. آیا آقای روحانی نمی‌داند که نمایندگان ۵+۱ در مذاکرات با ایران معاونان وزرای خارجه و مسئولان پرونده ایران در وزارت‌خانه‌های متبوع خود هستند نه مدیران کل؟ ضمناً ایران در مکانیسم ۵+۱ امریکا را هم وارد کرده در حالی که در دوره آقای روحانی مذاکرات صرفاً با وزرای خارجه اروپایی انجام می‌شد و امریکا به راحتی تصمیم‌های آنها را وتو می‌کرد. هدف آقای روحانی از این دروغ‌پردازی‌ها چیست؟

۵ — آقای روحانی در اظهارات خود گفته است که وزرای خارجه اروپایی به او قول داده بودند در صورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت اقدام امریکا را وتو کنند. اما چرا روحانی این موضوع را به مردم نگفت که در همان مذاکرات او به غربی‌ها قول داده بود که برنامه غنی‌سازی ایران را تعطیل نگیرد و در واقع به‌ازای این موضوع اروپایی‌ها پذیرفتند از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت خودداری کنند؟

حضور آقای حسن روحانی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری دوشنبه شب (۶ خرداد) و اظهارات وی درباره برنامه هسته‌ای ایران، نگرانی در این باره را که آقای روحانی نگرانی مناسبی برای حقوق ملت ایران باشد، به شدت افزایش داده است. آقای روحانی در حالی صدا و سیما را متهم به دروغ‌گویی و تهمت‌زنی و منتقدان خود را متهم به بی‌سوادی کرد که خود جلوی دوربین صدا و سیما حداقل چند دروغ بزرگ به مردم گفت و در مواردی هم نشان داد که به‌خلاف آنچه ادعا می‌کند از دانش کافی برای حتی روایت تاریخ پرونده هسته‌ای — که خود زمانی مسئول آن بوده — هم برخوردار نیست چه رسد به مدیریت آن.

چند سؤال ساده زیر مسئله را روشن می‌کند:

۱ — آقای روحانی همواره از عدم ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت به‌عنوان یکی از افتخارات دوران مدیریت خود نام می‌برد اما به دو سؤال پاسخ نمی‌دهد:

اول — این عدم ارجاع به چه قیمتی بود و آیا این هنر است که ما همه‌چیز را تعطیل کنیم تا پرونده به شورای امنیت نرود؟ و آیا اساساً وقتی بنامت چنین روشی در پیش گرفته شود، دیگر «مدیریت» معنا پیدا می‌کند؟ آیا نمی‌توان همه‌چیز را تعطیل کرد و خود را خلاص نمود؟

دوم — آقای روحانی باید به این سؤال جواب دهند که مبنای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران آیا در زمانی جز دوره مدیریت ایشان بنا نهاده شد؟ اگر آقای روحانی در توافق‌نامه‌های تهران، بروکسل و پاریس تعهد نمی‌دادند که تعلیق یک اقدام اساسی برای اعتمادسازی است، آیا غرب دیگر می‌توانست موقعی که ایران تصمیم گرفت غنی‌سازی را آغاز کند، ایران را به عدم‌پای‌بندی به تعهداتش متهم کرده پرونده را به شورای امنیت بفرستد؟ این تعهدات را چه کسی برای ایران ایجاد کرده بود؟

۲ — سؤال دیگر این است که آقای روحانی همواره گفته‌اند — و در برنامه انتخاباتی خود هم تأکید کردند — که برنامه هسته‌ای ایران در دوره ایشان تکمیل شده است. سؤال اصلی در این باره این

خاطرات کوتاه و خواندنی از دکتر جلیلی

آقای جلیلی شما جبهه رفته اید؟!!

در یکی از جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ یکی از بچه‌زب‌اللهی‌ها ازش پرسید: «آقای جلیلی! شما جبهه رفته‌اید؟». هنوز خیلی‌ها متوجه مصنوعی بودن پای سعید جلیلی نشده بودند. سعید جلیلی را از زمستان ۷۸ می‌شناسم؛ زمانی که کاندیدای انتخابات مجلس ششم در مشهد شد.

در یکی از جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ یکی از بچه‌زب‌اللهی‌های‌ها ازش پرسید: «آقای جلیلی! شما جبهه رفته‌اید؟». هنوز خیلی‌ها متوجه مصنوعی بودن پای سعید جلیلی نشده بودند.

اینطور وقتها من باشم، پای مصنوعی‌ام را روی میز می‌گذارم و می‌گویم: ربا نشه، بله! سعید جلیلی اما گفت: یک کمی بودم!

این طرز جواب دادن سعید جلیلی، سؤال‌کننده را به شک انداخت که شاید دکتر جلیلی جبهه نرفته؛ یا فقط سری به جبهه زده بوده. پرسید: چقدر؟ آقای جلیلی دوباره گفت: «کمی». حالا شک جوان باز هم بیشتر شد و گفت: «آقای جلیلی شفاف باشید؛ چقدر جبهه بوده‌اید؟» و هرچه او اصرار کرد، آقای جلیلی با لیخنند بالاخره جواب جوان را درست نداد؛ چه برسد به اینکه بگوید جانباز است و پای راستش مصنوعی است.

مهمترین معاون وزارت امور خارجه با پای پیاده!!!

به گمانم اواخر سال ۸۴ یا اوایل سال ۸۵ بود. چند ماهی از سمت جدید دکتر جلیلی گذشته بود که معاون اروپا-آمریکای وزیر خارجه شده بود. هنوز چهره‌اش رسانه‌ای نبود و کسی هم نمی‌شناختش.

جمعهای در مشهد، با خانم رفته بودیم نماز جمعه. از نماز جمعه که برمی‌گشتیم، هنوز در محدوده حرم بودیم که سعید جلیلی را تنها دیدم. به خانم نشانش دادم و گفتم: کسی باور می‌کند این آقا، مهمترین معاون وزیر خارجه است؟!

سلام و علیکی کردیم با دکتر و رد شدیم. از باب‌الجواد بیرون رفتیم. به گمانم موتور داشتیم. تا رفتیم موتور را برداریم و برویم، کمی طول کشید. سوار موتور که شدیم، دویت-سیصد متر جلوتر آقای جلیلی را دیدم که بدون وسیله دارد کنار خیابان پیاده می‌رود و ظاهراً دنبال وسیله‌ای می‌گردد تا سوار شود. سعید جلیلی خودش مشهدی است و می‌داند که اینطور وقتها بیرون حرم امام رضا فقط تاکسی در دست پیدا می‌شود؛ و گرنه بسختی می‌شود تاکسی پیدا کرد. حالا آقای معاون وزیر، نه تنها ماشین و راننده نداشت، به‌نظرم داشت دنبال موتور کرایه‌ای می‌گشت تا بگیرد و سوار شود! تا نزدیکی‌های چهارراه خسروی که به‌خاطر ازدحام جمعیت، سرعت من هم کم بود، برمی‌گشتم و می‌دیدم که هنوز وسیله‌ای گیرش نیامده.

سعید آقا قدم رنجه فرمودید؟!!!

داشتم جوشکاری می‌کرد. دیدم یک نفر خم شد و در گوشم گفت سلام علیکم. سرم را بلند کردم و ماسک جوشکاری را کنار زدم و دیدم سعید آقای جلیلی است. خدا قوتی گفت. در حال صحبت بودیم که شاگردم آمد و جوشکاری را ادامه داد. جرقه‌ها رو پای سعید آقا می‌ریخت و ایشان پایشان را عقب می‌کشیدند. به شاگردم گفتم دست ننگه دار. گوش نکرد و بلند گفت مگه این کیه؟ سعید آقا خندید. به شاگردم توپیدم. او هم دست کشید.

سعید آقا قدم رنجه فرمودید!

با سفرای مقیم خارج از کشور با آیت‌... طبسی جلسه داشتیم. یک ساعت فرصت بود که به دیدار پدر و مادرم بیایم. الان از خانه می‌آیم. گفتم سری هم به شما بزنم. خداحافظی کرد و آن طرف خیابان سوار تاکسی شد و رفت. به شاگردم گفتم می‌دانی ایشان که بود. او معاون وزیر خارجه بود.

مصاحبه نمی‌کنم تا پارتی بازی نشود

آن روزها خبرنگار بودم. سردبیر، من را به همایشی فرستاده بود که قرار بود سعید جلیلی از سخنرانانش باشد. گفته بود فقط بروم و با سعید جلیلی مصاحبه کنم و برگردم.

سخنرانی سعید جلیلی که تمام شد، خبرنگارها ریختند دورش که سؤال بپرسند؛ ولی دکتر جلیلی گفت: امروز مصاحبه نمی‌کنم.

خبرنگارها سابقه اینطور چیزها را زیاد دارند. ولی گاهی در بین خبرنگارها کسی که اصرار بیشتری به مصاحبه دارد، دنبال مقام مسئول می‌رود تا در یک جای خلوت و به‌دور از چشم بقیه خبرنگارها مصاحبه‌اش را انجام دهد. معمولاً هم مسئولین اینطور وقتها خبرنگار را دست خالی برنمی‌گردانند. من هم طبق همین سنت، دنبال دکتر جلیلی رفتم تا جایی که خبرنگار دیگری نیست، مصاحبه‌ام را انجام دهم. اگر مصاحبه نمی‌کردم، رفتنم به آن همایش، کلاً بی‌خاصیت بود.

پشت سر دکتر جلیلی رفتم تا جایی که خلوت‌تر بود. سلام کردم؛ برگشتم و خیلی گرم احوالپرسی کرد از خودم و خانواده. بعد از احوالپرسی گفتم: «آقای دکتر! من امروز فقط برای پرسیدن یک سؤال از شما به این همایش فرستاده شده بودم. لطفاً دست خالی برم نگردانید.» با لیخنند و خنده‌ای که معمولاً جلوی دوربینها کمتر از او دیده می‌شود(!)، جواب داد: نه؛ الان بقیه خبرنگارها را رد کردم و اگر جواب شما را بدهم، پارتی‌بازی می‌شود!

به استادش گفت «این صفر شما برای من، از صد هم باارزش تر است»

آیت‌... علم‌الهدی در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ که معاون آموزشی دانشگاه امام صادق‌علیه‌السلام بوده اند، این خاطره را در جلسه نقد معاونت آموزشی دانشگاه، بیان فرمودند:

ما یک دانشجو در این جا [دانشگاه امام صادق‌علیه‌السلام] داشتیم که در حال حاضر جزو نیروهای ارزشی نظام است به نام دکتر سعید جلیلی، ایشان در یکی از کلاس‌ها سر یک مساله‌ای با استاد همان کلاس درگیر شدند، و استاد با کمال بی‌رحمی به او صفر داد. ما هم با همه‌ی قوا بسیج شدیم تا مشککش را حل کنیم، اما متأسفانه نتوانستیم. ایشان رسماً به استادش گفت که «این صفر شما برای من از یک [نمره] صد هم با ارزش‌تر است. چون من در راه اسلام این صفر را گرفتم و آن قدری که من در این صفر گرفتن از شما، ادعای برتری و فضیلت می‌کنم در از دست‌دادن پای قطع شده‌ام در جبهه احساس فضیلت نمی‌کنم.» اصلاً این استاد خُرد شد. وضعیت به گونه‌ای شد که تا مدت‌ها دیگر نمی‌توانستند با دانشجو برخورد این‌گونه بکنند. البته ما هر کار کردیم نتوانستیم مشککش را حل کنیم، چون از نظر قانونی نمی‌شد کاری کرد...

دو سه مرتبه ای آمدم، مغازه ات بسته بود

رفته بودم تهران. اتفاقی پیش آمد و سعید آقا را بعد مدتی دیدم. از او گله مند بودم که چرا ما را فراموش کرده است. گفتم: دو دوست بودند که یکی شان به وزارت رسید و به دوستش گفت هر وقت کارت به مشکلی خورد بیا پیش من. او هم هر روز جلوی وزارتخانه می‌رفت و وزیر به او توجهی می‌کرد. وزیر بعد از پایان دوران وزارتش به محله خود بازگشت و دوست خود را دید و گله کرد که چرا نیامدی تا برایت کاری بکنم. او هم در جواب گفته بود که هر روز زیر درخت چنار می‌ایستاده و او را صدا می‌زده. وزیر سابق هم گفته بود کدام درخت. دوستش خندید و گفت تو وقتی درخت چنار به آن بزرگی را ندیدی نیایدم که من را می‌دید. سعید آقا همه را گوش کرد. بعد خندید و گفت: اشتباه می‌کنی آقای اخلاقی.

دو سه مرتبه ای آمدم، مغازه ات بسته بود.

دانشکده علوم سیاسی در دانشگاه ما دانشکده حساس و مهمی است. به خاطر همین ما رئیس دانشکده ای می خواستیم که هم علوم سیاسی را خوب فهمیده باشد و هم نگاه اسلامی قوی داشته باشد. در علوم سیاسی یا افراد آدم های باسوادی هستند ولی اعتقاد عمیقی به انقلاب ندارند یا بالعکس. دکتر هر دو ویژگی را داشت. برای همین گزینه ما او بود. پیگیر این موضوع بودیم و با افراد و اساتید زیادی رایزنی می کردیم. البته دکتر اسم و رسمی برای خودش در دانشکده هوا نکرده بود. به ما می گفت "نه" ولی ما موضوع را رها نمی کردیم. به دلایلی نشد....

چند سالی گذشت....
دکتر مسئول بررسی های جاری بیت رهبری شده بود. رئیس جدیدی برای دانشکده می خواستیم ولی هر چه دانشگاه و معاون آموزشی دانشگاه اصرار کردند، بیت اجازه نداد بیاید. خودش هیچ ان قلمی نیاورد....

دکتر می گفت: من در عرصه تبلیغات، «چه نباید کرد» را بیشتر می دانم

من ذکر او انثی... شروع می کرد و حیات طیبه را توضیح می داد. و می گفت: "مجلس یک عرصه است برای عمل صالح و عمل صالح در مسجد سامان پیدا می کند."
شب آخر تبلیغات، یکی از دوستان، مسجد فقیه سبزواری- یکی از شلوغ ترین مساجد جنوب شهر- را هماهنگ کرده بود. ما چهارراه برق، یک نمایشگاه انسانی راه انداخته بودیم و دیرتر رقیتم مسجد. دیدیم خیلی شلوغ است و یکی از نامزدهای انتخابات و همراهانش هم آمده اند. بچه ها می گفتند: "این آقا که وقت صحبت ندارد..." بعد از نماز بود که یکی از همراهانش رفت کنار سعید آقا نشست و با هم حرف زدند. دوستم تا این صحنه را دید، گفت:

- تمام شد!...
با تعجب دیدیم آن آقای نامزد رفت و شروع کرد، مفصل به صحبت کردن که:

- من قبل از انقلاب با دوچرخه دنبال سخنرانی های آیت الله خامنه ای بوده ام و....
آنقدر حرفش طولانی شد که بسیاری از نمازگزاران رفتند و موقع سخنرانی دکتر، در حد یکی دو صف مانده بودند. موقع سخنرانی سعید آقا شاید فقط یکی دو صف مانده بودند. آن زمان رئیس بررسی های جاری بیت رهبری بود ولی روی این موضوع مانور نداد. مثل بقیه سخنرانی هایش از خودش تعریف نکرد. آیه «من عمل صالحاً من ذکر او انثی...» را توضیح داد و درباره ی نقش مجلس صحبت کرد و راهکارهایش را گفت.... بعداً فهمیدیم که همراه آن نامزد، به دکتر جلیلی گفته بود:

- صحبت ایشان برنامه ی دیگر هم دارند، اگر شما اجازه بدهید اول ایشان کنند تا به سخنرانی بعدی شان هم برسند.
سعید آقا هم به راحتی قبول کرده بود و شب آخر فرصت تبلیغاتی، وقت خودش را داده بود به او!!!

یکی از روحانیون معروف شهر، برای کارهای ستاد، یک اتاقک در اختیار بچه ها گذاشته بود. طراح تراکت های تبلیغاتی، از چند تا نماد دفاع مقدس استفاده کرده بود و یک شب وحید آقا آلوم دوران دفاع مقدس را آورده بود تا عکس های دکتر را را اسکن کنند. سعید آقا خیلی با بچه ها آشنا نبود و می خواست بگوید این ها را استفاده نکنید اما نمی خواست تو ذوق ما هم بخورد. هی با وحید آقا چشمی حرف می زد و وحید آقا هم می گفت:

- این را هم حذف کنید!... این را هم !!!
کار رسید به جایی که همه ی نمادها حذف شد، فقط ماند یک پلاک خیلی کوچک در گوشه ی تراکت ماند که رویش نوشته بود "یادگار دفاع مقدس". بعداً شنیدیم سعید آقا از گذاشتن آن هم ناراحت شده بود.

انتخابات مجلس هفتم در مشهد بود. میزگرد برگزار کرده بودیم ناسلامتی، که هر کاندیدی حرف های خودش را بزند. اما بعضی از کاندیدا فضا را می بردند به سمت مناظره و بعد هم تخریب طرف مقابل. دکتر سریع متوجه می شد که می خواهند او یا کس دیگری را تخریب کنند. حواسش جمع بود که دور نخورد. ولی هیچ وقت هم حاضر نمی شد طرف مقابلش را دور بزند و تخریب کند و نگاه خودش را مطرح می کرد.

زمان انتخابات مجلس، مسجد حوض لقمان مشهد سخنرانی داشت. وقتی رفتیم، دیدم عقب مسجد، بچه های ستاد روی یک قسمت از تراکتی که قرار بود بین مردم پخش بشود، با ماژیک سیاه خط می کشند. با تعجب پرسیدم:
- چی کار می کنین؟
یکی از بچه ها گفت:

- این جا نوشته ایم «رئیس بررسی های جاری بیت رهبری»، سعید آقا هم گفته حق ندارید توزیع کنید! ما هم برای این که هم توزیع کنیم و هم اسراف نشود، داریم با ماژیک روی این عبارت خط می کشیم! به دلیل اقدامات تخریبی برخی جریانات خاص در مشهد رای نیاورد. اما حتی حاضر نبود رقیبش را نقد کند، چه رسد به اینکه تخریب شان کند. برای تبلیغات خود در دو دوره کاندیداتوری، یک میلیون تومان هم خرج نکرد! چیزی که در زمانی ما بیشتر به شوخی شبیه است. برایم سوال شده بود که واقعا می خواهد با ایسن هزینه کم رقیب جریانات قدرت و ثروت شود؟!!

برای خودش، سبک خاصی داشت در تبلیغات. هیچ جا ندیدم از سابقه و پیشینه اش بگوید. دوستان مطالبه، در مسجد "حوض لقمان" بین سه نفر از کاندیداها میزگردی ترتیب داده بودند. هر کس پنج دقیقه وقت داشت خودش را معرفی کند و از سوابقش بگوید. نوبت سعید آقا که شد، گفت:

- من از این وقتم استفاده نمی کنم!
یک لحظه دو نفر دیگر برگشتند و نگاهش کردند.
مجری سوال دوم را که محتوایی بود، این بار از سعید آقا شروع کرد. برای کارهای تبلیغی انتخابات مجلس و معرفی دکتر، سراغ چند تا از همکارانش رقیتم و مصاحبه گرفتیم. شده بود شبیه مستندهای روایت فتح، درباره ی شهدا و رزمندگان!
بعد از این که دکتر وارد فضای انتخابات مجلس ششم شد، یک روز در مورد تبلیغات سر حرف را باز کردم که:
- دکتر، شما باید تبلیغات کنید که نمی کنید!
گفت:

- ببین! من اگر در عرصه تبلیغات «چه باید کرد» رو نمی دونم، اما «چه نباید کرد» رو می دونم. بعضی کارها رو نباید کرد.
سخنرانی های تبلیغاتی اش یک روش داشت، با آیه ی "من عمل صالحا



نامه علیرضا قزوه به برادر سعید جلیلی

ای کاش کسی نفهمد که یک پای سعید قطع است

رئیس جمهور واقعی کسی است که هر شب بعد از خواندن چند آیه از قرآن و یک خطبه از مولا علی (ع) دست کم غزلی از حافظ عزیز را بخواند و از حفظ کند نه برای آن که فردا در سخنرانی اش بگوید که من هم حافظ حافظم بلکه به خاطر آن که حافظ و مولانا و بیدل و صائب درس اخلاق و زندگی اند.

می‌توانستند بر صندلی سیاست نیز بنشینند و حکم کنند اما به حکم حکمت و رای عشق دل دادند. شاعر جماعت راستین شاید چیزی را فهمیده‌اند و پا را کنار کشیده‌اند. به قول دکتر شفیعی عزیز: بهشت فیلسوفان دوزخی بود نگهبان بهشت شاعران باش همه‌ی اینها را نوشتیم به خاطر این چند نکته که کاش به گوش برادر برسانی که فلائی تو را سلام رساند و گفت: ای کاش کسی نفهمد که یک پای سعید قطع است تا خدای ناکرده فردا همین پا او را فریب ندهد. رئیس جمهور واقعی من کسی است که در این روزگار سخت گرسنگی مردم دست کم دو سه روز هفته را روزه باشد. بادیگارد هایش روزه باشند که سپر گناهانش باشد. رئیس جمهور واقعی کسی است که هر شب بعد از خواندن چند آیه از قرآن و یک خطبه از مولا علی (ع) دست کم غزلی از حافظ عزیز را بخواند و از حفظ کند نه برای آن که فردا در سخنرانی اش بگوید که من هم حافظ حافظم بلکه به خاطر آن که حافظ و مولانا و بیدل و صائب درس اخلاق و زندگی اند. چقدر حرف باقی ست و تا نگاه می‌کنی شب شده است و می‌بینی که از جلسه امشب باز مانده‌ای... .

سلامی ضمیمه علیکم به شما که این روزها سرتان گرم حماسه است. من برادری کوچکتر دارم درست هم سن و سال سعید شما و پایش هم در کربلائی چهار از همانجایی قطع شده که پای برادر تو. گاهی عاطفه‌ی برادری و قافیه بودن حمید و سعید دل شاعر جماعت را می‌برد. خودت که دیلوی من بعد از فتنه ی ۸۸ چقدر فحش شنیدیم. پنج هزار یادداشت توهمین آمیز صله‌ی شعرهایم شد اما سرم را بالا می‌گیرم و خدای را شاکرم که از آتش فتنه به سلامت گذشتم و گذشتیم. ما سربازان کوچک امام و رهبر عزیزمان بودیم و اما آن مرد که در باران آمد و با نقاب آمد ... اصلاً بگذار بی‌واهمه بگویم که احمدی نژاد آخرین نقابی بود که افتاد و خدا این را حواله کرد تا دیگر به هر کسی اعتماد نکنیم. امشب دوستان مرا دعوت کرده اند به مراسم حضوری دیدار با برادرت. اما من فکر می‌کنم که گردان شعر انقلاب باید به همه جا بروند و با همه ی کاندیداها چهره به چهره رو به رو سخن بگویند. من معتقدم که اهل سیاست هنوز بسیاری چیزها را در باره‌ی فرهنگ و شعر اصیل نمی‌دانند. این که چیزی به نام شعر هوش و حواس ما را سالهاست برده و دل بدو سپرده‌ایم. این که ابن‌سیناها و حافظ‌ها



حضور زن در جامعه باید مجاهدانه و انقلابی باشد

سعید جلیلی در اولین همایش بانوان حامی خود به تبیین جایگاه زن پرداخت که مختصری از این سخنان به شرح ذیل است:

جلسات هم‌اندیشی‌ای که نزد مقام معظم رهبری برگزار شد تاکید بر این بود که در تفکر اسلامی تک سلولی که از آن جامعه را شکل می‌دهیم فرد نیست بلکه خانواده است این نگرش متفاوت آثار مختلفی را در پیش دارد و بر همین اساس اندیشه غربی می‌گوید بر مبنای نگاه هزینه و فایده باید از همه ظرفیت افراد جامعه استفاده کرد و چون زنان نیز نیمی از اعضای جامعه محسوب می‌شوند نمی‌توان به نیروی کار آنها بی‌توجه بود و باید از او نیز در چرخه اقتصادی استفاده کرد؛ آنها بر این مبنای حتی قوانینی نیز تصویب کرده‌اند به تعبیر مقام معظم رهبری حضور زن در جامعه باید مجاهدانه و انقلابی در عرصه‌های مختلف باشد و مهمترین مقاومت فرهنگی را زن در خانواده شکل می‌دهد نگاه تحقیرآمیز به زن و استفاده ابزاری از او و پایین آوردن کرامتش در حد یک نیروی کار و ابزار اقتصادی با نگاهی که اسلام ناب به زن دارد بسیار متفاوت است بر همین اساس ما باید امروز مدعی حقوق زنان در جهان به ویژه در غرب باشیم همانطور که غربی‌ها ۳۰۰ سال ساختارسازی کردند و امروز طوری از ظرفیت زن استفاده می‌کنند که در جهت نگاه آنها باشد ما نیز امروز اگر تاخیر نداریم باید تعجیل کنیم و نگاه مترقی و انقلابی نسبت به زن را متناسب با گفتمان انقلاب تعریف کنیم.

سعید جلیلی در اولین همایش بانوان حامی خود به تبیین جایگاه زن پرداخت که مختصری از این سخنان به شرح ذیل است:
ایمان و عمل صالح دو شرط اساسی قرآن می‌باشد و قرآن به صراحت بیان می‌کند که در اینجا چه مرد و چه زن اگر این دو عامل را در کنار هم داشته باشند به حیات طیبه خواهند رسید.
باور ما این است که اگر می‌خواهیم در زمینه‌های دیگر پیشرفت کنیم باید مبتنی بر گفتمان انقلاب و گفتمان دینی حرکت خود را ادامه دهیم، این موضوع یک ادعا پشت سر خود دارد و آن این است که گفتمان اسلام ناب تنها گفتمانی است که می‌تواند با خود پیشرفت و تعالی داشته باشد و اگر کسانی در مقام انکار یا تهدید و ضایع کردن این گفتمان باشند آنچه رقم می‌زنند برای ما پیشرفت و تعالی مطلوب نخواهد بود.
وقتی شما از یک اندیشه صحبت می‌کنید این دیدگاه به مثابه یک پارادایم مولفه‌های خاص خود را دارد و مفاهیم متناسب با آن پارادایم تعریف می‌شود بنابراین اگر شما از گفتمان اسلام ناب صحبت کنید با سایر اندیشه‌ها متفاوت خواهد بود و این تفاوت در نتایج آنها نیز تاثیرگذار است.
یکی از بحث‌های اندیشه غربی این است که آنها بر اساس فرد در جامعه نظر می‌دهند و برنامه‌ریزی آنها بر این اساس است. در حالی که در اسلام اصالت با خانواده است و در

باور ما این است که اگر می‌خواهیم در زمینه‌های دیگر پیشرفت کنیم باید مبتنی بر گفتمان انقلاب و گفتمان دینی حرکت خود را ادامه دهیم، این موضوع یک ادعا پشت سر خود دارد و آن این است که گفتمان اسلام ناب تنها گفتمانی است که می‌تواند با خود پیشرفت و تعالی داشته باشد

جملات پیامکی دکتر جلیلی

مجموعه جملات زیر برگرفته‌ای از سخنان دکتر جلیلی در دیدارهای اخیر وی با مردم مختلف سراسر کشور است که در قالب پیامک‌های کوتاه می‌توان از آن جهت ارسال به دیگران استفاده نمود.

دکتر جلیلی: زرادخانه قدرت جمهوری اسلامی ایران روستایی است که با دوپست خانوار، ۲۵ شهید و تعداد بیشتری جانباز و آزاده تقدیم انقلاب کرده است.



دکتر جلیلی: - هنر امام، برپایی نظامی بود که در آن، ارزش رأی یک تهرانی با ارزش رأی یک بشاگردی برابر است.



دکتر جلیلی: در طول این سالها، هرجا از خط ولایت انحراف پیدا کرده‌ایم، پیشرفتهای ما متوقف شده است.



دکتر جلیلی: فتنه ۸۸ به‌خاطر این بود که بعضی‌ها ارزش رأی خود را بیشتر می‌دانستند و می‌خواستند رأی مردم شهرستانها و روستاها را وتو کنند؛ اما ولایت فقیه در برابر آنها ایستاد.



دکتر جلیلی: این، مذاکره‌کننده هسته‌ای نیست که توانسته به قدرتهای جهان «نه» بگوید؛ آن چیزی که توانسته به ایران در مذاکرات قدرت بدهد، شهدای روستای معصومیه‌اند.



دکتر جلیلی: نباید دنبال قهرمان باشیم. یک کشور وقتی پیشرفت می‌کند که استعدادهای همه مردم شکوفا و به کار گرفته شود.



دکتر جلیلی: اگر می‌خواستیم برمی‌نای تنش‌زدایی عمل کنیم، کشور ما را در زمان جنگ به یغما برده بودند.



دکتر جلیلی: باید مراقب باشیم به بهانه تنش‌زدایی، ما را از پشت خیمه دشمن برنگردانند.



دکتر جلیلی: دفاع ما از حق هسته‌ای ایران، دفاع از همه حقوق مردم ایران است.



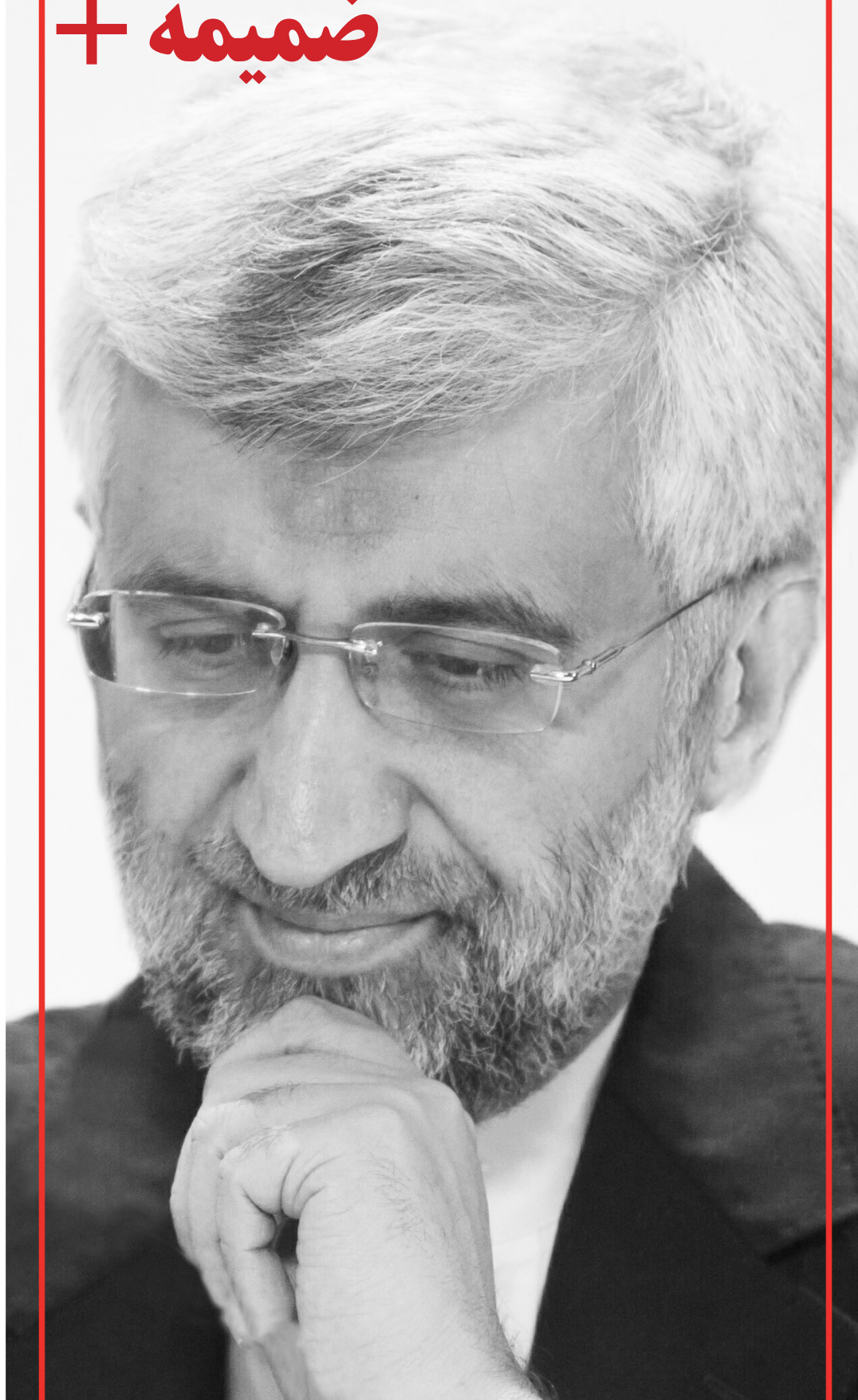
دکتر جلیلی: گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها کدخدایی را برای جهان را نمی‌پذیرد، بلکه هیچ قدرتی به جز خدا را به رسمیت نمی‌شناسد.



دکتر جلیلی: مقاومت ما در برابر حق هسته‌ای، ابرقدرتها را به این نتیجه خواهد رساند که دیگر نمی‌توانند هیچ حق دیگری از حقوق مردم ایران را سلب کنند.



ضمیمه +



چکیده ای از برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی دکتر جلیلی

کاندیدای یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

مقدمه

انقلاب اسلامی تجلی سَنَت الهی است؛ تغییر و تحول انفسی انسان مؤمن و مجاهد در عصر جدید است؛ طلوع فجر صادقی است که بر تارک سیاه دنیای غرب و شرق، برنشته و عالم جدیدی را در افق حیات انسان معاصر برگشوده است.

دوران جدید عالم، آغاز شده است و با ظهور آفتاب انقلاب اسلامی، دسته‌بندی‌هایی نظیر جهان اول و دوم و سوم، رنگ موهم خویش را باخته‌اند و تاریخ جهان را باید از نو نوشت. تاریخ جدید جهان، تاریخ بازگشت انسان به فطرت است؛ تاریخ حیات انبیاء الهی است؛ تاریخ حیات حقیقی بشر و دوران حیات باطنی اوست.

انقلاب اسلامی، بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّا... لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» نتیجه‌ی انقلاب درونی انسانها است که به فرمایش حضرت امام خمینی (ره) تا این تغییر و تحول انفسی حاصل نشود انقلاب بیرونی یا دگرگونی نظام طاغوت و جابجایی قدرت صورت نخواهد پذیرفت؛ انقلاب اسلامی «تقدیر آینده بشریت و جهان» را رقم خواهد زد. بشر در انتظار فردایی دیگر است و از نگاه امام (ره) بدون شک چنین اتفاقی رخ خواهد داد: «ما باید با تمام توان کوشش کنیم تا مردم متوجه گردند که

میشود روی پای خودمان بایستیم؛ میشود در مقابل شرق و غرب از فرهنگ و حیثیت ملی اسلامی مان دفاع کنیم و میتوانیم دنیای مادی را شکست دهیم و پرچم لا اله الا... و مُحَمَّدًا رَسُولًا... را در تمامی دنیا به اهتزاز درآوریم.»

در دوران جدید عالم، مهم‌ترین مانع و دشمن انقلاب اسلامی، استعمار فرانو و استکبار سلطه‌گر است که در صورتهای متنوع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و امنیتی در آن‌سوی این منازعه قرار دارد و در این منازعه و تقابل تمام عیار، یکی از وجوه اساسی نبرد و مقابله، مقابله‌ی اقتصادی است؛ یعنی تدبیر و استفاده‌ی حداکثری دشمن از تهدیدهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و امنیتی در عرصه‌های بین‌المللی و بهره‌گیری و فرصت‌سازی حداکثری از نقاط ضعف داخلی ایران در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی.

اقتصاد مقاومتی در چنین فضایی قابل طرح است؛ اقتصاد مقاومتی، تجلی حیات فردی و جمعی انسان انقلابی در ساحت اقتصاد است که مبتنی بر اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، سیر میکند و به مجاهده می‌پردازد. اقتصاد مقاومتی، راهبردی است که در پهنه‌ی مفهومی خود، از سویی شعارها، راهبردها و سیاستهای سالهای گذشته‌ی نظام اسلامی را نظیر جهاد اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، نوآوری و شکوفایی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، پاسخگویی مسئولان، نهضت خدمت‌رسانی به مردم، عزت و افتخار حسینی، رفتار علوی، صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف، انضباط اقتصادی و مالی، وجدان کاری و انضباط اجتماعی و ... - شامل می‌شود و از سوی دیگر، این راهبرد متناظر با روح کلی و سیاستهای کلان و شاخصهای اسناد بالادستی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و ولی‌نظام اسلامی، طراحی و اعلام شده است.

طرح گفتن «پیشرفت و عدالت» در پرتو مقاومت، مستلزم کاربست راهبردهای متناظر با این گفتمان در زمینه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست است، که اقتصاد مقاومتی، «جهت‌دهی راهبردی» برنامه‌های توسعه‌ی پنج ساله، سیاستهای کلان اقتصادی، بودجه‌ی سالانه و سیاستهای عمومی اقتصادی کشور را به‌عهده خواهد داشت.

* اولویت اصلی در برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی را باید در منظومه معرفتی اقتصاد اسلامی نگریست. نظام اقتصادی اسلام که بیانگر نگاه نظام اسلامی

به ابعاد اقتصادی جامعه است، دارای پنج هدف اصلی است که بر اساس آموزه‌های حضرت امام خمینی، به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. ایجاد زمینه به منظور اعتلای معنوی انسانها: هدف اسلام تربیت و تهذیب انسان است و اسلام با تنظیم فعالیتهای مادی راه را برای اعتلای معنوی انسان می‌گشاید؛

۲. عدالت اقتصادی: عدالت نیز همچون استقلال هدف کلی نظام اسلامی است؛ ولی درعین حال هدف غایی نیست بلکه تحقق عدالت وسیله‌ای جهت توسعه‌ی معرفت... و انسان‌سازی است. در حوزه‌ی اقتصاد، عدالت اقتصادی به معنای رفع فقر و تعدیل ثروت و درآمد است؛

۳. استقلال اقتصادی: استقلال به‌معنای عدم وابستگی به بیگانه در حوزه‌های فرهنگ، سیاست و اقتصاد، هدف کلی نظام اسلام است. وابستگی اقتصادی منشأ همی وابستگی‌ها و ناشی از عدم اعتماد به‌نفس است؛

۴. رفاه عمومی: راحت‌طلبی از دیدگاه فردی و اخلاقی مذموم است ولی تحقق رفاه عمومی و برخورداری همی مردم از رفاه، هدف نظام اقتصادی اسلام است، البته رفاه به‌معنای داشتن ثروت و امکانات مادی صرف نیست، انسانی مرفه است که از آسایش روحی برخوردار باشد؛

۵. رشد اقتصادی: رشد کشاورزی، صنعت و تجارت نیز از اهداف نظام اقتصادی اسلام معرفی شده است.

هدف از ارائه‌ی این برنامه‌ی اقتصادی، «بهبود وضع معیشتی مردم» به‌عنوان اولویت اول نظام اقتصادی کشور است و قصد دارد با وجود قوت‌های فراوان در عرصه‌ی ملی و فرصت‌های بالنده‌ی جهانی و درعین حال در برابر انواع چالش‌های داخلی و تهدیدهای بین‌المللی در پرتو مقاومت و ایستادگی برای تحقق پیشرفت و عدالت در نظام اسلامی با گام‌های مستحکم به‌پیش رود.

این برنامه در چارچوب عملکرد دولت اسلامی ارائه شده است؛ دولتی که لازم است در نهادسازی نظام اسلامی یک سیر تکاملی و پویا را نسبت به دولتهای گذشته داشته باشد و بتواند هدفهای بلند نظام را دنبال کند. دولت یازدهم در دهه‌ی عدالت و پیشرفت تشکیل می‌گردد؛ در دهه‌ی که ما شاهد بیداری، خیزش و مقاومت اسلامی ملت‌های منطقه برای دستیابی به الگوی اسلامی برای ادارای امور خویش می‌باشند. در زمانه‌ای که غرب دچار بحرانهای عمیق فکری و عملیاتی شده و علائمی از فروپاشی غرب قابل مشاهده است.

هر برنامه‌ی اقتصادی لازم است که در چهارچوب سندهای بالادستی (سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، مطالبات و سیاستهای ابلاغی مقام معظم رهبری، برنامه‌ی پنجم توسعه، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی) و در یک الگوی اسلامی- ایرانی تدوین شود و بتواند تهدیدهای اقتصادی دشمنان ملت ایران را تبدیل به فرصتهای بالنده، استقلال، عزت، اقتدار اقتصادی و رفاه ملی نماید. برای رسیدن به استقلال اقتصادی لازم است که مسایل حادی همچون تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و تعادل بازرگانی خارجی مد نظر قرار گیرد و نسبت به بهبود وضع معیشتی اقشار مختلف اجتماعی کار و همتی مضاعف انجام شود. علی‌رغم وجود اسناد برنامه‌ای متعدد در سطوح مختلف، ریشه‌ی بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور، برخاسته از ساختار ناهنجار دولتی است که برخی سازوکارهای اجرایی آن از دوران قبل از انقلاب به ارث رسیده است. این ساختار به‌گونه‌ای است که باعث می‌گردد دولتمردان، به‌تدریج از آرمانخواهی به روزمره‌گی و از پاسخگویی به طلبکاری کشیده شوند. بدنه و تشکیلات دولت در زمینه‌های بودجه، کارآمدی اداری، مدیریت نیروی انسانی و تخصیص منابع و... نیازمند اصلاح جدی در نظام

تصمیم‌گیری و مدیریت اقتصادی است که جز با درایت و مجاهده و بصیرت امکان‌پذیر نیست.

* اصول حاکم بر برنامه‌ریزی اقتصاد مقاومتی

۱- مقاومت، عامل پیشرفت

امروز علی‌رغم گذشت سسی و چهار سال از پیروزی انقلاب، در ابتدای یک حرکت بزرگ هستیم. یک حرکت برای مدل سازی در عرصه‌های مختلف. یک وجه ممیزه آنچه انقلاب اسلامی در این سی و چهار سال از خود بارها نشان داده است این است که مقاومت آن توانسته است همراه با پیشرفت باشد. این یک مقاومت صرف نیست، یک مقاومت با هزینه نیست که بعد از مدتی موجب تمام شدن سرمایه شود. این مقاومت، ویژگی اش این است که همراه با خود پیشرفت و تولید مزیت های نسبی را داشته است. بسیاری از کسانی که برای بار اول به ایران می آیند حتی مقامات خود کشورهای غربی، وقتی که با دستاوردهای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی روبرو می‌شوند به صراحت بیان می‌کنند که برایشان حیرت‌آور است و این تصور را از پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران نداشتند. آنها می‌فهمند که این پیشرفت متفاوت است با برخی از ظواهری که در سایر کشورها وجود دارد. چرا این پیشرفت ها را سایر کشورها که این تهدیدات و تحریم‌ها و فشارها علیه آنها نیست بلکه تسهیلات و امکانات فراوان در مناسبات جهانی دارند به دست نمی‌آورند؟

آنچه که امروز باید دنبال کنیم، تکمیل و تمهید الگویی است که براساس آن، این مقاومت نه تنها تداوم داشته و مانع پیشرفت تلقی نشود، بلکه پیشرفت را افزون کند، به این پیشرفت سرعت بدهد و مقاومت پیشرفت ساز را در عرصه‌های مختلف فراگیر نماید. این الگو را باید برای اجرا و کارآمدی، روز به روز چه از لحاظ نظری و چه در عمل، کامل تر و متعالی تر نماییم. امروز یکی از نگرانی‌های غرب این است که فشاری که علیه ملت ما می‌آورند به ضد خودش تبدیل شود. احساس می‌کنند با تحریم‌ها می‌توانند به ملت ما فشار وارد کنند یا مانع تداوم انقلاب شوند؛ اتفاقاً آنها با این حرکت باعث انگیزش بیشتر ما در کارآمدتر و فراگیرتر نمودن الگوی دینی و بومی خواهند شد.

۲- عدالت ساختاری، مزوج با پیشرفت

در نگاه اقتصاد مقاومتی، عدالت و پیشرفت در هم عجین است و قابل تفکیک و مرحله‌بندی نیست که بگوییم اول پیشرفت و بعد عدالت. پیشرفت بدون عدالت، اساساً پیشرفت نیست. عدالت هم صرفاً در حد توجه مقطعی و موردی به اقشار محروم خلاصه نمی‌شود و به تزریق منابع پولی و مالی بین اقشار مردم محقق نمی‌شود. عدالت در تمام مراحل طراحی سازوکارها، ایجاد نرم افزار و سخت‌افزار و شکل‌دهی فرهنگ حاکم بر دولت باید مبنای قرار گیرد. نمی‌توان به منظور ایجاد اشتغال، طرحی را اجرا کرد که به انهدام محیط زیست و منابع طبیعی بیانجامد. نباید به‌خاطر وجود مزیت چشم‌گیر در یک بخش، سایر بخش‌های مزیت دار به‌ترازوا کشیده شود. نمی‌توان یک قطب صنعتی را توسعه داد و منابع موجود در مناطق اطراف را برای توسعه آن قطب، منحصر کرد. نباید به بهانه‌ی توسعه صادرات، مواد اولیه و نیمه‌ساخته را صادر و تولید داخل را در مضیقه قرار داد.

برای تحقق عدالت ساختاری، گاهی لازم است آسیب‌های ساختاری موجود شناسایی و ترمیم شود. مانند ترمیم اساسی نظام بانکی و نظام برنامه‌ریزی و مانند اینها و گاهی لازم است ساختارسازی و نهادسازی جدید انجام شود. مثل ایجاد جهادسازندگی و نهضت سوادآموزی و امثال اینها که به ضرورت‌ها و نیازهای انقلاب پاسخ دادند.

امروز نیز نیاز داریم به ایجاد ساختارهای جدید و پویایی که بتوانند ظرفیتهای آحاد جامعه را احیا نمایند. اگر این تحول، بهسازی و نوسازی ساختاری انجام نشود، دشمن با شناسایی خلأها و نقاط آسیب ساختارهای داخلی کشور، حملات سنگینی را با کمترین هزینه، علیه اقتصاد کشور صورت خواهد داد و ما نیز در چارچوب بسنده کردن به ساختارهای موجود و صرفاً تغییر سیاستهای روتین، دور خواهیم خورد.

از سوی دیگر مفهوم و مصادیق عدالت باید عینی و ملموس شود. عدالت در دستگاه اجرایی یعنی چه؟ چه شاخصه‌های عینی می‌تواند داشته باشد که بعد بشود از آنها مطالبه کرد؟ به عنوان مثال، در آموزش و پرورش، عدالت یعنی برابری فرصت‌ها در عرصه تحصیل. همه می‌بایست در فرصت مساوی برای رقابت در کنکور باشند. این شاخص‌ها باید به طور عینی مشخص شود تا بعد بتوان پیاده نمود و مطالبه کرد. اگر این فضا شکل بگیرد هر کسی که کاندیدای رییس جمهوری بشود موظف می‌شود که در این چهارچوب حرکت کند.

۴- پرهیز جدی از کوتاه‌نگری و رویه‌های شوک‌درمانی در دو دهه‌ی گذشته، اقتصاد ایران گرفتار یکی از خطرناک‌ترین و مخرب‌ترین دوره‌های باطل تشدیدکنندگی توسعه‌نیافتگی خود شده، این دور باطل «رکود تورمی» است که در یک طرف «تورم همراه با رکود» و در طرف دیگر «نوسانات مستمر درآمد‌های نفتی» قرار گرفته است؛ این دور باطل «تورم رکودی» در شرایطی بوده است که استعمار فرانو، پنجه‌درپنجه‌ی مرکز مقاومت و بیداری اسلامی جهان انداخته و مدام با انواع تهدیدهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نظام اسلامی را به چالش کشانده است.

راه نجات اقتصاد ایران در فوری‌ترین سطح، تمهید شرایطی است برای اینکه ما از این خطر فزاینده‌ی دور باطل رکود تورمی اقتصاد ایران را خارج کنیم و مهم‌ترین عنصر برای امکان‌پذیر کردن این مسأله اجتناب از سیاست‌های ثابت‌زدا و شوک‌درمانی قیمتی (نظیر روند فعلی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها) در سطح کلان اقتصادی و هم‌زمان با آن حل و فصل موانع رونق تولید و مشکلات مولدان اقتصادی است. باکمال تأسف در اقتصاد رانتی و نفتی، بیشترین جاذبه‌ها برای دولت‌های کوتاه‌نگر دست‌کاری قیمت‌های کلیدی (نظیر قیمت ارز، انرژی و خدمات دولتی و ...) است و این آن روندی است که نتیجه‌اش در قالب رکود تورمی ظاهر می‌شود و در ادبیات جدید رکود تورمی، مجموع نرخ تورم و بیکاری «شاخص فلاکت» را می‌سازد.

۴- مبارزه با تورم؛ به‌عنوان بزرگ‌ترین ظلم اقتصادی انقلاب ما و نظام حکومتی ما دینی است و به‌شدت بر پایه‌ی ارزش‌ها و اصول الهی استوار است. تا زمانی که به مسائل و مشکلات اقتصادی مردم و کشور، از منظر مسئولیت‌های خویش و تکلیف دینی نگاه نکنیم همه‌ی استعداد و توان جامعه برای حل آنها بکار نخواهد افتاد و آن وقت همه منتظرند تا دولت با وضع چند تا سیاست و برنامه مسئله را حل کند.

از این منظر باید گفت گرانی مزمن و افسارگسیخته در کشور ما یک ظلم فاحش است که باید با آن مبارزه اساسی و همگانی صورت گیرد. چه ظلمی بزرگ‌تر از این که یک سیاست نابخردانه یا یک اتفاق معمولی در عرصه‌ی تجارت، باعث گرانی آبی شود و قدرت خرید مردم به‌شدت کاهش یافته و همین امر سبب افزایش یافتن شکاف طبقاتی شود؟ نکته‌ی مهم آن است که دو دهه سابقه برنامه‌ریزی اقتصادی برای مقابله با گرانی، نشان می‌دهد صرفاً با وضع

سیاست‌های پولی و مالی - که بیشتر جنبه مسکنی و مقطعی دارد - نمی‌توان این مسئله را ریشه‌کن نمود و نیازمند نگرشی اساسی و ساختاری هستیم. زمانی که کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم دچار بحران گرانی حاد می‌شوند، نمی‌توان بسادگی و با همان رویه‌ها و سازوکارهای اداری مرسوم به جان مسئله افتاد و با بالا و پایین کردن چند فاکتور پولی و مالی، انتظار داشت بحران ریشه‌کن شود.

باید دید چه رویه‌ها و سازوکارهایی به تسور تورم می‌دمند؟ چه فرایندهایی باید اصلاح شود و کدام‌ها باید ایجاد شوند؟ نحوه تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌های بین‌بخشی به چه شکل باید نوسازی و بهسازی شود تا گرانی‌های آتی و مقطعی را بشود در جا خشتی کرد و توان جامعه را برای مقابله با آنها بسیج نمود؟ براین اساس یکی از اولویت‌های دولت آینده، طراحی و اجرای برنامه نوسازی ساختاری در اقتصاد خواهد بود.

۵- محوریت تولید به‌مثابه جهاد

«دکترین تولید به‌مثابه جهاد» برگرفته از چارچوب مفهومی «جهاد اقتصادی» است که نظریه و اصول راهبردی آن برگرفته از آموزه‌های اسلام ناب است. در این رویکرد به آیات و روایات با موضوع جهاد و عمران و آبادی و تأمین زندگی مطلوب برای احیای ذکر و ارتباط با خداوند و توسعه و تعمیق ایمان و بصیرت مؤمنانه برای تقرّب الهی نگاه میشد، به‌گونه‌ای که بتوان بر اساس آن به خاستگاهی برای اصول راهبردی و راهنمای عمل در فرآیند تمدن‌سازی نوین اسلامی رسید. برخی از عناصر و مؤلفه‌های این دکترین عبارتند از: حاکمیت جهانی اسلام بر مدار و به رهبری امام معصوم (و نیابت فقیه عادل در عصر غیبت)، استحکام معنویت و روح ایمان در جامعه، روحیه‌ی جهادی و مقاومت، بصیرت و خودآگاهی انقلابی، آرمانگرایی توأم با واقعگرایی، خودباوری، امید و اعتماد به نفس ملی، مبارزه و مقابله‌ی فعال (و غیرانفعالی) با تحریمها و کمبودها، تلاش همگانی و حفظ اتحاد ملی و انسجام اسلامی، اهتمام به همت مضاعف و کار مضاعف و تدبیر و برنامه‌ریزی توأم با حزم و دوراندیشی. از هر یک از این مؤلفه‌ها یا ترکیب آنها، به اصولی راهبردی می‌توان دست یافت؛ اصولی که راهنمای عمل ما در عرصه‌های مختلف حیات جمعی و جهانی باشد.

عرصه‌های تولید در این دکترین در یک گستره‌ی وسیع قابل طرح است: تولید کار، تولید علم، تولید فنآوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسانهای کارآمد؛ این‌ها همه شئون تولید تلقی می‌شوند و همه‌ی این شئون خود شعبه‌ی از جهاد فی‌سبیل‌الله؛ که این طرز تلقی خود تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است. «الْعِلْمُ سُلْطَانُ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ»؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، میتواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، میتواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تپه باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند.

۶- مردمی شدن اقتصاد؛ الگوی متمایز ما

مردم در اقتصاد، صرفاً مصرف‌کننده نیستند. بلکه می‌توانند خودشان بارهای بزرگی را در اقتصاد بر دوش بگیرند. باید سرمایه مردم و مدیریت مردم، اقتصاد را بر دوش بگیرد. این یعنی شکوفایی شدن ظرفیت‌های مردم و جامعه در پیشرفت اقتصادی. یکی از وجوه اساسی متمایز الگوی اقتصادی ما با الگوهای حاکم بر دنیا در همین نکته نهفته است. الگوهای وارداتی توسعه اقتصادی، مصرف را به عنوان اصل حاکم بر توسعه قلمداد می‌کنند و مردم را مصرف‌کننده صرف برمی‌شمردند و لذا فرهنگ مصرف

زدگی را ترویج می‌کنند. وقتی تجارب ناب انقلاب را بررسی می‌کنیم می‌بینیم چگونه توسعه روستایی بر دوش اقشار مختلف مردم در قالب جهادسازندگی متبلور شد و نمونه‌ی نظیری را در جهان به ثبت رساند. یا چگونه ریشه کثی بیسوادی با انگیزش عمومی و همت خودجوش مردم در قالب نهضت سوادآموزی، شاخص سواد کشور را در تراز جهانی قرار داد. هم اکنون نیز شاهدیم که چگونه خیل جوانان تحصیلکرده ما بجای کارمند شدن، خواهان ایجاد شرکتها و موسسات دانش بنیان بوده و حاضرند با وجود ریسک و ابهام، دست به ابداع و نوآوری بزنند و آن را در مسیر رفع نیازهای کلیدی کشور قرار دهند.

دولت نه تنها نباید تصدی فعالیت‌های اقتصادی را در انحصار خود نگهدارد بلکه حتی می‌تواند مدیریت بخش‌های بزرگی از اقتصاد را بر دوش مردم و در قالب نهادهای غیردولتی سازماندهی نماید. امروز کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، تولیدگران، بازرگانان، دانشوران، مهندسان و مدیران فراوانی در جامعه وجود دارند که خودشان می‌توانند با تجمیع ظرفیتهای و نهادسازی غیردولتی، اهداف جهاد اقتصادی را دنبال نمایند. دولت باید زمینه نقش آفرینی فعالانه و جهادی این اقشار را فراهم نماید.

۷- مدیریت جهادی؛ سازوکار جهش در پیشرفت

استقلال اقتصادی، یک جهاد است و لذا به تدبیر و سازماندهی جهادی نیاز دارد. انکا به فرهنگ بوروکراتیک کهنه و غیربومی و سازمان‌های دیوانسالار و وظیفه‌مدار، مانع از آن است که اهداف بلند انقلاب در دهه پیشرفت و عدالت محقق شود. تمام پیشرفت‌های سریع و واقعی کشور در اوایل انقلاب، در عرصه‌های مختلفی همچون روستا، صنایع نظامی و دفاعی، کشاورزی، زیرساختها، و فناوری‌های نوین، برپایه الگوی مدیریت و سازماندهی جهادی حاصل شد.

مدیریت جهادی صرفاً محدود به روحیه‌ی جهادی نیست. جهاد با جهاد متفاوت است. الگوی مدیریت جهادی همان‌قدر که انگیزاننده و روحیه‌بخش است؛ عالمانه و کارآمد نیز هست. این الگو هم فرهنگ دارد هم سازماندهی و هم مدیریت. در سازندگی و پیشرفت نیز می‌توان نیروی عظیم مردم را تحت یک مدیریت و سازماندهی و فرهنگ مشخص و منطبق با اقتضات اسلامی و بومی بکار گرفت. در این زمینه هم نیاز به فکر و اندیشه و مدل راهبردی است و هم به حرکت فرهنگی و اجتماعی. امروز در دنیا صحبت از مدل‌های مشارکت دولتی - خصوصی می‌شود. انقلاب اسلامی در فرآیند تمدن‌سازی خود نشان داده است که الگوهای بسیار غنی‌تر و بزرگ‌تر از این را می‌توان ایجاد کرد.

مهم‌ترین مسائل ساختاری در اقتصاد

*** بررسی وضعیت اقتصاد ایران و آسیب شناسی آن** در دو دهه‌ی گذشته، اقتصاد ایران گرفتار یکی از مخرب‌ترین مسائل اقتصادی یعنی «رکود تورمی» شده است. از یک طرف «تورم همراه با رکود» و از طرف دیگر «نوسانات مستمر درآمد‌های نفتی» قرار گرفته است؛ این دور باطل «تورم رکودی» در شرایطی بوده است که استعمار فرانو، پنجه‌درپنجه‌ی مرکز مقاومت و بیداری اسلامی جهان انداخته و مدام با انواع تهدیدهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نظام اسلامی را به چالش کشانده است.

تورم رکودی - به‌طور غیرمتعارفی تابع نحوه‌ی تعامل نظام سیاستگذاری اقتصاد کشور با نوسانات درآمد‌های نفتی است؛ توضیح آنکه در دوران شکوفایی قیمت نفت، دولت رویه‌ی انبساط‌مالی را در دستور کار قرار می‌دهد و این اضافه‌درآمد تزییق شده مثل یک شوک بزرگ، تقاضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اتخاذ رویکرد انبساط مالی،

از آنجا که در کوتاه‌مدت تغییر متناسب در قسمت عرضی اقتصاد امکان‌پذیر نیست، کشور در شرایط تورمی قرار می‌گیرد و هنگامی که دولت با تلاش‌های از سر استیصال و رویه‌های کوتاه‌نگر تلاش می‌کند بار فشار تورمی را کاهش دهد، ناگزیر به سمت سیاست آزادسازی واردات - به‌طور افراطی - سوق پیدا می‌کند؛ که به دنبال آن هم خصلت اشتغال‌زدایی واردات، منشأ تحمیل و اضافه‌شدن رکود به شرایط تورمی اقتصاد ملی می‌شود.

نکته‌ی دیگر این است که در دوران کاهش درآمدهای نفتی باز با سازوکار دیگری این رکود تورمی گریبان اقتصاد ملی را می‌گیرد و یک دور باطل مهم توسعه‌نیافتگی پدید می‌آید؛ این عارضه این‌گونه قابل بررسی است که دولت در دوران رونق درآمد نفتی از طریق اتخاذ رویه‌های افراطی انبساط مالی یک‌سری تعهدات مالی شتاب‌زده و گاه جاه‌طلبانه برعهده می‌گیرد، اما در دوره‌ای که با افت درآمدهای نفتی روبرو می‌شود دیگر با همان سادگی‌ای که تعهدات را بر عهده گرفته بود، نمی‌تواند از مسئولیت آنها شانه خالی کند و نتیجه این می‌شود که ساختار هزینه‌های دولت نسبتاً غیرمنطقی یا متعصب می‌شود؛ بنابراین در دوران افسول درآمدهای نفتی که دولت با هزینه‌های با انعطاف اندک روبرو است طبیعتاً راه‌حلی که برمی‌گزیند عمدتاً راه‌حلی شتاب‌زده و غیرپلندمدت است. بدیهی است در دوران افول درآمدهای نفتی، دولت اگر بخواهد درآمدهای مالیاتی‌اش را افزایش دهد باید با رونق بخشی به بخش تولید ملی، ارتقاء بهره‌وری و کارآمدی دستگاه‌های اجرایی، اهتمام در مبارزه با فساد و ... جبران مافات کند و اینها هیچ‌کدام در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیستند؛ پس باز دولت ناگزیر است راه‌حلی برگزیند که بخواهد اضطراب‌های مالی دولت را جواب بدهد؛ راه‌حلی که تورمزایی نظیر افزایش قیمت ارز، خلق پول و استقراض از بانک مرکزی و دست‌درازی به منابع درآمدی وزارت نفت و ...

راه نجات اقتصاد ایران در فوری‌ترین سطح، تمهید شرایطی است که بر اساس آن خطر فزاینده‌ی دور باطل رکود تورمی اقتصاد ایران را کنترل کنیم و مهم‌ترین عنصر برای امکان‌پذیر کردن این مسأله اجتناب از سیاست‌های ثبات‌زدا و شوک‌درمانی قیمتی (نظیر روند فعلی اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها) در سطح کلان اقتصادی و هم‌زمان با آن حل‌وفصل موانع رونق تولید و مشکلات مولدان و کارآفرینان اقتصادی است. باکمال تأسف در اقتصاد رانتی و نفتی، بیشترین جاذبه‌ها برای دولت‌های کوتاه‌نگر مخدوش کردن قیمت‌های کلیدی (نظیر قیمت ارز، انرژی و خدمات دولتی و ...) است و این همان روندی است که نتیجه‌اش در قالب رکود تورمی ظاهر می‌شود.

ابتدا باید مسائل مزمن و ریشه‌داری را که مانع از هرگونه پیشرفت و تحول در سیستم‌های اقتصادی می‌شوند و سیاست‌ها و برنامه‌های مطلوب را در مرحله اجرا زمین‌گیر می‌نمایند، مد نظر قرار داده و برای حل آنها چاره‌اندیشی کرد. اولویت‌های دولت یازدهم باید جبران این مسائل ریشه‌دار و ساختاری باشد و نه بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آنها:

۱. ناهاهنگی و پریشانی در ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی با وجود چندین وزارتخانه متولی امور اقتصادی و چندین شورا و سازمان مرتبط با این حوزه، انسجام و اقتدار لازم در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی اقتصادی در کشور دیده نمی‌شود. اختلافات زیادی بین وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط در حوزه‌های اقتصادی بوجود می‌آید که هزینه تصمیم‌گیری را در دولت بالا برده است. راه ایجاد انسجام و اقتدار در برنامه‌ریزی لزوماً انحلال یا

ادغام این سازمانها و شوراها نیست. بلکه باید چارچوب و فرایندی عاقلانه و چابک و مشر ثمر وجود داشته باشد تا هر ارگان دولتی بتواند نقش موثر خود را در اداره امور اقتصادی ایفا نماید. در واقع اولین مدعی‌العموم اقتصاد باید خود دولت باشد و این زمانی رخ می‌دهد که نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی درون دولت منسجم و منضبط باشد.

۲. فقدان و نابسامانی اطلاعات اقتصادی آمار و اطلاعات اقتصادی، غالباً یا وجود ندارد و یا واقعی نیست و یا به گونه‌ای نیست که پشتوانه تصمیم‌گیری و اجرا و پشتیبانی، در سطوح کلان و خرد قرار گیرد. در شرایط فقدان یا نابسامانی اطلاعات اقتصادی، بدیهی است که مافیاهای می‌توانند رشد کنند و با اطمینان خاطر عمل نمایند. ریشه غالب مفاسد اقتصادی از جمله در اختلاس بزرگ، همین امر بود. وقتی اطلاعات اقتصادی شفاف و دردسترس نباشد، بستر لازم برای بروز تخلفاتی همچون فرارهای مالیاتی، ثبت شرکتهای موازی با ذینفع واحد، خرید هنگفت سکه و طلا و ارز ایجاد اختلال در بازار، وجود انبوه خانه‌های خالی و عدم استفاده بهینه از آنها، صدور مجوزهای بی‌محل و مانند اینها فراهم خواهد شد. در این زمینه تاکنون قوانین و سیاستهای متعددی از قبیل مصوبات مربوط به دولت الکترونیک در کشور وجود داشته اما اراده و عزم جدی برای اجرایی شدن آنها نبوده و یا در اولویت قوه مجریه نبوده است.

تا زمانی که سیستم دست به دست شدن کالا در کشور شناخته شده و شفاف نباشد، نمی‌توان معضلات ناشی از واسطه‌گری بی‌رویه را درمان نمود و تجار و بازرگانان متدین ما که در سازمان‌دهی نظام‌های توزیع جدید قابلیت دارند، نیز نخواهند توانست توانمندی‌شان را در ارزان کردن کالا به‌طور برسانند. تا زمانی که سیستم دریافت و پرداخت مالی در تمام سطوح فردی و سازمانی شفاف نباشد، نمی‌توان از ریشه کن شدن فساد مالی مطمئن شد و امکان اختلاس‌های بزرگ همچنان وجود خواهد داشت.

۳. اتلاف منابع معمولاً رصد و حساسیت مسئولان و دولتمردان بر مفاسد و تخلفات اقتصادی (میل‌ها) زیاد است اما بر هدررفت منابع و امکانات (حیف‌ها) کم است. درحالی که حجم و اندازه هدررفت منابع ده‌ها برابر اندازه مفاسد و تخلفات است. یک دلیل این امر آن است که در دولت، اهداف، قربانی فرایندهای اداری شده است. هزینه‌های ستادی بسیار بالا و دستاوردهای عملی بسیار کم، ستادهای فریه و کم‌کار و صف‌های نحیف و خسته حاصل این معضل است. راهکار حل این مسئله نیز صرفاً صرفه‌جویی در هزینه‌کردها و یا سخت‌گیری در بازرسی‌ها و محدود کردن حدود اختیارات مدیران به بخشنامه‌های خشک و بی‌بازده نیست. بلکه باید به صورتی اساسی و ساختاری این مسئله را حل کرد.

۴. اتلاف فقط شامل منابع مالی نیست؛ بلکه مثلاً انبوه آب‌های روان بلااستفاده و یا خارج‌شونده از کشور نیز مصداق بارزی از حیف است. همچنین انبوه اراضی مستعد کشاورزی که بایر مانده است. نمونه‌ی بارز این امر در مناطقی همچون خوزستان و جنوب کرمان کاملاً مشهود و معروف است. بعلاوه انبوه شهرک‌ها و نواحی صنعتی که با بودجه دولتی ایجاد شده اما بخش بزرگی از ظرفیت آنها خالی است.

۵. حفره‌های نظام بانکی بزرگترین معضلی که در نظام بانکی مشاهده می‌شود، وجود شکاف‌های فرایندی و ساختاری متعددی است که توزیع بهینه منابع پولی را دائماً با مشکل روبرو می‌کند. بروز معوقات بانکی هنگامت، عدم تخصیص کافی

منابع به بخش‌های ضروری و عدم توزیع بهینه ارز مرجع در سالهای اخیر گواه این مدعا است. تا زمانی که این شکاف‌های ساختاری ترمیم نشود، تریق بیشتر منابع و یا گستردگی مصارف دولتی درد نخواهد بود.

۵. انحصارات و شبه‌انحصارات در رابطه‌ی نسبت فساد و انحصارات می‌توان گفت اشکال مختلفی که از فساد داریم: فساد اداری، فساد سیاسی، فساد مالی، فساد فرهنگی. می‌توان بر حسب تعریف عمومی از فساد توضیح داد تحت چه شرایطی و چه وقت فساد صورت می‌گیرد؟ عواملی با طیف گسترده و متنوع هستند که تلفیق آنها منجر به فساد می‌شود. در تعریف کلی و عمومی معادله فساد گفته می‌شود، فساد مساوی است با انحصار به اضافه صلاح‌دید (که بهترین تعریف برای آن تشخیص مصلحت است) منهای پاسخگویی؛ بنابراین، باید به انحصار و شبه‌انحصارات به‌عنوان زمینه‌های اصلی شکل‌گیری فساد توجه بسیار جدی شود.

۶. بی‌فرجامی در تولید علی‌رغم وجود مزیت‌های انبوه و کمتر استفاده شده در تولید ملی در اقصی نقاط کشور، و با وجود هزاران عامل تولیدگر در کشور، مزیت نسبی بخش تولید روز به روز کمتر شده و بخشهای غیرمولد مزیت فزون تری یافته است. بعلاوه زنجیره‌ها و فرایندهای تولیدی نیز نابسامان و بی‌فرجام مانده است. خام‌فروشی و نیمه خام‌فروشی در بسیاری از بخشها حاکم است. صادرات مواد خام و نیمه خام فقط به خاطر اینکه صادرات است جایزه صادراتی دریافت می‌کند و آن وقت انبوه بنگاه‌های تولیدی کشور با مشکل کمبود و گرانی مواد اولیه روبرو می‌شوند. فرصتهای بزرگی که برای پیمانکاران ایرانی در خارج از کشور مهیا می‌شود در جهت تقویت زنجیره‌های تولید داخلی بکار گرفته نمی‌شود. انبوه خریدهای کالا و خدمات که توسط دستگاه‌های مختلف دولتی انجام می‌شود بازار بزرگی در داخل ایجاد کرده ولی متأسفانه در جهت تولید ملی از این فرصت بزرگ کمتر استفاده شده است. دستگاه‌های مجری و متولی ارائه خدمات خود را

مقید به صیانت از تولید ملی نمی‌دانند. مبالغ هنگفتی که برای واردات کالاهای اساسی توسط دولت خرج می‌شود با پرداخت گران‌تر به کالاهای خارجی، مزیت‌های فعال و موجود داخلی را با چالش مواجه می‌کند. ریشه همه این معضلات ناشی از بی‌ارادگی یا بی‌انگیزگی مدیران دولتی نیست. بلکه ساختارها و سازوکارها و فرهنگ حاکم بر ادارات دولتی توانسته تولیدگرایی را جایگزین واردات‌گرایی نماید. در میان مسئولان و حتی گاه جامعه‌اینکه یک مدیر دولتی سریعتر یک پروژه را به اتمام برساند ارزش شناخته می‌شود ولی اینکه چقدر توانسته در این پروژه، ظرفیت‌سازی برای متخصصان و شرکتهای داخلی صورت دهد مورد توجه نیست.

۷. نگاه هزینه‌ای به بودجه بودجه عمدتاً در کشور به عنوان منبع هزینه‌نگریسته می‌شود و خواسته غالب دولتمردان سهم بیشتر از هزینه کرد آن است اما در مقابل تولید منابع درآمدی برای بودجه مد نظر قرار نمی‌گیرد. مثلاً فرصتهای بزرگی همچون ترانزیت، صنایع فرهنگی، گردشگری مذهبی و مانند اینها به درستی مد نظر قرار نمی‌گیرد.

۸. باتکلیفی و زمین‌گیر شدن پروژه‌های بزرگ زیربنایی هم اکنون بیش از ۱۵ سال است که پروژه احداث و تکمیل شبکه حمل و نقل ریلی در شرق کشور (کریدور شرق) جزو مصوبات کلان و بخشی است اما به اجرا درنیامده و یا بسیار لاک‌پشتی حرکت کرده است. ریشه مسئله در آن است که اساساً سازمان‌های دولتی مایلند خودشان اجرای پروژه‌ها را راهبری نمایند. همچنین اتکای صرف

این پروژه‌ها به منابع بودجه‌ای و درآمدی دولت، مانع از پیشرفت سریع آنها شده است. بعلاوه نظام شفافی درخصوص قیمت‌گذاری پروژه‌ها وجود ندارد و گاهی یک فعالیت با چند برابر قیمت واقعی به انجام می‌رسد. ۹. زمین ماندن انبوه تحقیقات و فناوری‌ها هم اکنون با وجود انبوه پژوهشگاه‌ها و سازمان‌های تحقیقاتی دولتی و دانشگاهی و خصوصی و نیز هزینه‌های متعددی که صرف پژوهش و فناوری می‌شود، هنوز شاهد جریان یافتن چرخه فناوری نیستیم و این هزینه‌ها در جهت رفع نیازهای کشور نیست. به عبارتی می‌توان گفت زنجیره دانش و تولید در کشور دچار نقص است و نیازهای بخش صنعت نمی‌تواند در دانشگاه‌ها به خوبی پاسخ داده شود.

۱۰. رها شدن مدیریت توسعه روستایی روستاها هویت‌های اجتماعی و اقتصادی مهمی هستند و بویژه در کشورهای پرجمعیت و پهناوری مثل ایران، نقش راهبردی در پیشرفت و امنیت اقتصادی دارند. سیاستهایی که توسط دولت‌های بعد از جنگ در کشور اتخاذ شد روستاها را شدیداً به حاشیه راند و امنیت غذایی و آمایشی و سیاسی را دچار چالش ساخت. هم‌اکنون گفته می‌شود طی ۳۰ سال اخیر، ۱۰ هزار روستا تخلیه شده و روستاییان به شهرها مهاجرت کرده‌اند. براین اساس چرخه کشاورزی نیز دچار آسیب‌های جدی شده و مسائلی از جمله آمایش مناطق مرزی نیز به چالش افتاده است.

راهبردهای اصلاح نظام سیاست‌گذاری اقتصادی کشور

اهداف و برنامه‌های اقتصادی امروز در کشور ما روشن است و در آنها غالب مسائل فوق‌الذکر مد نظر قرار گرفته است. اما چرا در عمل دستاوردها منطبق با اهداف نیست؟ به این دلیل که دولتها توجهی به محدودیتهای خود نداشته و خواسته‌اند همه اهداف و برنامه‌ها را در دستور کار خود قرار داده و جهت‌گیری معینی را دنبال نمی‌کرده‌اند. دولت یازدهم در جهت تحول ساختاری، باید به چگونگی‌ها بپردازد و اولویت خود را بر اصلاح و تحول در فرایندها و سازوکارها قرار دهد. درواقع باید فرایند تصمیم‌گیری تا اجرا را درمان و ترمیم نماید.

با عنایت به این جهت‌گیری، مهمترین راهکارهای اجرایی که باید در دستور کار دولت آینده باشد به شرح زیر است:

برنامه‌ی اصلاح و تحول ساختار قوه‌ی مجریه
قوه‌ی مجریه مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه را در تحقق اهداف و سازوکارهای هریک از نظام‌های هفت‌گانه‌ی فوق برعهده دارد. اصلی‌ترین وظیفه در پیشگیری و مبارزه با فساد باید توسط دولت صورت پذیرد؛ همچنان‌که در تحقق عدالت و استقلال و امنیت و تولید اندیشه هم همین موضوع دلالت خواهد داشت.

از این‌رو «اصلاح و تعمیر هوایمی‌دولت در حین پرواز» که حاکی از اصلاح سازوکارها، فرایندها، ساختار و رویه‌های حاکم بر مجموعه اقدامات قوه‌ی مجریه است، اساسی‌ترین اقدام و اولویت دولت یازدهم برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

منظور از ساختار، صرفاً شکل و شمایل سازماندهی ادارات و سازمانهای دولتی نیست، بلکه مهم‌تر از آن، سازوکارها و فرایندها و رویه‌ها و فرهنگ حاکم بر آنهاست. فرایندهای اداری که بی‌فرجام است و یا مسیر ناهمواری را برای اداره فعالیت‌های اقتصادی تبعیه کرده است، سازوکارهایی که عوامل اقتصادی را به زحمت مکرر می‌اندازد و رضایت‌بخش نیست، رویه‌هایی که ظالمانه است و یا دست کم کارآمد نیست، فرهنگی که تولید و فناوری را محور نمی‌داند و درکل، ساختاری که چرخ اقتصاد را در

مسیر صحیح آن نمی‌چرخاند و دولت را نیز زمین‌گیر کرده است.

معمولاً رایج است که در بخشهای مختلف اقتصادی، صحبت از وجود مافیای می‌شود و از دولت خواسته می‌شود که دست آنها را قطع کند. به نظر می‌رسد این ساختارها و سازوکارهای غیرعادلانه و ناکارآمد است که مافیای را پشتیبانی کرده و حیات اقتصادی آنها را تضمین می‌کند. هرچند برخورد قاطع و قضایی با مفسدان و متخلفان اقتصادی لازم و ضروری است، اما بدون تحول ساختاری، نمی‌توان مطمئن شد که بار دیگر مافیای جدیدی بروز نکند. اگر می‌گوییم واسطه‌گری ناکارآمد و حتی غیرمعمول بر بخش توزیع حاکم است و باید اصلاح اساسی شود، منظور این نیست که شاغلین در این بخش را به عنوان مافیا شناخته و با آنها برخورد قضایی کنیم، بلکه باید سازوکارها و فرایندها به گونه‌ای متحول شوند که واسطه‌گرها نیز در خدمت تولیدملی قرار گرفته و ماموریت صادرات محصولات ساخته‌شده به بازارهای جهانی را بردوش بگیرند و نه واردات‌گرایی و منزوی کردن تولیدات داخلی را.

مجموعه اقدامات ذیل اهم اقداماتی است که باید برای تحول و اصلاح ساختار قوه‌ی مجریه صورت پذیرد:

۱) نوسازی ساختار ناکارآمد بروکراتیک اداری دولت، حذف موازی کاری و کاهش موانع پیش روی فعالیت سالم اقتصادی مردم

۲) ایجاد زیرساخت‌های نظارتی - اطلاعاتی در دولت جهت تحقق عملی سیاست‌ها

۳) توجه به اتاق‌های فکر و برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت در بدنه دولت

۴) تغییر نگاه مسئولان و کارشناسان از رویکردهای متعارف به رویکردهای منطبق بر واقعیهایی عینی اجتماع

۵) توجه به لوزام فرهنگی و سیاسی کوتاه‌مدت و بلندمدت تصمیمات اقتصادی

تشکیل شورای عالی اقتصاد
همچنین نهادی عالی به مثابه شورای عالی اقتصاد لازم است که هم قدرت شورا به مشاوره داشته باشد و هم قدرت مدیریت که به انسجام و اقتدار تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها کمک می‌نماید. این شورا باید با لایه‌های میانی (از قبیل معاونت‌های اقتصادی وزارتخانه‌ها) و محلی (از قبیل استانداری‌ها) نیز در ارتباط مستقیم باشد تا بتواند تصمیمات و برنامه‌های کلان اقتصادی را در مرحله اجرا نیز رصد و هدایت نماید. همچنین حضور موثر و حداکثری نمایندگان بخش‌های غیردولتی از قبیل دانشگاهیان و نخبگان و نیز فعالان و عوامل اقتصادی مثل کشاورزان و صنعتگران در این نظام تصمیم‌گیری جایگاه واقعی و موثر خود را پیدا نمایند.

تفکیک سیاستگذاری از اجرا و نظارت

بسیاری از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی، در حوزه مربوطه، هم سیاستگذارند و هم مجری و هم ناظر. طبیعی است در چنین ساختاری، نه تنها اهداف پیشرفت و خدمت‌رسانی به درستی محقق نمی‌شود بلکه امکان فساد و تخلف و کم‌کاری به اوج خود می‌رسد و اهدافی همچون استفاده از بازار بزرگ داخلی در جهت تولید ملی به وقوع نخواهد پیوست.

مسئولیت‌ها و نهادهای سیاستگذار و مجری و ناظر باید با توجه به حوزه‌های کاری مختلف، از یکدیگر منفک شده و از ظرفیت بخشهای غیردولتی در این ساماندهی استفاده شود. بسیاری سازمانهای مجری تابعه وزارتخانه‌ها باید از سطوح ستادی خارج شده و تا حد امکان

بصورت غیردولتی و البته غیرخصوصی مدیریت شوند تا به سیاستگذاران پاسخگو باشند.

محوریت یافتن آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی

مطالعات آمایش سرزمین بیش از ۵۰ سال در کشور ما سابقه دارد اما هیچگاه مبنا و پایه واقعی برای برنامه‌های اقتصادی نبوده است. چرا هنوز باید طرح‌های توجیهی صنعتی و کشاورزی، در مرکز و در ستادهای وزارتخانه‌ها تهیه یا تأیید شود تا به اجرا درآید؟ چرا طرح‌های کشوری بزرگی همچون احداث واحدهای پتروشیمی و فولاد و ذوب آهن و غیره بدون توجه به تفاوتها و مزیت‌های اقلیمی و انسانی و نهادی مناطق، تصویب و اجرا می‌شود و گاهی عرصه را برای احیای مزیت‌های بومی مناطق تنگ می‌سازد؟ چرا انبوه سازمانها و ادارات دولتی موجود در مناطق و استانها و شهرستانهای کشور باید گوش به زنگ ستادهای مرکزی در تهران باشند تا از بالا برای آنها تعیین تکلیف شود و انباشت استعدادهای ظرفیتهای انسانی و اجتماعی موجود در منطقه خود را نبینند و بدان بی‌توجهی کنند؟

تولید، توزیع و صیانت از ثروت ملی فقط وقتی امکان پذیر است که مزیت‌های نسبی و رقابتی مناطق کشور (از استان گرفته تا شهرستان و دهستان)، به تفکیک احصا شده و مد نظر برنامه‌ریزان و مدیران قرار گیرد. براین اساس، در توسعه کشاورزی و روستایی، باید با ایجاد «هسته‌های پایدار جهادی» مستقر در سطح دهستان‌ها (برمبنای تجربیات بدست آمده از سازمان جهادسازندگی سابق)، و پشتیبانی اطلاعاتی و علمی لازم از سوی دولت، بستر ساختاری پیشرفت اقتصادی در بخش کشاورزی و روستایی فراهم شود. همین رویکرد برای سطح شهرستان و استان نیز با تفاوت‌هایی قابل پیاده‌سازی است.

در این چارچوب می‌توان بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی از جمله صادرات و واردات، احداث شهرک‌ها و نواحی صنعتی، احیای اراضی کشاورزی، استقرار اقتصاد دانش بنیان و امثالهم را بازطراحی کرد به گونه‌ای که در بستر تفاوت‌ها و تنوع‌های منطقه‌ای به حداکثر اهداف خود برسند. همچنین باید در بخشهای کلیدی مانند آب، تمام سیاستها و برنامه‌ها برپایه آمایش انجام شود. پیشرفت برخی مناطق کشور که مزیت‌های نهفته و غیرفعال هنگفتی دارند همچون مناطق ساحلی جنوب، باید در اولویت قرار گیرد. بعلاوه باید به وجود صداها خوشه تولیدی و زنجیره ارزش در اقصی نقاط کشور و حتی در روستاها توجه نمود و هم و غم مدیران و مسئولان آن مناطق را به احیا و تقویت همین ظرفیتهای گماشت نه آنکه تمام کشور خواهان احداث واحدهای بزرگ و کم‌بازده و سرمایه‌بر باشند و ظرفیتهای مناطق معطل بمانند.

شفاف‌سازی اقتصادی

اخلاق و رفتارهای اقتصادی در جامعه باید متحول شود. به گونه‌ای که مثلاً فرار از مالیات به یک ضدارزش اجتماعی تبدیل شود و مردم خودشان از این امر پیشگیری نمایند. در این زمینه دولت الکترونیک باید از حد شعار و همایش خارج شده و در اولویت اجرایی قرار گیرد. اطلاعات اقتصادی باید در دسترس تمام آحاد جامعه متناسب با نیاز آنها باشد و رانت‌های اطلاعاتی اقتصادی ریشه کن شود. باید عملکرد عوامل و فعالان موثر در پیشرفت اقتصادی در بخش‌های مختلف در سطح ملی و بین‌المللی با دقت و وسواس مورد موشکافی و شناسایی قرار گرفته و آنها که شناسنامه سالم و موفقی دارند مورد حمایت و تکریم قرار گیرند. در این زمینه ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی در حوزه

هایی مانند ثبت املاک و شرکتها، پرداخت ها و دریافت های پولی و مالی، گمرک، توزیع مواد اولیه و کالا و مانند اینها باید در اولویت قرار گرفته و اتکا به این سامانه ها ملاک تصمیم‌گیری ها و فعالیت های اقتصادی باشد.

سپردن وظایف اجرایی دولت به تشکلهای اقتصادی غیردولتی

علی رغم وجود هزاران تشکل اقتصادی غیردولتی در قالب های متنوع انجمن ها، اتحادیه ها، تعاونی ها و غیره، در اقصی نقاط کشور بصورت ملی و استانی و محلی، هنوز نقش بزرگی در پیشرفت اقتصادی بر دوش آنها قرار نگرفته است و دست بالا صرفاً مطالبه گر بوده اند. اجرای اقدامات بزرگی همچون شفاف سازی اقتصادی و یا برنامه ریزی منطقه ای و یا آزادسازی ظرفیت های اجتماعی در حوزه اقتصاد، باید بر دوش تشکلهای و نهادهای جمعی غیردولتی قرار گیرد. البته این امر باید با حفظ نقش بازرسی و نظارت دولت بصورتی هوشمند و چابک صورت گیرد. ساماندهی بازارهای داخلی و خارجی، برگزاری نمایشگاه های تخصصی محصولات و فناوریها، شناسایی و ساماندهی نخبگان و فناوران (در پیوند دادن صحیح آنها به بخش های تولید و تجارت، بدون درگیر کردن آنان در فرایندهای دست و پاگیر اداری)، طراحی و مدیریت ایجاد طرح های تولیدی، تکمیل زنجیره های ارزش افزوده، اطلاع رسانی و هدایت متقاضیان طرح های اقتصادی، نظارت بر هزینه کرد بودجه های عمرانی و اقتصادی و بسیاری وظایف دیگر از این قبیل، باید با تکیه بر توان اجرایی و نهادی و تقویتی این تشکلهای اجرا شود و دولت نقش نظارت عالی بر آنها را داشته باشد. اگر زمانی کالایی مثل مرغ گران می شود ابتدا باید از نهادهای جمعی و تشکلهای مربوطه خواسته شود تا مسئله را ساماندهی و حل و فصل نمایند و اگر نتوانستند دولت وارد شود.

ایجاد و بکارگماری سازمانهای توسعه گر جهادی در مدیریت پروژه های زیربنایی و فناورانه

همچنان که مهندسی و پشتیبانی در دفاع مقدس با استفاده حداکثری از نیروهای مردمی و در قالب سازمانهای جهادی (غیرنظامی و غیرخصوصی و غیردولتی) و با حداکثر بازدهی، سازماندهی و تدارک شد، امروز نیز می توان در عرصه های مختلف پیشرفت اقتصادی، از همین الگو بهره گرفت و سازمانهای مردمی و جهادی مختلفی را در حوزه های کلیدی ایجاد کرد و ماموریت های بزرگ را بردوش آنها گذاشت. این امر بویژه با توجه به فرصت تحریم و نیاز فراوان و سریع به ایجاد ساختارهای چابک و مقاوم و مردمی در مقابل کمبودهای ناشی از تحریم، شگونی و سهیل الوصول است. انبوه جوانان و متخصصان مومن و جهادی در کشور وجود دارند که حاضرند بدون چشم داشت و منفعت طلبی، در عرصه های سازندگی و پیشرفت نقش آفرینی کنند. خانواده بزرگ جهادگران جهادسازندگی و تشکلهای غیردولتی آنها، انبوه گروه های جهادی دانشجو و طلبه، اردوهای راهیان نور، سازمانهای خیریه و مراکز خدمات تخصصی خیریه، صندوق های قرض الحسنه محلی و غیررسمی و ظرفیتهای بزرگی مانند اینها در آحاد جامعه ما وجود دارند که باید در مسیر پر پیچ و خم جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی به کمک

دولت بیایند و دولت نیز ماموریت های واقعی و بزرگی را بر دوش آنها بگذارد. زمانی که جوانان این کشور می توانستند ظرف چند ماه، با تجمیع توان های خرد و کلان مردم در اقصی نقاط کشور، به تهیه و تامین ده ها هزار سنگر فلزی و صدها عدد تجهیزات مهندسی و لجستیکی برای یک عملیات در دفاع مقدس فائق آیند، چرا نتوان دوباره همین الگو و سازماندهی را ایجاد و فعال نمود و از آن برای تامین نیازها و کمبودها و مقابله با حملات اقتصادی دشمن استفاده کرد؟

ایجاد و بکارگماری نهادهای مردمی مدیریت توسعه روستایی

مدیریت توسعه روستایی باید بصورتی سامان یافته و نهادی بازسازی شود. جوانان روستایی می توانند محوریت این امر باشند. امور مردم در روستاها باید به دست خود مردم اداره شود. هسته های پایدار مردمی در روستاها می توانند ضمن کمک به دولت در برنامه ریزی بهتر، عاملیت و اداره امور روستاها را خود بدست گیرند. ظرفیتهای مانند حضور گروه های جهادی از جوانان تحصیلکرده و متعهد نیز می تواند پشتوانه خوبی برای ایجاد و پشتیبانی یک چنین هسته هایی باشد.

ایجاد نظام قدرتمند و فعال در توسعه فناوری

توسعه فناوری یک شعار یا پرستیژ نیست بلکه نیاز مبرم و اساسی تحول اقتصادی است. امروز به مدد گفتمان سازی و ترویج علم و فناوری در کشور، ظرفیتهای و استعدادها متنوع و بزرگی به میدان عمل وارد شده است. به تناسب این امر باید تصمیم گیری و هدایت توسعه فناوری در دولت نیز منسجم شده و به صورتی فعالانه و نه منفعل، هدایت چرخه های فناوری را در بخش های مختلف بدست گیرد. در این امر حضور و مشارکت حداکثری نخبگان و دانشگاهیان و مخترعان امری بدیهی و ضروری است و نمی توان با سازوکارهای مرسوم اداری از عهده این کار برآمد. ایجاد و هماهنگ سازی نهادهای غیردولتی پشتیبان توسعه فناوری و نوآوری و تکمیل نظام نوآوری و بکارگیری ظرفیتهای نهفته نهادی در این حوزه نیز اولویت دولت آینده خواهد بود.

اقتصاد یکی از مهمترین عرصه های نبرد امروز کشور ما با تمدن غرب است. خط مقدم این جهاد، توسعه فناوری و نوآوری است و عقبه آن، تولید ملی است. ما باید در یک حرکت جهادی، علم را به فناوری و فناوری را به تولید و تولید را به پیشرفت اقتصادی متصل نماییم. بیشترین نقاط آسیب پذیر اقتصاد داخلی، و نیز فشارهای دشمن، متوجه این خطوط است. تولید فناورانه و نوآورانه، به مثابه ستون فقرات یک کشور در پیشرفت اقتصادی واقعی است. توسعه فناوری و رواج نوآوری در اقتصاد، بدون الگوی جهادی امکان پذیر نیست. چرا که عقب ماندگی های اقتصاد داخلی در این زمینه زیاد است و جبران آن فقط با همت مضاعف و بسیج همگانی امکان پذیر است. تمهید و زمینه سازی این حرکت جهادی، وظیفه بنیادی دولت آینده در حوزه اقتصاد است تا بدین وسیله، انبوه ظرفیتهای و استعدادهای آحاد جامعه، در مسیر تولید و پیشرفت، احیا و شکوفا شود.

جدول ۱- مقابله با تورم

مدت زمان شمردنی	توضیح	برنامه عملیاتی	راهبرد	راهبرد کلان مقابله با تورم	علت تورم
۲ سال	به دلیل ضعف نظارت، بانک ها به ارائه تسهیلات بیش از حد توان خود میپردازند و با استقراض از بانک مرکزی کمبود منابع را جبران می کنند	تحول در ساختار نظارت بر بانک ها (جلوگیری از بی انضباطی مالی بانک ها و اضافه برداشت از بانک مرکزی)	کاهش بدهی بانک ها به بانک مرکزی (مقابله با زیاده خواهی بانک ها)	کنترل نقدینگی (جلوگیری از چاپ پول)	افزایش نقدینگی
۱ سال	عدم شکایت برخی بانکداران از بدهکاران بانکی (بعضا به دلیل زد و بند و فساد) مهمترین مانع رسیدگی به معوقات است	تشکیل واحد ویژه رسیدگی به معوقات بانکی با اختیار شکایت به جای بانک ها			
۱ سال	نیازمند عزم مدیران دولت است	صرفه جویی و حذف هزینه های غیر ضرور دولت			
۱ سال	اصلاح حفره های قانون مالیاتی کشور	اصلاح نظام مالیاتی و انسداد مفرهای مالیاتی			
۶ ماه	تقاطع پایگاه های اطلاعات اقتصادی کشور	افزایش استقلال سیاست های پولی بانک مرکزی	رعایت انضباط مالی (خرج دولت بیشتر از دخلش نشود)		
۳ ماه	تشکیل واحد ویژه اخذ معوقات مالیاتی متشکل از نهادهای نظارتی کشور (پیشگیری از فساد در ادارات مالیاتی)				
۲ ماه	عدم استقلال بانک مرکزی در نهایت منجر به تورم می شود				
۳ ماه	ایجاد سامانه های الکترونیک رصد مصرف منابع ارزی در بانک ها و صرافیها	افزایش نظارت بر بازار ارز و جلوگیری از احتکار ارزی در بانک ها و صرافیها	افزایش عرضه ارز	ساماندهی بازار ارز	افزایش نرخ ارز (افزایش قیمت کالاهای وارداتی)
۳ ماه	ایجاد واحد نظارت بر مصارف ارزی در ذیل بانک مرکزی و حضور دستگاه های نظارتی سه قوه				
۱ سال	مهمترین راهبرد برای تحقق اقتصاد بدون نفت و از کار انداختن تحریمها	توسعه صادرات غیر نفتی			
۳ ماه	نیازمند عزم مدیران دولت است	ممنوعیت واردات مضر و زائد	کاهش تقاضای ارز		
۵ ماه	نیازمند عزم مدیران دولت است	طرح سری این موضوع توسط متخصصان تحریم تهیه و با موفقیت آزمون شده است	طرح ویژه دور زدن تحریم های نفت و انتقال ارز	رفع محدودیتهای تحریم انتقال ارز	
۲ ماه	تمرکز در مقابله با گرانفروشی توسط واردکنندگان، تولید کنندگان و شبکه های توزیع به جای خرده فروشان	بسیج دستگاه های نظارتی (سازمان حمایت، سازمان تعزیرات و دستگاههای اطلاعاتی و نظارتی مبارزه با مفسد اقتصادی)	استفاده از ظرفیت کشور برای نظارت بر بازار کالا	افزایش نظارت بر بازار کالا	احتکار و گرانفروشی کالا
۱ ماه	مهمترین راهکار کشورهای پیشرفته در مقابله با گرانفروشی است	ایجاد سامانه های الکترونیک نظارت بر قیمت کالاها از سرچشمه (مبادی واردات و تولید تا خرده فروشی ها)			
۸ ماه	استمرار ذخائر راهبردی کالاهای اساسی برای تنظیم بازار	ذخیره سازی کالاهای اساسی	کنترل بازار کالاهای اساسی		

جدول (۲) مبارزه با فساد اقتصادی

قدرت و برخورداری از رانت اقتصادی با ذات دولت‌ها عجین است و همواره علت جذب و تجمع دلالان و مفسدین اقتصادی به دور دولتمردان بوده و خواهد بود. بنابر این هیچ دولتی هر چند متشکل از پاکان روزگار، مبری از فساد نیست. از طرفی در گفتمان انقلاب اسلامی، مبارزه با فساد اقتصادی یکی از مهمترین راهکارهای تحقق عدالت در کشور است که موجب افزایش همبستگی ملت و نظام اسلامی (افزایش قدرت مقاومتی کشور) و رفع هدر رفت منابع اقتصادی کشور (آزادسازی ظرفیت‌ها) است. بنابر این نگاه مبارزه با فساد اقتصادی از هر دو جنبه عدالت

و پیشرفت باید یکی از محورهای اساسی در برنامه نامزدهای ریاست جمهوری باشد. در این راستا کارگروه اقتصادی ستاد دکتر جلیلی برنامه مشخصی را در محورهای ذیل جهت ریشه کن کردن فساد اقتصادی از کشور ارائه نموده است:

۱- تلاش حداکثری برای ایجاد شفافیت اقتصادی و حذف بسترهای فساد خیز در کشور

۲- بازنگری و اصلاح ساختار نهادی مبارزه با فساد اقتصادی در کشور

در جدول ذیل می‌توانید محورهای برنامه ارائه شده را ملاحظه فرمایید.

توضیح	برنامه عملیاتی	راهبرد	راهبرد کلان مقابله با تورم
عدم تقاطع اطلاعات یکی از حفره‌های اساسی در کشور است که ریشه بسیاری از مفاسد اقتصادی از جمله فرار مالیاتی، موقات بانکی و پولشویی است	اتصال پایگاه اطلاعات اقتصادی (بانک، بیمه، مالیات، گمرک و غیره) به یک مرکز مستقل جهت تقاطع اطلاعات و کشف سیستمی مفاسد اقتصادی از عدم انطباق اطلاعات ارائه شده به نهادهای مختلف	کشف سیستمی مفاسد اقتصادی	
مشروح برنامه‌های عملیاتی در این رابطه در بخش «مقابله با تورم» بیان شد	افزایش عرضه ارز و کاهش تقاضای ارز	حذف چند نرخي بودن (عدم تعادل) بازار ارز	
در حال اجرا در همه کشورهای پیشرفته و نیمه پیشرفته	ایجاد سامانه‌های الکترونیک رصد مصرف منابع ارزی در بانک‌ها و صرافیها (پرتال ارزی و سنا)	افزایش نظارت بر بازار ارز و جلوگیری از احتکار ارزی در بانک‌ها و صرافیها	
اعطای یارانه غیر مستقیم زمینه فساد را تقویت می‌کند. به طور مثال به جای ارائه یارانه داروی سرطانی به بیمار سرطانی، یارانه به شرکت توزیع کننده داده می‌شود و در نتیجه احتکار و کمبود در بازار و فروش داروهای یارانه‌ای در بازار آزاد گسترش می‌یابد.	اجرای کامل قانون هدفمندی یارانه‌ها	حذف چند نرخي بودن (عدم تعادل) بازار کالا (قیمت‌های یارانه‌ای)	
راهکار بلندمدت نیازمند نظریه‌پردازی متخصصین بانکداری اسلامی در حوزه و دانشگاه	اصلاح نظام بانکی کشور بر اساس مبانی اسلامی	کاهش چند نرخي بودن (عدم تعادل) بازار پول (نرخ بهره یارانه‌ای)	
حرکت به سمت کاهش رانت تسهیلات یارانه‌ای	تلاش برای کاهش نرخ تورم (برنامه شماره یک) به جای کاهش دستوری نرخ بهره		شفافیت اقتصادی (پیشگیری از فساد از طریق رفع بسترهای فساد خیز)
تمام امور مردم و ارباب رجوع با دولت از طریق درگاه‌های الکترونیک انجام شود. (بدیهی است با این راهبرد لازم است تکمیل اینترنت ملی نسبت به دیگر طرح‌های عمرانی در اولویت بالاتری قرار گیرد)	اجرای کامل طرح دولت الکترونیک	کاهش زمینه وقوع رشوه از طریق کاهش نقش عوامل انسانی در ارائه خدمات به مردم	
مهمترین تجربه موفق دنیا در مبارزه با قاچاق کالا (لزوم اثبات قاچاق نبودن کالا برای همگان در بازار)	اجرای کامل طرح ایران کد و شبنم	کاهش زمینه وقوع قاچاق کالا	
مهمترین راهبرد کاهش مفاسد مالی در جهان	تقویت ضمانت اجرا و اجرای کامل قوانین مبارزه با پولشویی	توسعه تجارت و بانکداری الکترونیک	
عدم انجام مناقصه = رانت و زمینه بروز فساد	نیازمند عزم اجرایی دولت‌هاست. البته به دلیل مسائل تحریم لازم است امنیت پایگاه الکترونیک و جلوگیری از دسترسی دشمنان به اطلاعات پیمانکاران لحاظ شود	حذف زمینه تبانی و فساد در پروژه‌های اقتصادی	
تجربه دنیا و مورد استفاده در دیگر کشورها که طی آن مسئولین باید دارایی خود را قبل و بعد از مسئولیت به مردم اعلام کنند	در حال حاضر وابستگی نامزدهای انتخابات شورای شهر، مجلس و ریاست جمهوری به اسپانسرهای مالی، زمینه بروز فساد را تقویت می‌کند	پیگیری تصویب قانون «از کجا آورده‌ای؟» از طریق مجلس شورای اسلامی یا شورایی عالی مبارزه با مفاسد اقتصادی	پیشگیری از آلودگی مسئولین به فساد اقتصادی
مهمترین راهکار کشورهای پیشرفته در مقابله با گرانی‌فروشی است	ایجاد سامانه‌های الکترونیک نظارت بر قیمت کالاها از سرچشمه (مبادی واردات و تولید) تا خرده‌فروشی‌ها: (پرتال تجاری)	کاهش زمینه احتکار و گرانی‌فروشی	

اصلاح ساختار «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی»	تشکیل شورایی مبارزه با مفاسد اقتصادی متشکل از روسای سه قوه و دارای اختیار سیاستگذاری و قانونگذاری مستقل از طریق تصویب در مجلس یا شورایی امنیت ملی	در بسیاری از موارد قوانین مرتبط با حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی به دلیل نفوذ مافیا و صاحبان قدرت اقتصادی در مجامع قانونی تصویب نمی‌شود. (بلکه بعضاً حرکت عکس آن صورت می‌پذیرد)
حمایت، توسعه و ایجاد رقابت بین دستگاه‌های نظارتی در کشف مفاسد اقتصادی	اتصال پایگاه‌های اقتصادی کشور در یک مرکز فراقوه و ارائه خدمات به تمامی نهادهای نظارتی مبارزه با مفاسد اقتصادی	به جز وزارت اطلاعات، سایر نهادهای نظارتی در حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی فاقد دسترسی مناسب به اطلاعات اقتصادی پایه هستند و بسیاری از ظرفیت‌ها در این حوزه بلااستفاده باقی مانده است
ایجاد سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی	تشکیل نهاد جامع مبارزه با مفاسد اقتصادی (اطلاعاتی، حسابرسی، قضائی) مستقل از دولت و مستقل از نهادهای درگیر در فعالیت‌های اقتصادی زیر نظر شخص مقام معظم رهبری	وابستگی وزارت اطلاعات به دولت بعضاً مانع رسیدگی به مفاسد اقتصادی است (چاقو دسته خود را نمیرد). کشف فسادهای عمیق نیازمند کار اطلاعاتی، در کنار حسابرسی و قضائی خارج از ساختار دولت است
مقابله با ابر بدهکاران بانکی	تشکیل واحد ویژه رسیدگی به معوقات بانکی دارای اختیار شکایت از بدهکاران بانکی و متشکل از دستگاه‌های نظارتی سه قوه	عدم شکایت برخی بانکداران از بدهکاران بانکی (بعضاً به دلیل زد و بند و فساد) مهمترین مانع رسیدگی به معوقات است
حمایت و تشجیع قضات و بازپرسان برخورد کننده با مفاسد اقتصادی	ایجاد ساختار مناسب جهت حمایت امنیتی و روانی برای حذف فشارهای مفسدین بر امنیت روانی و اجتماعی قضات مرتبط و خانواده‌های ایشان	کمتر قاضی و بازپرسی حاضر است امنیت خویش را در معرض خطر برخورد با مفسدین اقتصادی قرار دهد
کاهش معوقات مالیاتی	تشکیل واحد ویژه اخذ معوقات مالیاتی متشکل از نهادهای نظارتی کشور (ایجاد ساختار نظارت خارجی بر سازمان مالیاتی)	بسیاری از پرونده‌های مالیاتی به دلیل زد و بند در ادارات مالیاتی متوقف است و پیگیری نمی‌شود
نظارت بر بانک‌ها و موسسات مالی	ایجاد واحد نظارت بر موسسات مالی در ذیل بانک مرکزی و با حضور دستگاه‌های نظارتی سه قوه	بخش نظارتی بانک مرکزی به دلیل ضعف شدید و ارتباط اندک بازرسان آن با بانک‌ها و صرافینا (همکاران سابقشان) فاقد توانایی لازم برای نظارت موثر بر بانک‌هاست

اصلاح ساختار نهادهای نظارتی در حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی

جدول ۳- مقابله با تحریم‌ها

تحریم‌های اقتصادی یکی از مهمترین مسائل اقتصادی و سیاسی کشور است که باعث شده تا هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری نسبت به آن موضع گیری ویژه‌ای داشته باشند. گرچه تقریباً همه نامزدها به نوعی تصریح دارند که بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور ناشی از عدم توجه به ظرفیت‌های داخلی و در کنار آن اتخاذ برخی سیاست‌های نادرست و غیر کارشناسی اقتصادی است، اما بعضاً راهبردهای کاملاً اشتباهی را جهت رفع مشکل تحریم به مردم ارائه می‌کنند. به طور مثال:

برخی با کم اطلاعی از وضعیت تحریم‌ها، مدعی هستند که با چند ملاقات خارجی محدودیت‌ها را رفع می‌کنند.

برخی دیگر نیز تصور می‌کنند که موضوع تحریم‌ها مثل احداث بزرگراه یا پروژه‌های اقتصادی است که با ارائه یک وعده زمانی و احتمالاً تزریق دوچندان منابع مالی به پیمانکار حل شود.

برخی نیز صراحتاً از معامله عاقلانه با دشمن دم می‌زنند و البته حتماً می‌دانند که دشمن ثمنی جز شرف و عزت اسلامی ملت ایران را قبول نمی‌کند.

این در حالی است که بر خلاف برخی سیاه‌نمایی‌ها از وضعیت کشور، ایران اکنون در جایگاه رفیعی در عرصه جهانی قرار دارد و دستاوردهای خیره

کننده‌ای داشته که عظمت آن از روی قله به خوبی دیده نمی‌شود. ملت ایران بعد از سال‌ها مجاهدت اکنون در آخرین گردنه برای فتح قله پیروزی قرار دارد. انواع تهدید نظامی، امنیتی، مخملی و فرهنگی در دهه‌های گذشته با شکست مواجه شده و دشمن تنها متوسل به سلاح تحریم است که آن نیز داغ کرده و دیگر چندان قابل استفاده نیست.

اما مساله تحریم متفاوت از برداشتهای فوق است و مقابله با آن نیازمند اولاً شناخت دقیق ماهیت تحریم‌ها و نقاط آسیب پذیر اقتصادی کشور از این ناحیه، ثانیاً شناخت نقاط ضعف دشمن و توانایی‌های کشور در عرصه بین المللی، ثالثاً شناخت راهکارهای مدیریت جنگ آشکار و پنهان اقتصادی و از همه مهمتر داشتن روحیه مقاومت عزت آفرین در عرصه رویارویی با دشمن است. این ویژگی‌ها مقدماتی است که تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان مهمترین راهبرد از کار انداختن سلاح تحریم را رقم می‌زند.

خوب با این توضیحات دیگر مشخص است که دکتر جلیلی بعد از شش سال مدیریت تحریم‌ها و اشراف بر ابعاد امنیتی اقتصادی و سیاسی کشور، احتمالاً بیش از هر گزینه دیگری می‌تواند راه مقاومت و حماسه سیاسی را فراهم سازد.

توضیح	برنامه عملیاتی	راهبرد	راهبرد کلان مقابله با تحریم
تصویب طرح تشکیل قرارگاه جنگ اقتصادی در شورایی امنیت ملی (بر اساس آسیب شناسی عملکرد ستاد تدابیر ویژه اقتصادی)	تحول در ساختار سنتی و کلاسیک نهادهای اقتصادی کشور به منظور کارآمدی در جنگ اقتصادی با دشمن	ایجاد قرارگاه جنگ اقتصادی در کشور	اصلاح ساختار مقابله با تحریم‌ها در کشور
برآورد می‌شود در صورت اجرای کامل این طرح، بخش زیادی از مشکلات اقتصادی و ارزی کشور در کوتاه مدت برطرف شود	طرح سری دور زدن تمامی تحریم‌های راهبردی بانک مرکزی و نفت و جابجایی پول نفت تهیه و با موفقیت آزمون شده است	طراحی ساختار پنهان اقتصادی با استفاده از اشراف اطلاعاتی نسبت به فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی دشمن و راهکارهای دور زدن تحریم‌ها	دور زدن تحریم‌ها
کمیته تولید داخلی نزدیک به یکسال است که با محوریت دبیرخانه شورایی امنیت ملی آغاز به کار کرده و ضمن شناسایی اقدام تحریمی کشور، برنامه لازم جهت تولید داخلی آنها را در دست تکمیل دارد	حمایت ویژه از تولید داخلی اقدام تحریمی راهبردی یا دارای مزیت صادراتی در کشور	حمایت از تولید داخلی	
برنامه عملیاتی در این رابطه در بخش «مهار تورم» تشریح شده است برنامه عملیاتی در این رابطه در بخش «مهار تورم» تشریح شده است	مهار تورم		
در حال حاضر حدود ۱۲ میلیارد دلار فاصله بین میزان صادرات غیر نفتی و واردات است که در صورت حمایت از صادرات غیر نفتی ظرف حداکثر دو سال پر می‌شود و تحریم‌های نفتی را آچمز می‌کند	حمایت از صادرات غیر نفتی به خصوص صنایع بخش پایین دستی انرژی	حمایت از صادرات غیر نفتی	
استفاده از تکنولوژی‌های نوین پالایشگاه‌های کوچک راهکاری کوتاه مدت و بسیار موثر در از کار انداختن سلاح تحریم نفتی است که به دلیل عدم اهتمام برخی مسئولین میانی در وزارت نفت متوقف مانده است	حمایت ویژه از تکمیل طرح‌های پالایشگاهی کشور توسعه تکنولوژی‌های نوین بومی سازی شده در صنعت پالایشگاه‌های کوچک به عنوان راهکاری موثر و کوتاه مدت جهت قطع وابستگی به نفت و کسب درآمدهای مضاعف ارزی	تمرکز ویژه بر سرمایه‌گذاری و توسعه طرح‌های پالایشگاهی	اقتصاد مقاومتی
اجرای صحیح اصل ۴۴ منوط به این است که واگذاری مدیریت هم در کنار مالکیت به مردم صورت بگیرد نه اینکه بنگاه‌های دولتی به نهادهای شبه دولتی واگذار شود	اجرای اصل ۴۴ در واگذاری مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی به مردم	واگذاری اقتصاد به مردم	
نیازمند عزم دولتمردان است	کاهش مخارج غیر ضروری جاری و عمرانی دولت	صرفه جویی در مخارج دولت	
نیازمند عزم دولتمردان است	ممنوعیت واردات مضر و زائد	جلوگیری از هدر رفت منابع ارزی کشور	
در بخش «برنامه مبارزه با مفاسد اقتصادی» تشریح شد	ایجاد ساختار جدید نظارت بر مصارف ارزی کشور		
در بخش «برنامه مبارزه با مفاسد اقتصادی» و «برنامه مقابله با تورم» تشریح شد	انسداد مفرهای مالیاتی (اخذ مالیات از مترفین و مافیای اقتصادی در کشور به جای افزایش بار مالیات بر کارمندان و دهک‌های پایین جامعه)	افزایش اتکا به درآمدهای مالیاتی	
ضربه به تحریم کنندگان در راستای گفت‌وگو انقلاب اسلامی تاکنون اجرا نشده است	استفاده از اهرم‌های کشور در حوزه اقتصاد و غیر اقتصاد جهت فشار به تحریم کنندگان	مجازات تحریم کنندگان	
یکی از بهترین راهکارها برای دور زدن تحریم‌هاست. تاکنون در کشور ساختاری برای لابی اقتصادی ایجاد نشده و ظرفیت‌های زیادی بدون استفاده در این رابطه متوقف مانده است	طراحی ساختار لابی اقتصادی: ایجاد ساختار ویژه برای توسعه روابط پنهان اقتصادی با کشورهای هدف و دور از چشم تحریم کنندگان	دیپلماسی اقتصادی	فشار به تحریم کنندگان
احیای معاونت اقتصادی وزارت خارجه و استفاده از ظرفیت نهادهای فرادستگاهی برای حذف بخش‌نگری و نگاه جامع به محیط کشور در مذاکرات با طرفهای خارجی	استفاده از ظرفیت‌های کشور برای گرفتن امتیاز اقتصادی در ازای اعطای امتیاز به طرفهای خارجی		



آنچه ما در این سالهای طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدفهای انقلاب بوده است؛ هر جایی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدفهای انقلاب اسلامی و هدفهای اسلامی بوده است. کسانی سر کار بیایند که مصداق: «ان الذین قالوا ربنا ا... ثم استقاموا» باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند.

مقام معظم رهبری - ۱۳۹۲/۰۲/۲۵



امام خمینی(ره):همه می دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصا اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. فرازی از پیام فطنامه

